



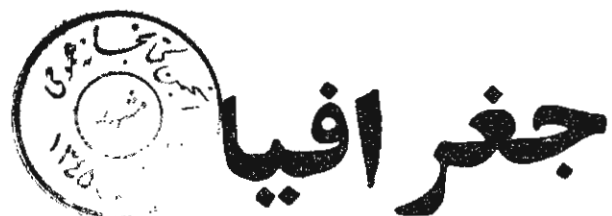
جغرافیا

برای سال چهارم طبیعی و ریاضی

تولید شده در ایران
وزارت آموزش و پرورش

توانا بود هر که دانا بود

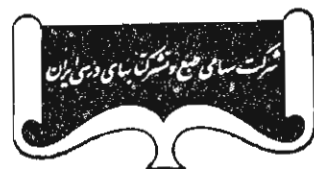
وزارت آموزش و پرورش ۳۰۸۴ - ۱۶/۱/۶۷



برای سال چهارم طبیعی و ریاضی

حق چاپ محفوظ

چاپ و توزیع از :



۱۳۴۶

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
	فصل اول - کشورهای متحد امریکا (اتازونی) - الف - نگاهی
۱	به وضع طبیعی کشورهای متحد امریکا
۵	ب - جغرافیای اقتصادی :
۱۳	کانها و صنایع :
۱۸	صنایع :
۲۳	راهها و وسایل ارتباط
۲۸	بازرگانی خارجی
۲۹	متصرفات
	فصل دوم - فرانسه - الف - نگاهی به وضع طبیعی فرانسه :
۳۴	ب - جغرافیای اقتصادی فرانسه :
۴۱	صنایع
۴۵	راهها و وسایل حمل و نقل
۵۱	بازرگانی
۵۲	کشورهای عضو جامعه فرانسه و مستعمرات آن کشور
	فصل سوم - انگلستان - نگاهی به وضع طبیعی انگلستان :
۵۵	جغرافیای اقتصادی انگلستان
۶۰	کانها
۶۳	صنایع
۶۸	راهها و وسایل حمل و نقل
۷۵	کشورهای مشترك المنافع و مستعمرات انگلیس

این کتاب که به وسیله آقایان علی اکبر جلالی فر ، رضا خراگل ، دکتر محمد حسن گنجی ، مصطفی عاطفی ، مرتضی مدنی ، حسن مشحون و اسدالله موسوی ماکویی نگارش یافته ، بر طبق ماده ۴ تصویب نامه شماره ۹۹۸ هیئت دولت مورخ ۴۱۳۱۳۱۸ و ماده یک تصویب نامه قانونی ۴۴۸۴ مصوب ۴۳۳۱۸ از طرف کمیسیونهای منتخب شورای عالی فرهنگت برای تدریس در دبیرستانها برگزیده شد و به موجب رای شماره ۱۵۶۱ شورای عالی فرهنگت مورخ ۴۴۸۳۶ از نشر مطالب در سازمان کتابهای درسی ایران بررسی شد و در چاپخانه موسوی بچاپ رسید .

تصویر روی جلد : منظره ای از رود سن در شهر پاریس .

فصل اول

کشورهای متحد آمریکا (اتازونی)^۱

الف - نگاهی به وضع طبیعی کشورهای متحد آمریکا

حدود و مساحت - کشورهای متحد آمریکا که با آلاسکا و برخی جزایر اقیانوس آرام و دریای آنتیل ۹۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۱۹۰ میلیون نفر جمعیت دارد از شمال به کانادا و از مشرق به اقیانوس اطلس و از جنوب به خلیج مکزیک و کشور مکزیک و از مغرب به اقیانوس آرام محدود می‌گردد .

بستی و بلندی - کشورهای متحد آمریکا را از جهت پستی و بلندی

به سه قسمت مشخص زیر می‌توان تقسیم نمود :

- ۱- کوههای قدیمی آپالاش^۲ در مشرق بارشته‌هایی از شمال شرقی به جنوب غربی کشیده شده و در مشرق این کوهستان جلگه‌های ساحلی با شیب تندی قرار گرفته‌اند .

صفحه

عنوان

۷۹	فصل چهارم - آلمان - نگاهی به وضع طبیعی آلمان :
۸۲	جغرافیای اقتصادی آلمان :
۸۹	صنایع
۹۴	راهها و وسایل حمل و نقل
۹۷	بازرگانی
۹۹	فصل پنجم - ایتالیا - نگاهی به وضع طبیعی ایتالیا
۱۰۲	جغرافیای اقتصادی ایتالیا :
۱۰۵	کانها
۱۰۷	صنایع
۱۱۱	راهها و وسایل ارتباط
۱۱۴	بازرگانی
۱۱۶	فصل ششم - ژاپن - نگاهی به وضع طبیعی ژاپن
۱۱۷	جغرافیای اقتصادی ژاپن :
۱۲۸	بازرگانی
۱۳۰	فصل هفتم - چین - نگاهی به وضع طبیعی چین
۱۳۳	جغرافیای اقتصادی چین اصلی :
۱۴۱	فصل هشتم - کشورهای متحد اندونزی - نگاهی به وضع طبیعی اندونزی
۱۴۳	جغرافیای اقتصادی اندونزی

لطفاً در پاورقی صفحه ۴۲ شماره‌های ۷ و ۶ را به ۶ و ۷ اصلاح فرمایید .

۱- United States of America = (Etats-unis)=U.S.A.

۲- Appalaches

فصل اول

کشورهای متحد آمریکا (اتازونی)^۱

الف - نگاهی به وضع طبیعی کشورهای متحد آمریکا

حدود و مساحت - کشورهای متحد آمریکا که با آلاسکا و برخی جزایر اقیانوس آرام و دریای آنتیل ۹۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۱۹۰ میلیون نفر جمعیت دارد از شمال به کانادا و از مشرق به اقیانوس اطلس و از جنوب به خلیج مکزیک و کشور مکزیک و از مغرب به اقیانوس آرام محدود می‌گردد .

بستی و بلندی - کشورهای متحد آمریکا را از جهت پستی و بلندی

به سه قسمت مشخص زیر می‌توان تقسیم نمود :

- ۱- کوه‌های قدیمی آپالاش^۲ در مشرق بارشته‌هایی از شمال شرقی به جنوب غربی کشیده شده و در مشرق این کوهستان جلگه‌های ساحلی با شیب تندی قرار گرفته‌اند .

صفحه

عنوان

۷۹	فصل چهارم - آلمان - نگاهی به وضع طبیعی آلمان :
۸۲	جغرافیای اقتصادی آلمان :
۸۹	صنایع
۹۴	راهها و وسایل حمل و نقل
۹۷	بازرگانی
۹۹	فصل پنجم - ایتالیا - نگاهی به وضع طبیعی ایتالیا
۱۰۲	جغرافیای اقتصادی ایتالیا :
۱۰۵	کانه‌ها
۱۰۷	صنایع
۱۱۱	راهها و وسایل ارتباط
۱۱۴	بازرگانی
۱۱۶	فصل ششم - ژاپن - نگاهی به وضع طبیعی ژاپن
۱۱۷	جغرافیای اقتصادی ژاپن :
۱۲۸	بازرگانی
۱۳۰	فصل هفتم - چین - نگاهی به وضع طبیعی چین
۱۳۳	جغرافیای اقتصادی چین اصلی :
۱۴۱	فصل هشتم - کشورهای متحد اندونزی - نگاهی به وضع طبیعی اندونزی
۱۴۳	جغرافیای اقتصادی اندونزی

لطفاً در پاورقی صفحه ۴۲ شماره‌های ۷ و ۶ را به ۶ و ۷ اصلاح فرمایید .

۱- United States of America = (Etats-unis)=U.S.A.

۲- Appalaches

۲ - در مرکز این کشور جلگه وسیع حاصلخیزی وجود دارد که ارتفاع آن از شمال به جنوب کاسته می شود و قسمت عمده آن از رسوبات رود می سی سی پی^۱ و شعبات آن پوشیده شده است .

۳ - در مغرب جلگه مرکزی کوهستان مرتفع راکسی^۲ « روشوز »^۲ در جهت شمال به جنوب با رشته های متعدد امتداد یافته است و دنباله آن در شمال به مرتفعات کانادا و در جنوب به کوه های مکزیك می پیوندد. در قسمت غربی کشورهای متحد امریکا رشته کوهی به موازات سواحل اقیانوس آرام کشیده شده که به نام کوست رنج^۳ یا رشته ساحلی خوانده می شود . این کوهستان در شمال به کس کید^۴ و در جنوب به سیرانو^۵ معروف است .

در بین این کوه ها فلانهای مرتفع کلمبیا^۶ در شمال و گریت بسن^۷ در مرکز و کُرادو^۸ در جنوب قرار گرفته اند .

آب و هوا و مناطق گیاهی - به سبب وسعت زیاد و شرایط طبیعی مختلف ، آب و هوای کشورهای متحد امریکا فوق العاده متنوع است ولی بطور کلی مناطق اقلیمی آن را می توان از مغرب به مشرق به چهار قسمت زیر تقسیم نمود :

۱ - **کناره های اقیانوس آرام** ، که در معرض وزش باد های دریایی مغرب قرار دارد ، نیمه شمالی آب و هوای ملایم و مرطوب دارد و نیمه جنوبی آن از آب و هوای مدیترانه ای برخوردار است . مقدار

- | | | |
|------------------|-------------------|------------------|
| ۱ - Mississippi | ۲ - Rocheuse | ۳ - Coast Ranges |
| ۴ - Cascade | ۵ - Sierra Nevada | ۶ - Columbia |
| ۷ - Great Bassin | ۸ - Colorado | |

باران سالانه در قسمت شمالی این منطقه به دو متر می رسد و قسمت عمده دامنه کوه های ساحلی را جنگل فرا گرفته است .

۲ - **منطقه فلاتها** ، که کوه های ساحلی اقیانوس آرام و رشوز در آن کشیده شده ، آب و هوای خشك دارد و باران سالانه در این قسمت از ۲۵۵ میلیمتر تجاوز نمی کند و بیشتر این ناحیه استپ و صحراست .

۳ - **جلگه وسیع مرکزی** ، که آب و هوای بری متغیر دارد. شمال این ناحیه که از جنگل و چمن زارها پوشیده شده دارای آب و هوای سرد است و باران سالانه آن از يك متر تجاوز نمی کند ولی آب و هوای قسمتهای جنوبی یعنی کناره های خلیج مکزیك بسیار گرم و مرطوب و طوفانی است و میزان باران سالانه آن در حدود يك متر و نیم است. مرکز این منطقه به علت خاک رسوبی حاصلخیز و بارانهای بهاری برای کشت غلات و گیاهان صنعتی اختصاص یافته است.

۴ - **سواحل اقیانوس اطلس** ، در شمال دارای نوعی از آب و هوای مرطوب اقیانوسی می باشد و ارتفاع باران آن به يك متر می رسد و بیشتر دامنه های کوهستان آپالاش را در این منطقه جنگل فرا گرفته است . شمال و مرکز این ناحیه به علت تأثیر جریان آب سرد لابرادور^۱ و بادهای سرد قطبی دارای زمستانهای بسیار سخت است ولی کناره های جنوبی آن تحت تأثیر جریان آب گرم گلف استریم^۲ و نزدیکی به خط استوا آب و هوای بسیار گرم و مرطوب استوایی دارد و محل کشت گیاهان گرمسیری است .

رودها - بیشتر رود های کشورهای متحد مستقیماً و یا غیر مستقیم

- | | |
|--------------|-----------------|
| ۱ - Labrador | ۲ - Gulf stream |
|--------------|-----------------|

از طریق دریاچه‌های پنجگانه و خلیج مکزیک به اقیانوس اطلس وارد می‌شود و مهمترین آنها عبارتند از :

می‌سی‌سی‌پی که با شعبه خود **میسوری**^۱ درازترین رود جهان است .

این رود از ارتفاعات کانادا سرچشمه می‌گیرد و پس از دریافت شعبه‌های متعدد قسمت بزرگی از جلگه مرکزی را مشروب ساخته به خلیج مکزیک داخل می‌شود .

رود هودسن^۲ که در بندر **نیویورک**^۳ به اقیانوس اطلس می‌ریزد . علاوه بر این در جلگه‌های ساحلی اقیانوس اطلس رودهای متعددی دیگری وجود دارد که همگی از کوهپای آپالاش سرچشمه گرفته پس از طی مسافت‌های کوتاهی به آن اقیانوس منتهی می‌شود .

بیشتر رودهایی که به اقیانوس آرام داخل می‌شوند به علت گذشتن از مناطق کوهستانی و تولید آبشارهای فراوان قابل کشتیرانی نمی‌باشند مانند رود **کلمبیا** که از خاگ کانادا سرچشمه گرفته و پس از مشروب ساختن قسمتی از فلات کلمبیا در کوهپای کسکید آبشارهای زیاد تولید نموده به اقیانوس آرام وارد می‌شود . دیگر رود **کلرادو** که از کوهستان رشوز جریان می‌یابد و از فلات کلرادو گذشته به خلیج **کالیفرنیا**^۴ می‌ریزد .
کناره‌ها - کناره‌های کشورهای متحد آمریکا در اقیانوس اطلس بریده و عمیق و برای کشتیرانی و ایجاد بنادر بسیار مساعد است و مهمترین بریدگی‌های آن خلیج کوچک دهانه رود **سنت لورنس**^۵ و خلیج **چز اپیک**^۶ است .

۱-Missouri ۲-Hudson ۳-New York
۴-California ۵-Saint Lawrence ۶-Chesapeake

شبه جزیره **فلوریدا**^۱ در جنوب شرقی این کشور قرار دارد . کناره‌های خلیج مکزیک پست و مستقیم و کناره‌های اقیانوس آرام سنگی و مرتفع و به علت کمی تضاریس بیشتر مستقیم و بی‌پناهگاه می‌باشد به همین جهت بنادر بزرگ در این قسمت کمتر وجود دارد .

ب - جغرافیای اقتصادی :

کشاورزی - کشورهای متحد آمریکا (اتازونی) درمدت کوتاهی از لحاظ کشاورزی بر سایر ممالک جهان برتری یافته است . میزان فراورده‌های کشاورزی و دامپروری آن ارقام بزرگی را تشکیل می‌دهد که پس از رفع نیازمندیهای داخلی مقداری از آنها به خارج فرستاده می‌شود .

پیشرفت سریع و فوق العاده این کشور در امور کشاورزی نتیجه مستقیم يك سلسله عوامل جغرافیایی و انسانی است که مهمترین آنها عبارتند از :

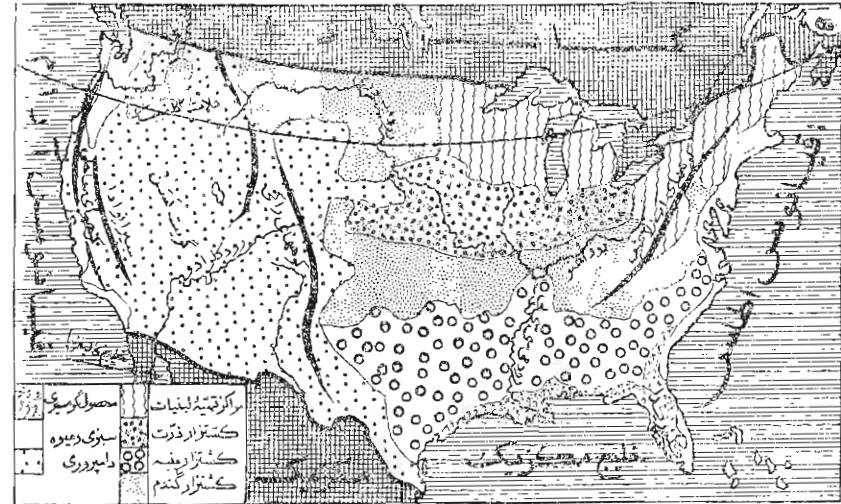
۱- مساعد بودن اوضاع طبیعی یعنی حاصلخیزی خاگ و وفور باران و تنوع آب و هوا که سبب کشت محصولات مختلف گرمسیری و نواحی معتدل می‌گردد .

۲- طول و کثرت رودها و فراوانی مقدار آب آنها که در آبیاری و حمل و نقل تأثیر فراوانی دارد .

۳- اختصاص هر قسمت مملکت به يك نوع کشت و اتحاد ۵۰ کشور و آزادی مبادلات بازرگانی میان آنها که امر تجارت را آسان ساخته است .

۱- Florida

۴- استعداد و کردانی و کوشش مردم که از زمینهای خود به حداکثر امکان بهترین نوع محصولات را بدست می آورند .



ناهموارها و مراکز کشاورزی و دامپروری کشورهای متحد آمریکا

۵- کمکهای ذیقیمت دولت، وضع قوانین مفید و حفر کانالها و ایجاد سدها و تأسیس آموزشگاهها و بنگاههای کشاورزی که سبب توسعه کشتزارها و جلب علاقه مردم به امور زراعتی گردیده است .

۶- بکار بردن وسایل مکانیکی جدید در کشتزارها (وسعت زمینهای کشاورزی این کشور در حدود دو میلیون کیلومتر مربع یعنی بیش از مساحت تمام خاک ایران است) .

کشاورزان که $\frac{1}{4}$ سکنه آن را تشکیل می دهند غالباً در میان کشتزارهای خود بطور پراکنده زندگی می کنند و کمتر به حال اجتماع در دهکده ها بسر می برند .

خاک کشورهای متحد آمریکا را از لحاظ کشاورزی و اقتصادی و انسانی به دو منطقه بزرگ می توان تقسیم نمود که نصف آنها رصددرجه غربی آن دو را از هم جدا ساخته است .

۱- منطقه غربی ، واقع بین کوهستان راکی و سواحل اقیانوس آرام که $\frac{2}{3}$ وسعت آن را فرا گرفته و به علت وجود کوهها وفلاتها و صحرای خشک جز در سواحل اقیانوس آرام که دارای باران کافی است و سرزمین اطراف سدهایی که برای آبیاری برودهای کلرادو و کلمبیا ساخته شده کشاورزی در سایر نواحی آن امکان ندارد و کشتزارهای این قسمت بیشتر به کشت سبزیها و درختان میوه اختصاص دارد و در دامنه کوهها به جهت داشتن مراتع فراوان پرورش گاو و گوسفند پیشرفت زیادی نموده است .

۲- منطقه شرقی ، میان کوههای راکی و کناره های اقیانوس اطلس که به سبب داشتن باران کافی و رودهای پر آب مانند می سی سی پی مرکز عمده کشاورزی و دامپروری است . بر حسب اختلاف آب و هوا هر قسمت آن ، چنانکه خواهیم دید ، به یکی از کارهای کشاورزی تخصیص داده شده است .

محصولات مهم کشاورزی کشورهای متحد آمریکا عبارت است از غلات ، میوه ، سبزیها و گیاهان صنعتی .

غلات- بیش از نصف زمینهای زیر کشت کشورهای متحد آمریکا به کشت ذرت و گندم اختصاص دارد .

ذرت- کشورهای متحد آمریکا از حیث تولید مقدار ذرت در جهان مقام اول را دارد و میزان محصول آن سالانه ۱۲۵ میلیون تن

می باشد که بیش از $\frac{1}{4}$ مجموع محصول ذرت جهان است ، محل کشت آن در مرکز منطقه شرقی از **نبراسکا**^۱ و **کانزاس**^۲ تا **اوهایو**^۳ امتداد یافته است ، به علت توسعه دامپروری ذرت را بیشتر برای خوراك دامها بکار می برند .

گندم - هر چند وسعت کشتزارهای گندم به پایه ذرت نمی رسد ولی اهمیت آن از لحاظ بازرگانی بیشتر است . کشورهای متحد امریکا سومین تهیه کننده گندم (پس از شوروی و چین) و دومین صادر کننده آن بعد از کانادا می باشد ، محصول سالانه گندم ۳۳ میلیون تن است که $\frac{1}{4}$ آن به خارج بویژه کشورهای اروپا فرستاده می شود . بندر نیویورک بزرگترین محل صدور گندم این کشور است .

نواحی کشت گندم بهاره در کشورهای **داکوتای**^۴ شمالی و جنوبی و **مینن سو تا**^۵ و واشینگتن می باشد و گندم پاییزه را در مرکز منطقه شرقی از کانزاس تا سواحل اقیانوس اطلس کشت می کنند و بیشتر مزارع آن در مجاورت کشتزارهای ذرت قرار گرفته است .

جو سیاه ، که برای خوراك دامها بکار می رود در اطراف دریاچه های پنجگانه کاشته می شود ، محصول سالانه آن ۱۴ میلیون تن و از این حیث این کشور درجه دوم (پس از شوروی) را در جهان حائز است .

جو - در حاشیه های کشتزارهای گندم بهاره جو کاشته می شود ، میزان محصول سالانه آن ۸/۵ میلیون تن و از این جهت کشورهای متحد امریکا سومین مرکز تولید جهان (پس از شوروی و چین) است .

- | | | |
|-------------|--------------|---------|
| ۱- Nebraska | ۲- Kansas | ۳- Ohio |
| ۴- Dakota | ۵- Minnesota | |

برنج ، درکناره های خلیج مکزیک و **چاودار** نزدیک مزارع جو سیاه کاشته می شود و مقدار تولید آنها زیاد است .

میوه ها و سبزیها - کشورهای متحد امریکا از جهت کشت درختان میوه و تهیه سبزیها در زمره بزرگترین کشورهای عالم و اولین تهیه کننده انواع کنسرو و خشکبار جهان است .

نواحی شمال شرقی و سواحل خلیج مکزیک و کشور کالیفرنیا از بزرگترین مراکز تهیه سبزی بشمار می روند . **کالیفرنیا**^۱ ، **فلوریدا**^۲ و **جورجیا**^۳ مهمترین مراکز کشت درختان میوه می باشند .

وسیع ترین و زیباترین باغهای سیب و زردآلو و گوجه و انگورو مرکبات در کالیفرنیاست و $\frac{2}{3}$ مرکبات و انگور کشورهای متحد امریکا در این ناحیه کاشته می شود .

پس از کالیفرنیا از حیث کثرت میوه کشور فلوریدا قرار گرفته که دارای میوه های فراوان نواحی معتدل و گرم است . در کشورهای شمال شرقی و مشرق این سرزمین نیز مقادیر زیادی سیب بدست می آید که به مصرف خوراك اهالی و ساختن شراب سیب می رسد .

قسمت بزرگی از میوه ها و سبزیهای کشورهای متحد امریکا به صورت خشکبار و کنسرو درمی آید و کالیفرنیا بزرگترین تهیه کننده خشکبار است و از این حیث در عالم شهرت بسزا دارد ، شهرهای **بالتیمور**^۴ و **سانفرانسیسکو**^۵ نیز از مراکز مهم کنسرو سازی می باشند .

سیب زمینی - با وجودی که سیب زمینی از گیاهان بومی کشورهای

- | | | |
|---------------|------------------|------------|
| ۱- California | ۲- Florida | ۳- Georgia |
| ۴- Baltimore | ۵- San Francisco | |

متحد امریکاست به علت فراوانی گندم در تغذیه اهالی به خلاف برخی از کشورهای اروپایی نقش مهمی ندارد و به همین جهت کشت آن نسبت به سایر محصولات توسعه نیافته است. محصول سالانه آن ۱/۳۳ میلیون تن است و بیشتر در اطراف دریاچه‌های پنجگانه و کشور واشینگتن و سواحل شمالی اقیانوس اطلس کشت می‌شود.

گیاهان صنعتی: از میان گیاهان صنعتی این کشور پنبه و توتون اهمیت بیشتری دارند و میزان محصول سالانه هر دو در جهان مقام اول را حائز است.

پنبه - در جلگه رود می‌سی‌سی‌پی و دره‌های رسوبی کوه‌های آپالاش همچنین در کشور **تکزاس**^۱ که دارای آب و هوای گرم و باران کافی است کاشته می‌شود و منطقه کشت آن از شمال به کشتزارهای ذرت و در جنوب به کشتزارهای برنج محدود می‌شود.

محصول سالانه پنبه کشورهای متحد امریکا ۳/۱ میلیون تن است که ۴۵ درصد محصول عالم می‌باشد. نصف این مقدار در داخل مصرف می‌شود و نصف دیگر به خارج بویژه کشورهای اروپایی صادر می‌گردد. کشت پنبه سابقاً به وسیله بردگان سیاه پوست انجام می‌گرفت، اکنون هم چون آب و هوای گرم جنوبی با طبیعت سفید پوستان سازش ندارد بیشتر کارگران مزارع از سیاه پوستان تشکیل می‌شود. از دانه‌های پنبه روغن نباتی تهیه می‌شود که بیشتر به خارج صادر می‌گردد.

توتون - در اطراف کوه‌های آپالاش بخصوص در نواحی **کن توکی**^۲ و **ویرجینیا**^۳ کاشته می‌شود و محصول سالانه آن قریب یک

۱- Texas ۲- Kentucky ۳- Virginia

۵۹ درصد محصول جهان می‌باشد.

نیشکر، در کناره‌های خلیج مکزیک بخصوص سرزمینهای دهانه رود می‌سی‌سی‌پی و چغندر قند بیشتر در ناحیه مرکزی مجاور مزارع ذرت و در سرزمینهای کالیفرنیا و **کلرادو** کاشته می‌شود ولی چون مصرف قند در کشورهای متحد امریکا زیاد است محصول نیشکر و چغندر قند آن کفاف احتیاجات داخلی را نمی‌نماید به همین جهت هر سال مقدار زیادی قند و شکر از جزایر **هاوایی**^۱ و **فیلیپین**^۲ به این کشور وارد می‌شود. بیشتر کارخانه‌های قندسازی این کشور در بنادر بزرگ تأسیس گردیده است.

کتان، بیشتر در اطراف مزارع گندم کاشته می‌شود و از دانه‌های آن مانند دانه‌های پنبه روغن نباتی تهیه می‌کنند.

جنگل - بیش از دو میلیون کیلومتر مربع از وسعت کشورهای متحد امریکا را جنگل فرا گرفته است و مناطق مهم جنگلی آن در کناره‌های شمالی اقیانوس آرام و دامنه کوه‌های آپالاش و سواحل خلیج مکزیک و شبه جزیره فلوریدا قرار دارد.

در کشورهای متحد امریکا مصرف چوب در تهیه کاغذ و امور صنعتی دیگر زیاد است و محصولات جنگلی این کشور احتیاجات داخلی آن را تأمین نمی‌کند و ناچار هر سال مقداری چوب از کانادا وارد می‌کند.

کاغذ سازی در کشورهای متحد امریکا پیشرفت فراوان کرده و از این حیث بر تمام کشورهای جهان برتری یافته است. ناحیه شمال شرقی مجاور کانادا و بندر **ساوانا**^۳ به این صنعت اختصاص یافته و

۱-Hawai ۲-Philippines ۳-Savannah

بزرگترین کارخانه‌های کاغذسازی در آنها دایر است .

دامپروری و ماهیگیری - گله‌داری در کشورهای متحد امریکا پیشرفت فراوان نموده و از لحاظ تربیت پرندگان اهلی و تهیهٔ شير و گوشت این کشور در جهان حائز اهمیت بسیار است .

گوسفند در منطقهٔ فلاتها و گاوه که $\frac{1}{4}$ آن را گاوآهن شيرده تشکیل می‌دهد در جلگهٔ مرکزی و کشورهای شرقی و شمال شرقی و خوک مجاور کشتزارهای ذرت و اسب در تمام مناطق کشاورزی تربیت می‌شود و در هر قسمت از خاک این کشور دامها را به منظور خاصی تربیت می‌کنند مثلاً در کنار دریاچه‌های پنجگانه و کشورهای شرقی گاوآهن شيرده نگاهداری می‌شود در صورتی که در جلگه‌های مرکزی دامها را بیشتر برای تهیهٔ گوشت پرورش می‌دهند و در شهرهای این قسمت و مخصوصاً در شیکاگو کشتارگاههای بزرگی وجود دارد. قسمتی از گوشت برای صدور به خارج به صورت کنسرو درمی‌آید و بقیه را برای مصرف داخلی به سایر شهرها می‌فرستند.

کشورهای متحد امریکا از لحاظ ماهیگیری در جهان حائز رتبهٔ اول است و ۲۳ درصد از ماهی عالم به وسیلهٔ صیادان آن صید می‌شود ، در کناره‌های آلاسکا بیشتر ماهیهای روغن‌دار و در رودهای داخلی و دریاچه‌های پنجگانه و کناره‌های اقیانوس آرام و اطلس انواع مختلف ماهی صید می‌شود که قسمتی از آنها را به صورت کنسرو درمی‌آورند . بنادر بستن^۱ و پرتلند^۲ بزرگترین مراکز ماهیگیری و بنادر بالتیمور و سانفرانسیسکو مهم‌ترین محلهای تهیهٔ کنسرو می‌باشد .

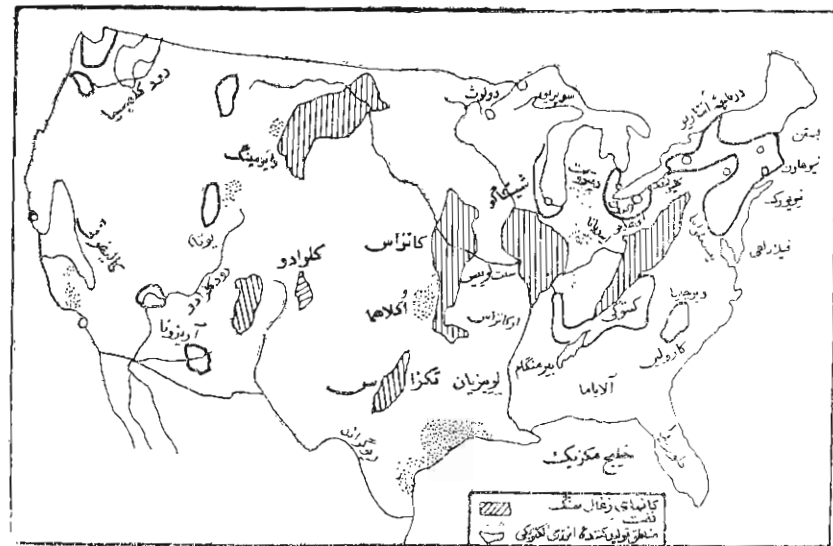
کشورهای متحد امریکا از جهت صید صدف نیز بر تمام کشورهای جهان برتری یافته است . $\frac{3}{4}$ صدف جهان در خلیجهای چاراپیک و سانفرانسیسکو و سواحل خلیج مکزیک بدست می‌آید .

کانه‌ها و صنایع :

کشورهای متحد امریکا از جهت منابع زیرزمینی بسیار غنی است و کانه‌های آن متنوع و محصول اکثر آنها مانند زغال سنگ و آهن و نفت و مس و روی و بوکسیت و گوگرد و فسفات در جهان در مرتبهٔ اول قرار دارد بعلاوه از حیث استخراج نقره مرتبهٔ دوم (پس از مکزیک) و از جهت میزان محصول طلا درجهٔ چهارم (پس از کشورهای متحد افریقای جنوبی و شوروی و کانادا) در عالم قرار گرفته است .

زغال سنگ - ذخایر زغال سنگ این کشور فوق‌العاده زیاد است و چون رگه‌های آن ضخیم و غالباً در مجاورت سطح زمین قرار دارد و بعلاوه ۹۰ درصد با وسایل مکانیکی استخراج می‌شود بهره‌برداری از آنها بسیار زیاد می‌باشد ، محصول سالانهٔ زغال سنگ در حدود ۳۸۱/۵ میلیون تن و هر کارگر معدن زغال سنگ قادر است به کمک ماشین روزانه ۶ تن زغال سنگ استخراج نماید .

نصف زغال سنگ کشورهای متحد امریکا در ناحیهٔ آپالاش یعنی در دامنهٔ شرقی و غربی این کوهستان استخراج می‌شود و کشورهای پنسیلوانیا^۱ و ویرجینیا و کن‌توکی و آلاباما^۲ مراکز عمدهٔ استخراج زغال سنگ محسوب می‌شوند . قسمتی از زغال سنگ این نواحی به علت نزدیکی کانه‌ها به بنادر اقیانوس اطلس به خارج مخصوصاً کانادا صادر



می گردد .

دیگر از نواحی مهم استخراج زغال سنگ ایلی نویز^۱ و مغرب رودخانه می سی سی پی از **تکزاس** تا آیووا^۲ و کوههای راکی می باشد . بطور کلی از میزان استخراج کانهای زغال سنگ از مشرق به مغرب کاسته می شود .

نفت - کشورهای متحد امریکا بزرگترین کشور نفت خیز عالم می باشد و مقدار تولید آن ۳۵۴ میلیون تن و بیش از نصف محصول تمام جهان است .

اولین مرتبه در سال ۱۸۵۹ میلادی در کشور پنسیلوانیا نفت استخراج گردید ولی محصول کانهای این قسمت بر اثر بهره برداری زیاد روبه کاهش رفته و اکنون مهمترین معادن نفت در مغرب رود می سی سی پی

۱-Illinois ۲-Iowa

در کشورهای کانزاس ، اکلاهما^۱ و لوئیزیان^۲ و مخصوصاً **تکزاس** واقع شده اند که ۶۶ درصد محصول نفت کشور از این نواحی بدست می آید ، پس از این نواحی کانهای نفت کالیفرنیا حائز اهمیت است که بین سانفرانسیسکو و **لوس آنجلس**^۳ قرار دارد .

در کشورهای **ایومینگ**^۴ و ایلی نویز و ایاو نیز معادن نفت وجود دارد . ولی اهمیت آنها کمتر از جاهای دیگر است . قسمت عمده محصول نفت و گاز کشورهای متحد امریکا به وسیله لوله به شهرها و مراکز جمعیت انتقال می یابد .

لوله های نفتی این کشور نفت خام را به تصفیه خانه هایی که در محل های استخراج و یا مراکز بزرگ مصرف و نواحی ساحلی مانند **شیکاگو**^۵ و **کلیولند**^۶ و **فیلادلفی**^۷ و **نیویورک**^۸ و **بستن**^۹ و سانفرانسیسکو نصب شده اند می رساند .

استخراج ، تصفیه و فروش محصولات نفتی یکی از مهمترین صنایع و منابع درآمد کشورهای متحد امریکا است ولی با وجود این به علت مصرف زیاد در این کشور «تنها ۲۵ میلیون اتوموبیل برای حمل و نقل بکار می رود» این مقدار نفت تکافوی احتیاجات داخلی را نکرده و هر سال کمبود آن را از خارج وارد می کنند .

کشورهای متحد امریکا در حقیقت یک امپراطوری عظیم نفت را تشکیل داده است و کمپانیهای بزرگی مانند **استاندارد اویل**^۹ بر آن

- | | | |
|----------------|-------------|----------------|
| ۱-Oklahoma | ۲-Louisiana | ۳-Los Angeles |
| ۴-Wyoming | ۵-Chicago | ۶-Cleveland |
| ۷-Philadelphia | ۸-Boston | ۹-Standard oil |

فرمانروایی می‌کند و در تولید و فروش نفت نواحی نفت خیز جهان مانند کشورهای مکزیک و کلمبیا و ونزوئلا و عربستان و قسمتی از عراق و ایران نیز سهم مؤثری دارند.

در کشورهای متحد آمریکا برای تولید گرما و روشنایی و مصارف صنعتی از گازهای نفت استفاده فراوان می‌شود و آنها را به وسیله لوله به نقاط دور انتقال می‌دهند چنانکه گازهای نفت تکراس به شهرشیکاگو فرستاده می‌شود.

کشورهای متحد آمریکا اولین تهیه‌کننده انرژی الکتریکی عالم است و در حدود ۴۷ درصد برق جهان را تهیه می‌نماید که نصف آن از قوه آبشارهای کنار دریاچه‌های پنجگانه و کوههای آپالاش و سدهای بزرگی که بر روی رودها مانند کلمبیا و کلرادو ساخته شده است بدست می‌آید.

آهن - در کشورهای متحد آمریکا کانه‌های آهن بسیار است و بر حسب مقتضیات اقتصادی میزان استخراج آن در سالهای مختلف متفاوت می‌باشد. بطور متوسط هر سال ۱۰۶ میلیون تن آهن جهان در این کشور بدست می‌آید. مهمترین مراکز استخراج آهن در مریب و جنوب دریاچه سوپریور قرار دارد که ۸۵ درصد محصول آهن از آنجا حاصل می‌شود.

مراکز دیگر استخراج آهن عبارتند از: ناحیه آپالاش در کشور های پنسیلوانیا و آلاباما که زودتر از سایر کانه‌ها مورد استفاده قرار گرفته و در قرن نوزدهم اهمیت بسیار داشته ولی در اثر بهره‌برداری زیاد محصول آن روبه کاهش رفته است و دیگر کانه‌های رشوز که با وجود فراوانی مقدار به علت دوری و هزینه زیاد حمل و نقل چندان استخراج نمی‌شود.

مس، در حدود $\frac{1}{4}$ مس عالم در کشورهای متحد آمریکا استخراج

می‌گردد و معادن آن در سواحل جنوبی دریاچه سوپریور و کشورهای یوتا^۱ و آریزونا^۲ قرار دارد.

روی، که میزان تولید آن به $\frac{1}{4}$ محصول عالم می‌رسد بیشتر در کلرادو استخراج می‌شود.

سرب، در کوههای رشوز بدست می‌آید و مقدار آن در حدود $\frac{1}{4}$ محصول جهان می‌باشد.

بکسیت^۳، که در صنعت آلومینیم سازی بکار می‌رود و در جنوب کوههای آپالاش و کشور آرکانزاس^۴ به مقدار فراوان یعنی در حدود نصف محصول دنیا استخراج می‌گردد.

فلزات نادر جهان مانند **گروم**^۵ و **مولیبدن**^۶ و **تنگستن**^۷ که در صنایع فلزی جدید از لحاظ تهیه فولادهای مخصوص با مقاومت و قوه ارتجاعی دل بزرگی را عهده‌دار می‌باشد در کشورهای متحد آمریکا بسیار فراوان است بخصوص مولیبدن که در کلرادو استخراج می‌شود و مقدار آن ۹۰ درصد محصول عالم است.

طلا، در کشور کالیفرنیا فراوان است و در کوههای غربی هم استخراج می‌شود. **نقره** نیز در مرتفعات غربی در مجاورت معادن مس و سرب و روی بدست می‌آید.

بهره‌برداری از کانه‌های **منیزیم** در سالهای اخیر شروع شده و بیشتر از نواحی کنار خلیج مکزیک استخراج می‌شود ولی محصول آن چندان

۱- Utah	۲- Arizona	۳- Bauxite
۴- Arkansas	۵- Chrome	۶- Molybdene
۷- Tungstene		

زیاد نیست معادن دیگر کشورهای متحد امریکا که ذخایر آنها بسیار است عبارتند از :

گوتارد ، که در لوئیزیان و تکزاس استخراج می شود و مقدار آن به $\frac{2}{3}$ محصول جهان می رسد ، فسفات به مقدار (۴۰ درصد محصول عالم) در کشور فلوریدا بدست می آید و پتاس که محصول آن در سالهای اخیر به واسطه کشف معادن تازه در نیومکزیکو^۱ افزایش یافته است .

صنایع :

کشورهای متحد امریکا از سال ۱۹۱۴ میلادی مقام اول را در جهان صنعت احراز نمود و اکنون نیز در اکثر رشته های صنعت حائز مقام اول است و این برتری را در مدت نیم قرن به شل زیر بدست آورده است :

۱- فراوانی مواد اولیه گیاهی و حیوانی و وجود منابع سرشار زیرزمینی . بطوری که گفته شد محصول اکثر آنها در عالم در مرتبه اول قرار دارد .

۲- توسعه وسایل حمل و نقل که سبب اتصال مناطق کشاورزی و صنعتی و سهولت ارتباط آنها با مراکز بازرگانی گردیده است .

۳- وجود شرکت های بزرگ به نام تراست^۲ که با سرمایه هنگفت مواد اولیه مورد نیاز صنعتی را به کمترین بها تهیه و مصنوعات خود را به بهترین قیمت در بازارهای عالم بفروش می رساند .

۴- چگونگی اتحاد ۵۰ کشور و ازدیاد درجه تمدن سکنه آنها

۱- New Mexico ۲- Trust

که از منابع طبیعی با وسایل جدید به بهترین نحو بهره برداری می نمایند .

۵- صاحبان صنایع برای هر يك از مصنوعات خود مدلهای معینی که جلب کننده نظر مشتری است انتخاب و به مقدار فراوان تهیه می نمایند سپس با داشتن اعتبار و تبلیغات گوناگون در داخل و خارج روز بروز بر تعداد خریداران اجناس خود افزوده و دایره صنعت را توسعه بیشتری می دهند .

صنایع فلزی - صنایع فلزی اساس قدرت اقتصادی کشورهای متحد امریکا را تشکیل می دهد و در تمام رشته های این صنعت در عالم حائز رتبه اول است .

مراکز عمده کارخانه های ذوب آهن و تهیه فولاد و چدن عبارت است از شهرهای **دیترویت**^۱ و **شیکاگو** و **کلیولند** و **پیتسبورگ**^۲ در کنار دریاچه های پنجگانه که نزدیک کنای آهن قرار دارند و بعضی شهرهای پنسیلوانیا و آلاباما بخصوص **پیتسبورگ**^۲ و **بیرمنگام**^۴ که مجاور کنای زغال سنگ و نفت ناحیه آپالاش واقعند و بندر بالتیمور که آهن از شیلی و کوبا وارد می کند . در سال ۱۹۶۱ قریب ۸۳ میلیون تن فولاد و ۶۱ میلیون تن چدن در این کشور تولید شده است .

در کارخانه های فلزکاری کشورهای متحد امریکا که بیشتر در شمال شرقی قرار گرفته اند قریب ۴ میلیون نفر کارگر کار می کند و در آنها انواع و اقسام ماشین ساخته می شود و هر شهری به ساختن ماشین مخصوص اختصاص یافته است مثلاً بندر فیلادلفی مهمترین کانون لوکوموتیو و توربین سازی

۱- Detroit ۲- Bufalo ۳- Pittsburg

۴- Birmingham

است و شهرهای **دیترویت** (مرکز کارخانه‌های فرد) و کلیولند بزرگترین مرکز کارخانه‌های اتوموبیل سازی می‌باشند. سالانه ۶ میلیون اتوموبیل در کشورهای متحد امریکا ساخته می‌شود.

در شهرشیکاگو ماشینهای کشاورزی و در شهرهای ساحلی اقیانوسهای آرام و اطلس مانند: **پاترسن**^۱، **سنت لوئیس** هواپیما و در کنار خلیج چیزاپیک کشتی و در شهر **ورسستر**^۲ ماشینهای پارچه بافی و در **نیوهایون**^۳ اسلحه و در **سنت لوئیس**^۴ ماشینهای خیاطی و تحریر و آلات و ابزار الکتریکی تهیه می‌گردد و در حقیقت این شهرها مراکز مهم صنایع کشور می‌باشند.

میزان محصولات صنایع فلزی کشورهای متحد امریکا بسیار زیاد است و رقم بزرگی را تشکیل می‌دهند چنانکه مثلاً در کارخانه‌های فلزکاری آن^۲ اتوموبیل و هواپیما و ۹ درصد ماشین تحریر جهان ساخته می‌شود. **صنایع شیمیایی** - مدتها کشورهای متحد امریکا از حیث صنایع شیمیایی با آلمان رقابت می‌نمود، در سالهای اخیر میزان محصولات صنایع شیمیایی آن از آلمان تجاوز نمود و از این جهت هم در عالم مقام اول را حائز گردیده است.

در کشورهای متحد امریکا نصف محصولات کائوچویی عالم تهیه می‌شود و ۴ هزار کارخانه در این رشته کار می‌کنند.

شهر **آکرون**^۵ واقع در کشور اهایو یکی از مراکز مهم این صنعت است که بیش از صد هزار نفر کارگر در آن کار می‌کنند و پیشرفت

۱-Paterson ۲-Worcester ۳-Newhaven
۴-Saint louis ۵-Akron

آن با صنایع اتوموبیل سازی توأم بوده است. بعلاوه در نزدیک معادن زغال سنگ شمال شرقی و نفت تکزاس و کالیفرنیا کارخانه‌های متعدد برای ساختن کائوچوی مصنوعی بر پا شده و محصول آن بیش از کائوچوی طبیعی است و این رشته صنعت خود باعث بسط صنایع شیمیایی در سالهای اخیر شده است.

در کشورهای متحد امریکا سالانه نصف سلولز و خمیر کاغذ و ابریشم مصنوعی جهان و مقادیر زیادی اسید سولفوریک و سوپرفسفات - دوکلسیم و سولفاتهای مس و آمونیم و کودهای شیمیایی و رنگهای مختلف تهیه می‌شود. کارخانه‌های آن بیشتر در شهرهای نیویورک و **فیلادلفی**^۱ و سنت لوئیس تمرکز یافته است.

شهر **راچستر**^۲ کنار دریاچه انتاریو مرکز عمده تهیه دوربین و فیلمهای عکاسی است و در کارخانه‌های آن سالانه میلیاردها متر فیلمهای سینما و عکاسی تهیه می‌شود.

صنایع بافندگی - در کشورهای متحد امریکا پارچه بافی توسعه فراوان یافته ولی پیشرفت آن به پایه صنایع فلزی و شیمیایی نمی‌رسد. مدتها کشورهای متحد امریکا از جهت تولید پارچه‌های پشمی و پنبه‌ای بعد از انگلستان قرار داشت ولی ترقی سریع صنایع بافندگی آن در سالهای اخیر سبب شد که در تمام رشته‌های صنعت بافندگی (بجز بافتن پارچه‌های پنبه‌ای که پس از انگلستان قرار گرفته) رتبه اول را در عالم احراز نماید معذا صادرات پارچه‌های پشمی و پنبه‌ای آن به علت مصرف زیاد داخلی هنوز به پایه انگلستان نرسیده است.

۱- Philadelphia ۲- Rochester

پارچه های پشمی در شمال شرقی بخصوص در شهر بستن بافته می شود و محصول آن هر چند بیش از مصرف داخلی است ولی مقداری پارچه ظریف پشمی از خارج وارد می کند .

پنبه نواحی جنوبی ابتدا تماماً در اطراف شهر بستن تبدیل به پارچه می شد ولی از اواخر قرن نوزدهم صاحبان صنایع بافندگی کارخانه های متعددی در نواحی جنوبی نزدیک مزارع پنبه تأسیس نمودند که اکثر با نیروی برق حاصله از آبشارهای کوه های آبالاش کار می کنند . حمل پنبه به این کارخانه ها به سبب نزدیکی به مزارع ارزان تمام می شود و ضمناً از کارگران سیاه پوست هم استفاده می کنند ، ولی با وجود تأسیس کارخانه ها در نواحی جنوبی باز ناحیه واقع بین بستن و نیویورک بزرگترین محل کارخانه های پارچه بافی پنبه می باشد .

کشور های متحد امریکا -^۱ پارچه های ابریشم طبیعی و مصنوعی عالم را تهیه می نماید و بزرگترین کانون آن شهر پاترسون^۱ است . همچنین بر اثر توسعه صنایع شیمیایی ۴۰ درصد ابریشم خام عالم در آن فراهم می آید ولی ابریشم طبیعی را از خارج خریداری می کنند .

صنایع غذایی - کشورهای متحد امریکا اولین تهیه کننده کنسرو جهان می باشد و ۷۵۰ هزار کارگر در کارخانه های کنسروسازی آن به کار اشتغال دارند ، موادی که به صورت کنسرو درمی آید عبارتند از سبزیها ، میوه ، ماهی ، گوشت . ارزش سالانه محصولات غذایی این کشور با قیمت فروش اتوموبیل های آن برابری می کند . علت عمده توسعه سریع صنایع غذایی همانا زندگی ماشینی و نوع معیشت شهرنشینان آن است که به علت

۱۱. آشتن وقت بایستی از اغذیه آماده استفاده کنند .

کشورهای کالیفرنیا و فلوریدا بزرگترین مراکز تهیه کنسرو سبزی و میوه و نواحی مرکزی مهمترین محل ساختن کنسرو گوشت می باشد در نواحی شمالی فراورده های شیر بخصوص شیرخشک تهیه می گردد و کارخانه های قند چغندر در نواحی مرکزی و غربی تمرکز یافته است ولی چنانچه قبلاً گفته شد مقداری قند از خارج وارد می نماید .

کارخانه های آرد سازی نیز بیشتر در نواحی مرکزی تأسیس گردیده و کشور کالیفرنیا مهمترین محل ساختن مشروبات الکلی کشورهای متحد امریکا است .

راهها و وسایل ارتباط

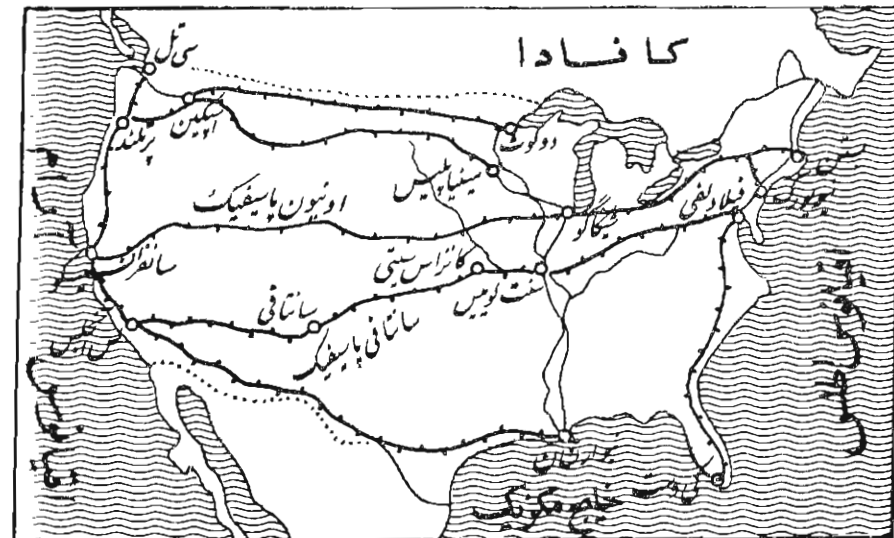
راههای شوسه و آهن - وسعت زیاد و بالا بودن سطح تمدن در کشورهای متحد امریکا ایجاد وسایل ارتباط و حمل و نقل کاملی را ایجاد نموده است .

تمام مراکز صنعتی و کشاورزی به وسیله راههای آهن و جاده های شوسه با شهرها و بنادر مربوط گردیده است .

طول راههای شوسه کشورهای متحد امریکا در حدود ۵ میلیون کیلومتر می باشد که بیش از نصف آنها آسفالت شده است و معمولترین وسیله نقلیه اتوموبیل های شخصی است . به هر نقطه از کشورهای متحد امریکا به وسیله اتوبوس می توان مسافرت نمود و نزدیک سه هزار بنگاه اتوبوسرانی در آنجا وجود دارد که اتوبوسهای آنها بین دو تا چند شهر

رفت و آمد می کنند . طول خطوط آهن کشورهای متحد امریکا در حدود ۴۰۰۰۰۰ کیلومتری یعنی ۲۹ درصد مجموع خطوط آهن عالم است و این کشور بتنهایی برابر تمام کشورهای اروپا راه آهن دارد ولی نسبت به مساحت ، خطوط آهن آن چندان زیاد نیست .

راههای آهن کشورهای متحد امریکا شامل خطوط آهن سراسری شمال و جنوب و مغرب و مشرق می باشد . اولین راه آهن سراسری که باعث ارتباط دو اقیانوس اطلس و آرام گردید در سال ۱۸۶۹ میلادی بین

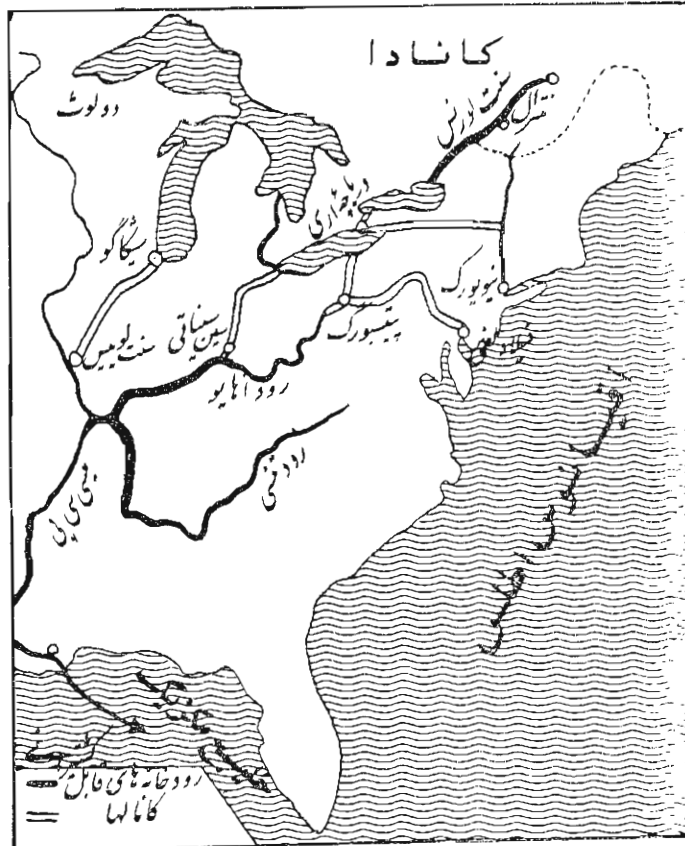


راههای آهن کشورهای متحد امریکا

بندرهای نیویورک و سانفرانسیسکو به نام یونیون پاسیفیک^۱ پایان رسید که از شهر شیکاگو عبور می نماید . سپس سه رشته خط آهن سراسری دیگر ساخته شده که از شمال به جنوب عبارتند از :

۱- Union Pacific

خط بین بندر نیویورک (کنار اقیانوس اطلس) سی تل^۱ (در ساحل اقیانوس آرام) به نام پاسیفیک شمالی که از شهرهای شیکاگو و مینیاپلیس^۲ و بندر دولوث^۳ (کنار دریاچه سوپریور) می گذرد . دیگر خط آهن بین بنادر فیلادلفی ولس آنجلس به نام سانتافی توپکا^۴ یا سانتافی پاسیفیک که



رودهای قابل کشتیرانی و کانالها

۱- Seattle ۲- Minneapolis ۳- Duluth
۴- Santa Fe Topeka

از شهر های سنت لوییس و سانتافی می گذرد و به طول ۷۴۰۰ کیلومتر دراز ترین خط آهن سراسری کشور می باشد .

بالاخره خط آهن جنوبی (سوترن پاسیفیک)^۱ که بین نیوارلثان^۲ در ساحل خلیج مکزیک و بندر لس آنجلس در کنار اقیانوس آرام کشیده شده است .

از مهم ترین خطوط آهنی که برای ارتباط شهر های شمالی و جنوبی ساخته شده دو خط کناره اقیانوس اطلس و آرام می باشد که اولی بندر بستن را از راه بنادر نیویورک و فیلادلفی به بندر (کی وست)^۳ در انتهای شبه جزیره فلوریدا متصل می نماید و دنبال آن در شمال به خطوط آهن کانادا می پیوندد و دومی بندر سی تل را از راه پرتلند و سانفرانسیسکو به بندر لس آنجلس مربوط ساخته است .

دیگر راه آهن میان بندر دولوث و نیوارلثان که از شهر های مینیاپلیس و شیکاگو و سنت لوییس می گذرد .

راه های آبی - طول خطوط آبی داخلی کشورهای متحد امریکا در حدود ۵۰ هزار کیلومتر است که تقریباً سه هزار کیلومتر آن را کانالها تشکیل داده است .

دریاچه های پنجگانه و رودخانه سنت لاورنس^۴ فعال ترین راه های آبی داخلی کشورهای متحد امریکا و جهان می باشد .

کشتیهای فراوانی بین بنادر پنج دریاچه و شهر مونترال^۵ در کانادا از راه رود سنت لاورنس رفت و آمد می نمایند و از راه کانال اری که بین

رودخانه هودسن و دریاچه اری ساخته شده تا بندر نیویورک پیش می روند و سبب مبادله محصولات و مصنوعات کشورهای شمالی با یکدیگر می گردند، بارگیری سالانه این کشتیها در حدود ۱۲۹ میلیون تن یعنی دو برابر مجموع بارگیری کشتیهای است که از ترعه های پاناما^۱ و سوئز^۲ در سال عبور می کنند .

رود بزرگ می سی سی پی که در جلگه مرکزی جریان دارد قابل کشتیرانی است و مهمترین وسیله ارتباط نواحی کشاورزی جنوب و مرکز با مناطق بزرگ صنعتی شمالی و شمال شرقی می باشد و به وسیله کانالی که بین سنت لوییس و شیکاگو ساخته شده با دریاچه های پنجگانه مربوط می گردد .

همچنین کانالهایی شهر های سن سیناتی^۳ و پیستبورگ را از راه رود اهایو به دریاچه اری و اقیانوس اطلس متصل می سازد .

میزان گنجایش کشتیهای بازرگانی کشورهای متحد امریکا طبق آمار ۱۹۶۲ ، ۲۳/۳ میلیون تن است و از این حیث در عالم مقام اول را حائز است .

بنادر بزرگ کشورهای متحد امریکا عبارتند از بستن ، نیویورک ، فیلادلفی و بالتیمور در ساحل اقیانوس اطلس و نیوارلثان و هوستن در کنار خلیج مکزیک و لس آنجلس و سانفرانسیسکو و سی تل در کناره اقیانوس آرام .

مهمترین این بنادر نیویورک است که در اطراف رود هودسن بنا

شده و با ۱۳ میلیون نفر جمعیت، بزرگترین بندر جهان می باشد. و در کالاهای تجارتی وارده و صادره از این بندر سالانه به ۶۰۰ میلیون تن می رسد و دارای کارخانه های متعدد تصفیه نفت و ابریشم بافی و یکی از مراکز بزرگ تهیه محصولات الکتریکی و مکانیکی کشورهای متحد امریکاست.

راه های هوایی - طول خطوط هوایی که بین شهرهای کشورهای متحد امریکا دایر است در حدود ۸۵ هزار کیلومتر می باشد. بعلاوه هواپیماهای آن در سه خط مهم هوایی خارجی پرواز می کنند که دو خط آنها یکی از راه اروپا و آسیا و دیگری از طریق اقیانوس آرام و جزایر هاوایی به شرق دور و خط سوم در امریکای جنوبی از راه کانال پاناما به بوئنس آیرس^۱ پایتخت آرژانتین و یابا به سانتیاگو^۲ مرکز شیلی منتهی می گردد.

بازرگانی خارجی

در جنگ اول و دوم جهانی که کشورهای اروپا اکثر کارگران کارخانه های خود را در راه تهیه محصولات جنگی بکار بردند کشورهای متحد امریکا نه تنها کشاورزی و صنایع قبلی خود را محدود نساخت بلکه بر میزان محصولات آنها افزود و بزرگترین تولید کننده و صادر کننده جهان گردید.

هرچند میزان بازرگانی خارجی کشورهای متحد امریکا بیش از ده درصد تجارت داخلی آن نیست معذالک از این حیث بر سایر ممالک جهان برتری دارد و چون صادرات کشورهای متحد امریکایش از واردات آن است. به همین جهت این کشور محل تمرکز سرمایه عالم گردیده است.

اکنون در حدود نصف سرهانه جهان به مردم این کشور تعلق دارد و این مقدار عظیم ثروت با جمعیت آن که ۷ درصد سکنه عالم است هیچگونه تناسبی ندارد.

واردات عمده کشورهای متحد امریکا عبارت است از مواد اولیه صنعتی بخصوص کائوچو، ابریشم، پشم، خمیر کاغذ، قلع، نیکل، منگنز و مواد غذایی مانند نیشکر و قهوه و کاکائو و پارهای اسباب ساخته شده و صادرات مهم آن را مصنوعات کارخانه ها بویژه اتوموبیل و کشتی و ماشینهای کشاورزی و پارچه و کنسرو و محصولات کشاورزی مانند پنبه و گندم و توتون تشکیل می دهد.

بازرگانی خارجی کشورهای متحد امریکا در مرتبه اول با کشورهای اروپا و قاره امریکا و سپس با ممالک آسیا می باشد و تجارت آن با کشورهای افریقا و اقیانوسیه محدود است.

متصرفات

در امریکای مرکزی منطقه ای به مساحت ۱۴۲۵ کیلومتر مربع که کانال پاناما^۱ در آن کنده شده متعلق به کشورهای متحد امریکاست، حفر این کانال به طول ۸۱/۳ کیلومتر در سال ۱۹۱۴ میلادی بپایان رسیده و دارای موقعیت ارتباطی مهمی است چه به جای آنکه کشتیها، امریکای جنوبی را دور بزنند به سبب این کانال از اقیانوس اطلس وارد اقیانوس آرام می گردند و از لحاظ وقت و سوخت صرفه جویی بسیار می کنند و به همین جهت در اولین سال جنگ جهانی اول که کانال پاناما افتتاح شد این کشور از حق عبور کشتیهای سایر دول $\frac{1}{4}$ مخارجی را که برای ساختن

فصل دوم

آن کرده بود بدست آورد .

کشورهای متحد امریکا در سال ۱۸۹۸ میلادی مجمع‌الجزایر پورتوریکو^۱ در دریای آنتیل^۲ را از اسپانیا خرید و در سال ۱۹۱۷ میلادی مجمع‌الجزایر ویرجین^۳ را در همان دریا که از سه جزیره مرکب است و به دانمارک تعلق داشت در مقابل ۵۲ میلیون دلار تصاحب نمود^۴.

فرانسه

الف - نگاهی به وضع طبیعی فرانسه:

حدود و مساحت - کشور فرانسه با وسعت ۵۵۱۰۰۰ کیلومتر مربع و ۴۹ میلیون نفر جمعیت در مغرب اروپا واقع و به شکل شش ضلعی است که سه طرفش را آب و سه طرف دیگر آن را خشکی فرا گرفته است . فرانسه از شمال غربی به دریای مانش و از شمال به بلژیک و لوکزامبورگ و ناحیه سار ، از مغرب به اقیانوس اطلس ، از جنوب به اسپانیا و دریای مدیترانه و از مشرق به کشورهای ایتالیا و سویس و آلمان محدود می‌گردد .

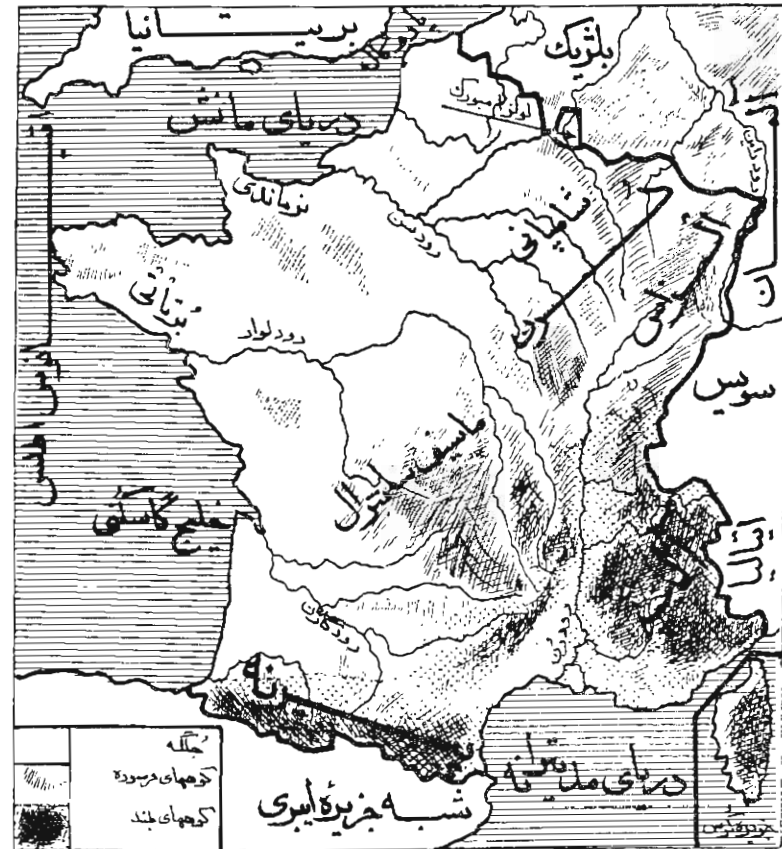
پستی و بلندی - کوههای فرانسه به دودسته تقسیم می‌شود :
اول کوههای فرسوده قدیمی ، که دارای قله گنبدی شکل و کم ارتفاعند مانند ماسیف سانترال^۱ و وژ^۲ که بلندی آنها از ۱۷۰۰ متر تجاوز نمی‌کند .

دوم کوههای جوان ، که دارای قله بریده و مرتفعند مانند

۱- Massif Central ۲- Vosges

۱- Puerto Rico ۲- Antille ۳- Virgine

۴ - بخاطر داشته باشیم که ساکنان ناحیه آلاسکا (در شمال امریکا) و جزایر هاوایی در اقیانوس آرام در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی با مردم دیگر نواحی کشورهای متحد امریکا متساوی الحقوق شناخته شدند و بترتیب چهل و نهمین و پنجاهمین ناحیه کشورهای متحد امریکا را تشکیل دادند .



ناهمواریه‌های فرانسه

کوهستان آلپ^۱ بین فرانسه و ایتالیا که بلندترین کوه‌های اروپاست و قله آن من بلان^۲ ۴۸۱۰ متر ارتفاع دارد و کوه‌های پیرنه^۳ بین فرانسه و اسپانیا و ژورا^۴ بین فرانسه و سوئیس .
در میان این کوه‌ها و اطراف آنها زمینهای پستی وجود دارد که از رسوبات رودها انباشته شده و جلگه‌های حاصلخیزی بوجود آورده

۱- Alpes ۲- Mont Blanc ۳- Pyrenées ۴- Jura

است مانند جلگه‌های پاریس و رُن^۱ و آکیتن^۲ که بترتیب از رسوبات رودهای سن^۳ و رُن و گارن^۴ تشکیل یافته‌اند .

آب و هوا - چون سه‌طرف فرانسه را آب فرا گرفته و فاصله آن تقریباً از قطب و استوا به يك اندازه است آب و هوای آن ملایم و معتدل می‌باشد . بادهای مرطوب اقیانوس اطلس که از سمت مغرب به فرانسه می‌وزد بارندگی زیاد تولید می‌نماید بطوری که در بعضی نقاط غربی آن مقدار باران سالانه به دو متر می‌رسد . باران متوسط سالانه آن کشور در حدود ۷۵ سانتیمتر است و هر قدر از مغرب به مشرق فرانسه پیش رویم به جهت دوری از دریا از مقدار رطوبت کاسته شده و تغییرات درجه حرارت شدت می‌یابد .

آب و هوای شمال غربی فرانسه بسیار ملایم و مرطوب و آب و هوای نواحی شرقی بری و نسبتاً خشک است و قسمتهای جنوبی آن آب و هوای مدیترانه‌ای دارد .

رودها - چون سرچشمه رودهای فرانسه از دریاهاى مجاور فاصله زیادی ندارد درازای آنها کم است ولی بیشتر آنها دارای جریان ملایم و قابل کشتیرانی هستند و مهمترین آنها عبارتند از :

رود سن ، که از کوهستان وژ جریان یافته پس از مشروب ساختن پاریس به دریای مانش می‌ریزد و رود **لوار**^۵ که از کوه‌های مرکزی سرچشمه گرفته به اقیانوس اطلس داخل می‌شود دیگر رود **گارن** که از کوه‌های پیرنه جاری شده به اقیانوس اطلس منتهی می‌گردد و رود **رُن**

۱- Rhon ۲- Aquitaine ۳- Seine

۴- Garonne ۵- Loire

که از مرتفعات سویس سرچشمه می گیرد و به دریای مدیترانه می ریزد.

کناره ها - غیر از سواحل شمال غربی و قسمتی از جنوب بقیه کناره های فرانسه پست و مستقیم و شنزار و برای کشتیرانی مساعد نیست بویژه که دریای مانش بیشتر ایام سال به سبب جزر و مدهای شدید و طوفانهای سخت متلاطم و توقف کشتیها در کناره های آن خالی از خطر نیست و اغلب بنادری که در این قسمت وجود دارد با هزینه زیاد در دهانه رودها و خلیجهای ساحلی بنا گردیده است.

ب - جغرافیای اقتصادی فرانسه :

کشاورزی - فرانسه از قدیم کشوری کشاورزی بوده و اکنون هم با وجود پیشرفت در صنایع، کشاورزی آن دارای اهمیت است و قریب ۸ میلیون نفر از ۴۹ میلیون نفر جمعیت آن مملکت بدین کار اشتغال دارند. از قرن نوزدهم میلادی کشاورزی به طریق علمی در فرانسه متداول گردید و با بکار بردن ماشین و استعمال کودهای شیمیایی میزان برداشت محصول کشتزارها افزایش فراوان یافته است ولی هنوز کشاورزی مکانیزه بطور کامل در آن کشور انجام نگرفته و تقریباً تمام ماشینهای کشاورزی به سرمایه داران بزرگ تعلق دارد و خرده مالکان اکثراً برای کشت و برداشت محصول از گاو و اسب و وسایل قدیمی استفاده می کنند.

۱۵ درصد خاک فرانسه بایرو ۱۹ درصد آن جنگل و بقیه پوشیده از کشتزارها و مراتع است و به واسطه تنوع آب و هوا محصولات گوناگون در آن کشور بعمل می آید که مهمترین آنها عبارت است از :

گندم ، بیش از سایر غلات در فرانسه کاشته می شود و مزارع آن

۱۳ درصد خاک آن مملکت را فرا گرفته است، در بیشتر نقاط فرانسه حتی دامنه کوهها تا ارتفاع ۱۰۰۰ متر گندم کشت می گردد ولی نواحی مهم کشت آن جلگه های رسوبی و حاصلخیز شمالی بخصوص جلگه های اطراف پاریس و جلگه های **فلاندر** و **آلزاس** می باشد که $\frac{2}{3}$ گندم فرانسه از آن نواحی بدست می آید.

محصول سالانه گندم در حدود ۱۰ میلیون تن می باشد و از این حیث در عالم در مرتبه پنجم قرار دارد (پس از کشورهای شوروی و چین و کشورهای متحد امریکا و هندوستان) و با این مقدار محصول احتیاجات داخلی آن تقریباً تأمین می گردد.

جو ، بیشتر در شمال رود لوار کشت می گردد و چون محصول آن کافی نیست هر سال مقدار زیادی از خارج وارد می کنند.

چاودار و جو سیاه ، که برای تغذیه دامها بخصوص اسب بکار می رود در زمینهای کم قوت بویژه اطراف کوههای مرکزی کاشته می شود.

ذرت - به مقدار کم در نواحی گرم و مرطوب جنوبی مخصوصاً در جلگه آکیتن کشت می گردد.

سیب زمینی و میوه و سبزی - سیب زمینی به مقدار زیاد در اکثر نقاط فرانسه بخصوص زمینهای کم قوت و مرطوب که کشت گندم در آنها میسر نیست مانند **برتانی**^۱ و اطراف کوههای مرکزی کاشته می شود و نصف آن به مصرف خوراک اهالی می رسد و بقیه برای تغذیه دامها و مصارف صنعتی بخصوص تهیه الکل بکار می رود. محصول سالانه سیب زمینی قریب ۲۳ میلیون تن می باشد و از این حیث فرانسه در عالم مقام چهارم را احراز

کرده است (پس از شوروی و آلمان و لهستان) .

سبزیها به مقدار فراوان در فرانسه بخصوص در اطراف رود لوآر و نواحی پروانس و برتانی کشت می گردد و در خوراك مردم آن کشور تأثیر بسیار دارد .

در فرانسه انواع مختلف درختان میوه وجود دارد و میوه های بعضی از نواحی آن کشور از لحاظ خوبی جنس و درشتی شهرت یافته است که علاوه بر رفع احتیاجات داخلی مقدار هم بطور تازه و یا به صورت خشکبار و کنسرو به خارج بویژه اروپای شمالی فرستاده می شود .

انگور از محصولات مهم فرانسه بشمار می رود و مراکز مهم تاکستانهای آن عبارت است از: **لانگدوک**^۱ که نصف انگور فرانسه از این قسمت بدست می آید و پس از آن در کناره های رود لوآر و رن و نواحی **بردوله**^۲ و **بورگنی**^۳ و **شامپانی**^۴ نیز کاشته می شود. بیشتر محصول انگور فرانسه به مصرف تولید شراب می رسد و این کشور از حیث شرابهای متنوع در دنیا مشهور است .

گیاهان صنعتی - کشت **چغندر قند** که توسعه فراوان دارد بیشتر در جلگه های حاصلخیز شمالی بخصوص جلگه های اطراف پاریس و **پیکاردی**^۵ متداول است و چون هزینه حمل چغندر به علت سنگینی به کارخانه زیاد است کارخانه های قندسازی هم اکثر در مجاورت کشتزارهای چغندر نصب گردیده است .

محصول گیاهان صنعتی دیگر که در فرانسه بعمل آید چندان

۱- Languedoc ۲- Bordolais ۳- Bourgogne
۴- Chmapagne ۵- Picardie

زیاد نیست و تکافوی نیازمندیهای داخلی آن را نمی کند .

جنگل - حدود $\frac{1}{5}$ خاک فرانسه را جنگل پوشانیده است و مناطق مهم جنگلی آن در اطراف پاریس و دامنه کوههای وژ ، مرکزی، آلپ، و ژورا واقع شده است .

به علت مصرف زیاد چوب در سوخت و مصارف صنعتی بویژه تهیه کاغذ ، محصولات جنگلی تکافوی حوایج آن کشور را نمی کند به همین جهت هر سال مقدار زیادی چوب از خارج بخصوص سوئد و نروژ وارد می کنند .

دامپروری - قسمت بزرگی از دامنه کوههای فرانسه از مراتع پوشیده شده و در نتیجه دامپروری در آن کشور رونق بسیار دارد علاوه بر این در بیشتر جلگه ها و اطراف شهرها و دهستانها برای دامپروری چراگاههای مخصوصی ایجاد کرده اند .

چون تعداد دامها برای رفع نیازمندیهای داخلی آن کشور کافی نیست هر سال مقداری گوشت و پشم از خارج بویژه استرالیا و آرژانتین خریداری می نماید .

نواحی **نرماندی**^۱ و **پواتو**^۲ و **لیموزن**^۳ به سبب داشتن چمنزارهای فراوان و رطوبت کافی و هوای معتدل به پرورش **گاو** اختصاص یافته و $\frac{4}{5}$ گاوهای فرانسه در این نواحی نگاهداری می شود و در نواحی کوهستانی آلپ و ژورا بیشتر گاوان شیرده پرورش می یابند .
خوک ، در اکثر نقاط فرانسه و **گوسفند** بیشتر در دامنه کوههای

مرکزی و کناره دریای مدیترانه تربیت می شود .

۱- Normandie ۲- Poitou ۳- Limousin

پرورش اسب در فرانسه پیشرفت فراوان نموده و مراکز مهم تربیت این حیوان در نواحی بولونه^۱، نرماندی، برتانی و پیرش^۲ می باشد. اسبان بولونه از لحاظ سرعت و خوبی اندام ممتازند و شهرت بسیاری دارند.

الاغ و قاطر بیشتر در پواتو تربیت می شود و برای بارکشی در نواحی کوهستانی و دهات و قصبات بکار می رود.

ماهیگیری - ماهیگیری یکی از منابع مهم تغذیه اهالی فرانسه می باشد و در حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر از مردم آن کشور در کناره ها و نقاط دور دست به صید ماهی اشتغال دارند و سالانه قریب پانصد هزار تن ماهی صید می نمایند.

بندر بولنی^۳ بزرگترین بندر ماهیگیری فرانسه باشد که ۲۵ درصد صید ماهی در آنجا صورت می گیرد و در نواحی ساحلی بخصوص آرکاشن^۴ پرورش صدف نیز متداول است.

کانها - فرانسه از لحاظ منابع زیرزمینی چندان غنی نیست، نفت به مقدار بسیار کم در آلزاس بدست می آید و محصول آن بیش از ۱/۵ درصد احتیاجات داخلی آن کشور را تأمین نمی کند.

زغال سنگ، که نان سیاه صنعت نامیده می شود در فرانسه به مقدار کافی وجود ندارد و اکثر کانهای آن دارای رگه های نازک و غیر مستقیم می باشد بدین جهت استخراج آن مشکل و گران تمام می شود. محصول سالانه زغال سنگ در حدود ۴۷/۵ میلیون تن است که

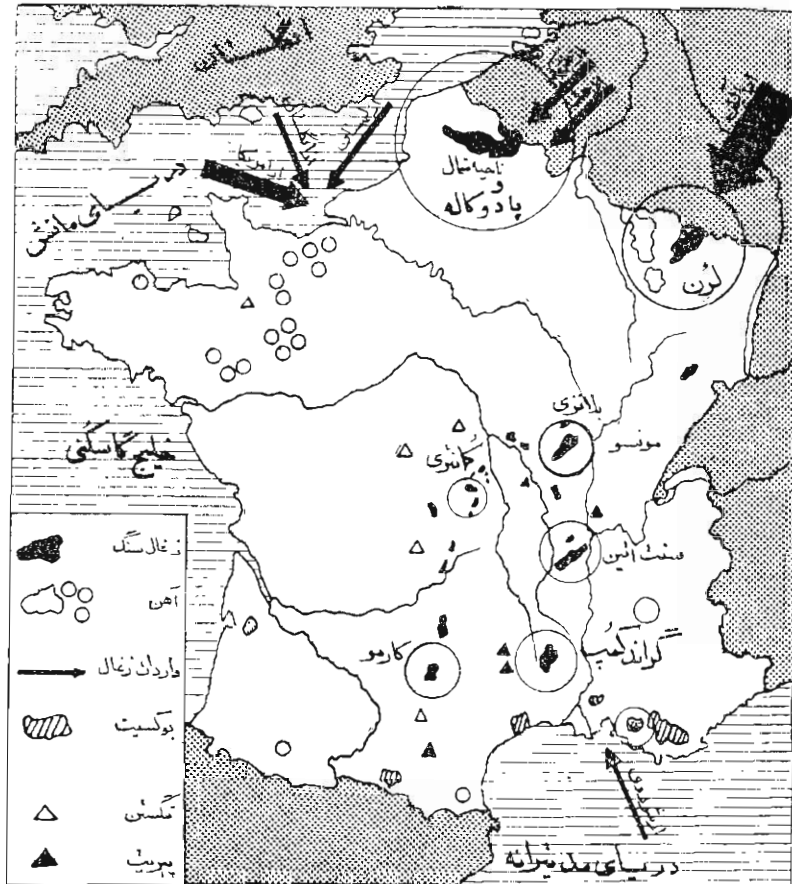
۱ - Boulonnais

۲ - Perche

۳ - Boulogne

۴ - Arcachon

بیش از $\frac{۲}{۴}$ مصرف داخلی آن را تکافو نمی کند و کمبود آن را از خارج بویژه انگلستان و بلژیک و آلمان وارد می نمایند.



کانهای فرانسه

مراکز مهم استخراج زغال سنگ عبارت است از: ناحیه شمالی در حوالی پادوکاله^۱ که ۶۰ درصد زغال سنگ در آنجا بدست می آید

۱ - Pas de Calais

دیگر اطراف رود موزل^۱ و مشرق کوههای مرکزی .

هر سال مقداری لیگنیت از کانهای دهانه رود رن و ناحیه گارد^۲ در جنوب و تورب در اطراف رود سم^۳ و قسمت سفلی رود لوار استخراج می گردد .

در فرانسه کمبود مواد سوختنی را به وسیله نیروی برق یا زغال سفید که کوههای آن کشور به جهت داشتن آبشارهای فراوان برای تولید آن بسیار مناسب است تاحدی تأمین می کنند و در حوالی کوههای مرکزی و آلپ و ژورا و وژ کارخانه های بزرگی برای تولید انرژی هیدرولیک تأسیس گردیده است .

کانهای آهن در فرانسه بسیار است و سالانه در حدود ۵۰ میلیون تن آهن در آن کشور استخراج می شود و از این حیث در مرتبه سوم جهانی قرار دارد (پس از کشورهای متحد امریکا و شوروی) .

بزرگترین مرکز استخراج آهن ناحیه لرن است که ۹۴ درصد آهن فرانسه از آنجا حاصل می شود و پس از این قسمت کانهای آهن نرماندی اهمیت دارد .

بکسیت - که برای تهیه آلومینیم بکار می رود نیز در فرانسه نسبتاً فراوان است و بیشتر از کانهای نواحی جنوبی و جنوب شرقی بدست می آید و محصول آلومینیم $\frac{۳}{۴}$ احتیاجات داخلی آن را تأمین می کند .

سایر فلزات در فرانسه یا وجود ندارد و یا مقدار محصول آنها بسیار

ناچیز و قابل ذکر نمی باشد .

پتاس - که در صنایع شیمیایی اهمیت زیاد دارد به مقدار فراوان

در ناحیه آلزاس استخراج می شود و نمک را از آب دریا و کانهای نواحی لرن و فرانیش کنه^۱ بدست می آورند .

چشمه های آب معدنی در نواحی کوهستانی بویژه ویشی^۲ واقع در کوههای مرکزی بسیار است و هر سال هزاران نفر از بیماران سایر ممالک برای استحمام در آبهای معدنی به فرانسه مسافرت می کنند و پولهایی که در آن کشور خرج می نمایند عایدی بزرگی برای مردم فرانسه است .

صنایع

فرانسه کشوری کشاورزی و صنعتی است . پیشرفت کشاورزی آن به علت مساعدت اوضاع طبیعی است . هر چند برای رشته های مختلف صنایع کارخانه های متعدد در آن تأسیس گردیده ولی به واسطه کمی مواد اولیه صنایع آن توسعه زیاد نیافته و از این حیث به پایه ممالک بزرگ صنعتی نمی رسد .

چون فرانسه باید اکثر مواد اولیه مورد نیاز خود را از خارج وارد کند مصنوعات آن گران تمام شده در بازارهای جهان با فراورده های کشورهای بزرگ صنعتی نمی تواند رقابت کند حتی مجبور است با وضع حقوق گمرکی گزاف بر کالاهای مشابه خارجی مصنوعات داخلی خود را حمایت نماید . مصنوعات آن کشور بیشتر برای رفع احتیاجات داخلی بکار می رود .

صنایع فلزی - فرانسه از لحاظ صنایع فلزی در عالم در مرتبه

پنجم قرار دارد (پس از کشورهای متحد امریکا ، شوروی ، آلمان و

انگستان) و مرکز بزرگ صنایع فلزی سنگین آن ناحیه لرن است که $\frac{۴}{۵}$ چدن و $\frac{۲}{۳}$ فولاد فرانسه از آنجا بدست می‌آید.^۱

در ناحیه لرن کارخانه‌های ذوب آهن و تهیه فولاد و چدن مجاور کانهای آهن نصب گردیده و شهرهای مهم فلزکاری این قسمت نانسی^۲ و بری^۳ می‌باشد.

در ناحیه شمال، مجاور کانهای زغال پادوکاله و کانهای آهن نرماندی و در اطراف کوههای مرکزی بخصوص در شهرهای کروزو^۴، سنت اتین^۵ کارخانه‌های ذوب آهن و تهیه فولاد و چدن دایر گردیده که در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

صنایع تبدیلی فلزی بطور پراکنده در شهرهای بزرگ فرانسه وجود دارد و هر قسمت به یکی از رشته‌های فلزکاری اختصاص یافته است. اطراف پاریس و شهرهای لیون^۶ و استراسبورگ^۷ بزرگترین محل اتوموبیل سازی و هواپیما سازی و تهیه ماشینهای کشاورزی و لوازم راه آهن و دوچرخه می‌باشد و در شهرهای کروزو و سنت اتین کارخانه‌های اسلحه سازی و لوکوموتیو سازی تمرکز یافته و لیل^۸ مهمترین محل ساختن ماشینهای بافندگی است. در برخی از نواحی کوهستانی فرانسه کارخانه‌های فلزکاری الکتریکی وجود دارد که با نیروی برق حاصل از آبشارها کار می‌کند و در آنها انواع و اقسام آلات و ابزار فلزی ساخته می‌شود و در

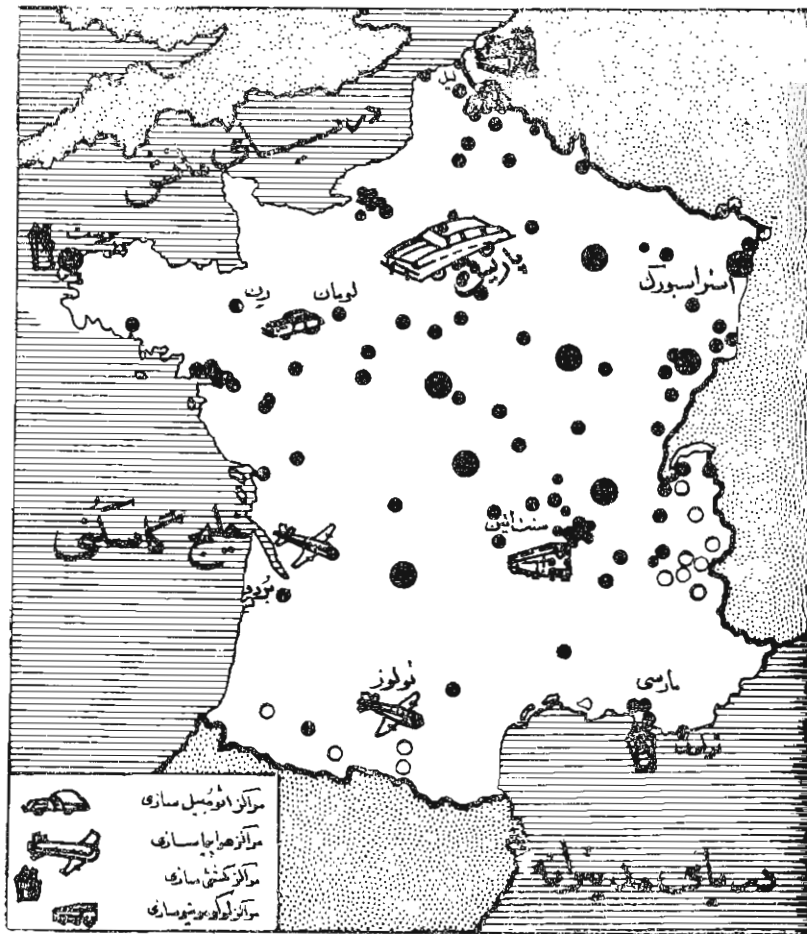
۱ - محصول سالانه فولاد فرانسه ۱۵ میلیون تن و چدن ۱۸ میلیون

می‌باشد. (۱۹۶۱) ۲- Nancy ۳- Briey

۴- Creusot ۵- Saint etienne ۷- Lyon

۶- Strasbourg ۸- Lille

بعضی بنادر مانند: دونکرک^۱ و لوهاور^۲ و سن نازر^۳ کارخانه‌های کشتی سازی تأسیس یافته است.



مراکز صنعت فرانسه

صنایع بافندگی - این رشته صنعت بیش از سایر صنایع در

فرانسه پیشرفت نموده است و متجاوز از ۲۰۰۰۰۰۰ کارگر در کارخانه‌های

ریسندگی و بافندگی آن کشور کار می کنند .

بیشتر مواد اولیه مورد نیاز کارخانه های پارچه بافی فرانسه از خارج وارد می شود و $\frac{1}{5}$ پارچه آن کشور به خارج صادر می گردد .
نواحی بافندگی فرانسه عبارتند از :

- ۱ - اطراف شهر لیون مرکز کارخانه های ابریشم بافی .
- ۲ - نواحی آلزاس و لرن و نرماندی مرکز پارچه های پنبه ای .
- ۳ - نواحی فلاندر و آرتوا^۱ و پیکاردی کانون بافندگی پارچه های پنبه ای و پشمی و کتانی .

صنایع غذایی - صنایع غذایی بخصوص تهیه مشروبات الکلی در فرانسه توسعه فراوان یافته و آن کشور از جهت تولید و صدور شراب در جهان در مرتبه اول است و شرابهای معروف آن مانند شامپانی و بر دو در دنیا مشتری فراوان دارد و مقدار شراب سالانه آن به ۷۵ میلیون هکتولتر می رسد. کارخانه های شراب سازی بیشتر در مجاورت تاکستانها قرار دارد .

از سایر صنایع غذایی فرانسه که واجد اهمیت می باشد قند سازی و آرد سازی و تهیه کنسرو است.

فرانسه از جهت محصول سالانه چغندر قند که در حدود ده میلیون تن می باشد در عالم مرتبه سوم را دارد (پس از کشورهای متحد امریکا و شوروی) و این مقدار چغندر قند با نیشکری که از کشورهای دیگر می رسد احتیاجات داخلی آن را تأمین می کند .

کارخانه های آرد سازی در شهرهای واقع در مراکز کشت گندم

مانند تولوز^۱ و استراسبورگ و کارخانه های تهیه کنسرو در برتانی تمرکز یافته است .

صنایع شیمیایی - برای تهیه محصولات شیمیایی کارخانه های متعددی در فرانسه تأسیس یافته که قسمتی از فراورده های آنها علاوه بر رفع نیازمندیهای داخلی به خارج فرستاده می شود .

کارخانه های تهیه رنگ نزدیک کانهای زغال سنگ و تهیه کودهای شیمیایی در شهر تولوز و ساختن داروهای شیمیایی در شهرهای باریس و لیون و روغذکشی و صابون سازی در بنادر **مارسی**^۲ و بر دو ، دونکرك و کارخانه های کائوچو سازی و تهیه عطر و اسانسهای مختلف بیشتر در پاریس نصب گردیده است .

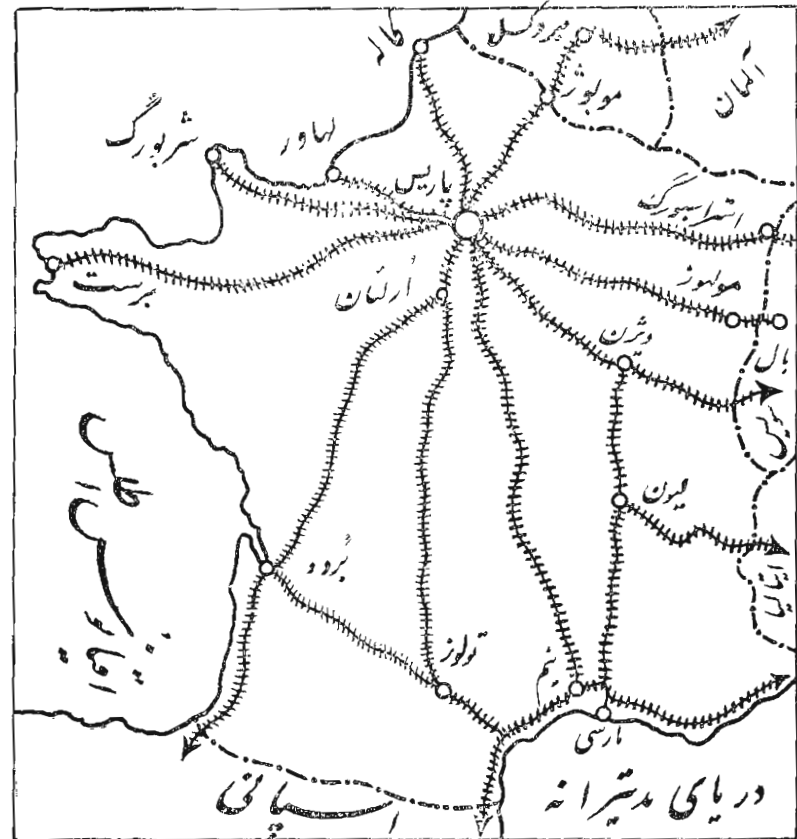
سایر صنایع فرانسه که دارای اهمیت زیاد می باشند عبارتند از: چینی سازی و شیشه سازی و عطر سازی که از صنایع قدیمی فرانسه بشمار می رود. کارخانه های چینی سازی بیشتر در شهر سور^۳ تمرکز یافته است. که چینیهای آن از لحاظ جنس و ظرافت شهرت جهانی دارند و برای شیشه سازی کارخانه های متعدد بخصوص در ناحیه شمالی و اطراف کوههای مرکزی و وژ وجود دارد .

دیگر از صنایع فرانسه کاغذ سازی است که مراکز عمده آن شهرهای روان^۴ و آنگولم^۵ می باشد .

راهها و وسایل حمل و نقل

توسعه راههای ارتباطی فرانسه با پیشرفت امور اقتصادی آن همراه بوده است .

جاده‌های شوسه فرانسه به طول ۷۲۰ هزار کیلومتر که با دقت کافی روی اصول فنی ساخته شده شهرهای آن کشور را به یکدیگر مربوط می‌سازد و قریب ۳/۵ میلیون اتوموبیل در آنها رفت و آمد می‌کند.



راههای آهن فرانسه

درازای راههای آهن فرانسه در حدود ۴۵۰۰۰ کیلومتر است و نسبت به مساحت در هر صد کیلومتر مربع تقریباً ۷ کیلومتر خط آهن دارد و از جهت راه آهن نسبی فرانسه در عالم رتبه چهارم قرار گرفته است (پس از بلژیک و آلمان و انگلیس).

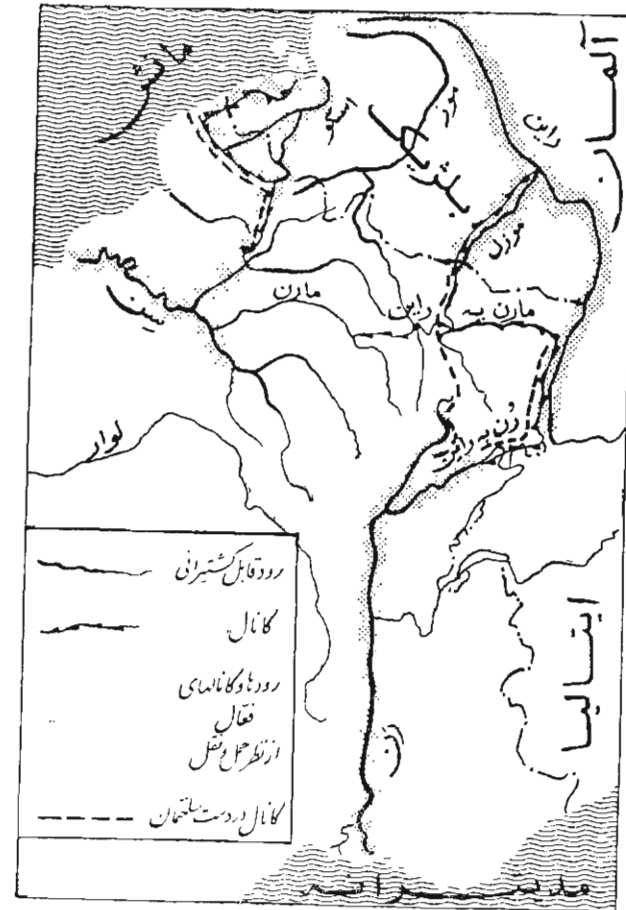
شهر پاریس مرکز انشعاب خطوط آهن فرانسه است و رشته‌های مهم خطوط آهن آن عبارتند از:

- ۱- راه آهن پاریس به کاله^۱ که نزدیکترین راه ارتباطی بین فرانسه و انگلستان می‌باشد.
- ۲- راه آهن پاریس به موبوژ^۲ که دنباله آن از راه بروکسل^۳ و برلن تا مسکو امتداد می‌یابد و خط سریع‌السیر شمال نامیده می‌شود.
- ۳- خط پاریس به استراسبورگ^۴ که از طریق شهر مونیخ^۵ در جنوب آلمان به استانبول می‌رود به خط آهن سریع‌السیر مشرق موسوم است.
- ۴- خط آهن میان پاریس و مونپوز^۶ که فرانسه را از راه شهر بال^۷ واقع در سوئیس به وین پایتخت اتریش مربوط می‌نماید.
- ۵- خط آهن پاریس به دیژون^۸ که به چند شعبه تقسیم می‌شود، شعبه‌ای به خطوط آهن سوئیس و شعبه دیگر به راههای آهن ایتالیا می‌پیوندد و دنباله همین خط به بندر بزرگ ماری^۹ اتصال می‌یابد.
- ۶- خط پاریس به نیم^{۱۰} که دنباله غربی آن از کنار کوههای پیرنه گذشته به مادرید پایتخت اسپانیا و از مشرق نیز به ماری می‌پیوندد.
- ۷- خط آهن پاریس به ارلئان^{۱۱} که به دو شعبه تقسیم می‌شود، شعبه‌ای به شهر تولوز و شعبه دیگر از طریق بندر برودو^{۱۲} و کناره‌های غربی کوههای پیرنه به خطوط آهن اسپانیا متصل می‌گردد.

۱- Calais	۲- Maubeuge	۳- Bruxelles
۴- Munich	۵- Mulhouse	۶- Bale
۷- Dijon	۸- Nimes	۹- Orléan
۱۰- Bordeaux		

بعلاوه سه رشته خط آهن پاریس را به بنادر لپاور و شربورگ^۱ و برست^۲ مربوط می نماید .

راههای آبی - طول خطوط آبی داخلی فرانسه در حدود ۱۰۰۰۰



کانالهای فرانسه

کیلومتر است که ۵۲۰۰ کیلومتر آن را کانالها تشکیل داده اند و رودهای

سن و رُن و گارن مهمترین رودهای قابل کشتیرانی آن کشور است . کانالهای مهمی که بین رودهای فرانسه ساخته شده عبارت است از : کانال جنوب که رود گارن را به رود رن و دریای مدیترانه مربوط می نماید ، کانال مرکزی که رود سن را به رُن اتصال می دهد ، این دو کانال اهمیت زیادی ندارد . اما کانال مارن^۱ که بین سن و راین احداث گردیده و کانال رُن به راین و آن قسمت از مسیر رودها که در نقشه نشان داده شده است از نظر حمل و نقل حائز اهمیت بسیار است .

فرانسه به واسطه راههای آبی خارجی با کشورهای عالم مربوط می گردد . ظرفیت کشتیهای فرانسه در سال ۱۹۶۲ به ۵ میلیون تن یعنی دو برابر سال ۱۹۳۹ و از این حیث در عالم حائز مقام چهارم بوده است (پس از کشورهای متحده امریکا و انگلیس و نروژ) بزرگترین شرکت های کشتیرانی آن عبارتند از شرکت عمومی ماورای اطلس^۲ که کشتیهای آن بنادر فرانسه را از راه اقیانوس اطلس به امریکای شمالی و مرکزی و کناره های شمالی آفریقا مربوط می نماید ، دیگر شرکت بارکشی دریایی^۳ که کشتیهای آن بین فرانسه و شرق دور از راه دریاهای مدیترانه و احمر و اقیانوس هند رفت و آمد می کنند .

بنادر فرانسه - بزرگترین بنادر شمال فرانسه شهرهای روان^۴، لپاور و دونکرک می باشند . بندر روان مرکز ورود زغال سنگ و نفت و چوب و لپاور بندر مسافری و مهمترین واردکننده پنبه است . بندر دونکرک به علت نزدیکی به مراکز ریسندگی وارد کننده

مواد اولیه بافندگی و صادرکننده انواع پارچه می باشد .

در کناره های غربی ، بندر بر دو مرکز مبادلات بازرگانی بین فرانسه و امریکای جنوبی و افریقای غربی است و مهمترین فرستاده آن شراب می باشد .

درکناره دریای مدیترانه بندر **مارسی**^۱ قرار دارد که بزرگترین بندر فرانسه است و مخصوص تجارت آن کشور با امریکای شمالی و کشورهای ساحل جنوبی دریای مدیترانه و آسیای جنوبی و شرق دور و اقیانوسیه می باشد و بیشتر مواد اولیه بافندگی و دانه های روغنی به آن وارد شده و اشیای ساخته شده از آن به خارج صادر می گردد .

راههای هوایی - طول خطوط هوایی داخلی فرانسه در حدود ۶۰۰۰۰ کیلومتر است و مهمترین راههای هوایی آن در داخل خط هوایی بین پاریس و شهرهای لیون و مارسی و استراسبورگ و بر دو می باشد و در قطعه اروپا هواپیماهای آن بین پاریس و شهرهای لندن و **دوبلین**^۲ (مرکز ایرلند آزاد) و **زوریخ**^۳ (در سویس) و آمستردام (در هلند) پرواز می کنند .

درازترین خطوط هوایی خارج فرانسه خطوط **ماورای بحار** و **ماورای خشکیها** می باشد .

خطوط ماورای خشکیها پاریس را از راه شمال افریقا به شرق دور مربوط می نمایند و از جمله راههای هوایی آن خطی است که پاریس را از راه قاهره و بصره و جنوب ایران و کراچی به هندوچین متصل می کند و هواپیماهای شرکت **اِفرانس**^۴ که از مهمترین شرکتهای

هوایی فرانسه است در این خط رفت و آمد می کند .

در خطوط هوایی ماورای بحار ، هواپیماهای فرانسه بر فراز اقیانوس اطلس پرواز نموده و ارتباط آن کشور را با امریکای شمالی و مرکزی و جنوبی برقرار می نمایند .

بازرگانی

بازرگانی خارجی فرانسه توسعه بسیار دارد . واردات عمده آن به ترتیب اهمیت عبارت است از : **مواد اولیه صنعتی** مانند زغال سنگ ، نفت ، پنبه ، پشم ، کائوچو ، چوب ، ابریشم و **مواد غذایی** مانند برنج ، کاکائو ، قهوه ، ذرت ، گندم و پاره ای اشیای ساخته شده و صادرات مهم آن را **مصنوعات** کارخانه های آن بخصوص انواع ماشین ، لوازم الکتریکی پارچه و اشیای لوکس و آهن و شراب و میوه تشکیل می دهد ، هر سال عده ای از مردم سایر کشورهای جهان برای تحصیل و معالجه یا سیاحت به فرانسه می روند و پولهایی که در آنجا خرج می کنند یکی از منابع مهم درآمد آن کشور می باشد .

فرانسه با تمام مستعمرات سابق خود روابط بازرگانی دارد و مواد اولیه از آنها خریده و اشیای ساخته شده به آنها می فروشد . کشورهای دیگر عالم که با فرانسه روابط بازرگانی زیاد دارند عبارتند از : کشورهای متحد امریکا ، استرالیا ، آرژانتین ، انگلیس ، آلمان ، بلژیک ، لوکزامبورگ و هلند .

کشورهای عضو جامعه فرانسه^۱ و مستعمرات آن کشور

کشور فرانسه نیز مانند انگلستان در قرون جدید به تهیه مستعمراتی وسیع در اکناف عالم موفق گردید ولی در نتیجه جنگ با دولت انگلیس قسمت اعظم مستعمرات خود را درهند وکانادا و قسمتی از کشورهای متحد امریکا از دست داد .

در قرن نوزدهم در دوره سلطنت لویی فیلیپ و ناپلئون سوم و همچنین در ایام جمهوری سوم این کشور به تسخیر مستعمراتی تازه توفیق یافت و با پیروزی در جنگ جهانی اول و الحاق متصرفات جدید و کشورهای که جامعه ملل سابق قیمومت آنها را به فرانسه سپرد قلمرو مستعمراتی آن به ۱۱ میلیون کیلومتر مربع رسید که با ۵۰ میلیون نفوس بعد از انگلستان مهمترین کشور مستعمراتی جهان محسوب می شد .

در جنگ جهانی دوم که فرانسه از آلمان شکست خورد در بسیاری از این سرزمینها جنبشهای آزادیخواهی و استقلال طلبی آغاز گردید و بعد از جنگ که دولت فرانسه با کمک متفقین خود تجدید حیات سیاسی کرد ، با وجود جنگهای ممتد بالاخره ناگزیر گردید بتدریج استقلال کشورهای لبنان ، سوریه ، مراکش ، تونس ، هندوچین (کامبوج ، لاوس ، ویتنام) ، کامرون ، الجزایر^۲ را به رسمیت شناسد و از سال ۱۹۵۸ بشرحی که قبلا گفته شد با اعطای استقلال به قسمت عمده مستعمرات باقیمانده و بستن معاهداتی با آنان جامعه فرانسه را بوجود آورد .

۱ - La Communauté Française

۲ - کشورهای الجزایر و کامرون در سال ۱۹۶۰ استقلال یافته اند .

در این اتحادیه بعضی از مستعمرات که بیشتر ساکنان آن را فرانسویان مهاجر تشکیل داده اند جزء استانهای داخلی قرار گرفته و در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کنند و آنها را استانهای ماورای بحار می نامند ، برخی با تشکیل حکومتهای جمهوری در جامعه فرانسه قرار دارند و عده ای نیز مانند گذشته به شکل مستعمره اداره می شوند . سازمان جامعه فرانسه به شرح زیر است :

۱ - استانهای ماورای بحار شامل جزایر رئونیون در اقیانوس هند و جزایر مارتینیک و گوادلوپ در دریای آنتیل می باشد .

۲ - کشورهای مستقل عضو جامعه فرانسه عبارتند از : **موریتانی ، داهومه ، ساحل عاج ، نیجر ، سنگال ، مالی ، ولتای علیا ، افریقای مرکزی ، گابن ، چاد ، کنگوی برازاویل و جمهوری مالگاش (جزایر ماداگاسکار)** .

۳ - سرزمینهایی که به شکل مستعمره اداره می شوند عبارتند از : **گویان در شمال امریکای جنوبی ، سومالی در خاور افریقا ، جزایر کومور در اقیانوس هند ، جزایر سن پیر و میکلون در اقیانوس اطلس شمالی ، جزایر کالدونی جدید و پلینزی و هبرید جدید و چند جزیره کوچک در اقیانوس آرام و سرزمینهایی در قاره قطب جنوبی .**

همه این کشورها و سرزمینها با کشور فرانسه همکاری اقتصادی دارند .

است بقیه خاك آن کشور پوشیده از کوههای قدیمی و کم ارتفاع می باشد. مرتفع ترین قله آن که در اسکاتلند (شمال جزیره بریتانیای کبیر) قرار گرفته بن نویس^۱ (به ارتفاع ۱۳۴۰ متر) خوانده می شود.

آب و هوا و رودها - چون جزایر انگلستان را از هر سو آب احاطه کرده و اقیانوس اطلس و دریاهای مجاور با خلیجهای عمیق در خاك آن پیش رفته اند؛ به همین جهت آب و هوای آن تحت تأثیر آبهای مجاور بسیار ملایم و مرطوب و تغییرات درجه حرارت آن کم است و ضمناً جریان آب گلف استریم که از کناره های غربی آن کشور می گذرد در اعتدال هوای آن تأثیر دارد. بر روی هم انگلستان دارای آب و هوای معتدل دریایی است.

به علت بارندگی فراوان رودهای متعدد پر آبی در انگلستان جاری است که غالباً با دهانه وسیع به دریا منتهی می گردند، هر چند رودهای انگلیس اکثراً کوتاهند ولی بیشتر آنها جریان منظم دارند و چون قابل کشتیرانی هستند از جهت اقتصادی حائز اهمیت بسیار می باشند. مهمترین آنها عبارتند از: رود تیمز^۲ و تاین^۳ که هر دو به دریای شمال می ریزند و رود سورن^۴ که به دریای ایرلند منتهی می گردد.

جغرافیای اقتصادی انگلستان:

کشاورزی - تا قرن هجدهم انگلستان کشوری کشاورزی بود ولی از اواخر قرن به علت نامساعد بودن اوضاع طبیعی و ورود مواد اولیه غذایی و صنعتی به مقدار زیاد از مستعمرات همچنین وجود معادن فراوان زغال سنگ و نزدیکی آن با کانهای آهن، مردم بتدریج از

انگلستان

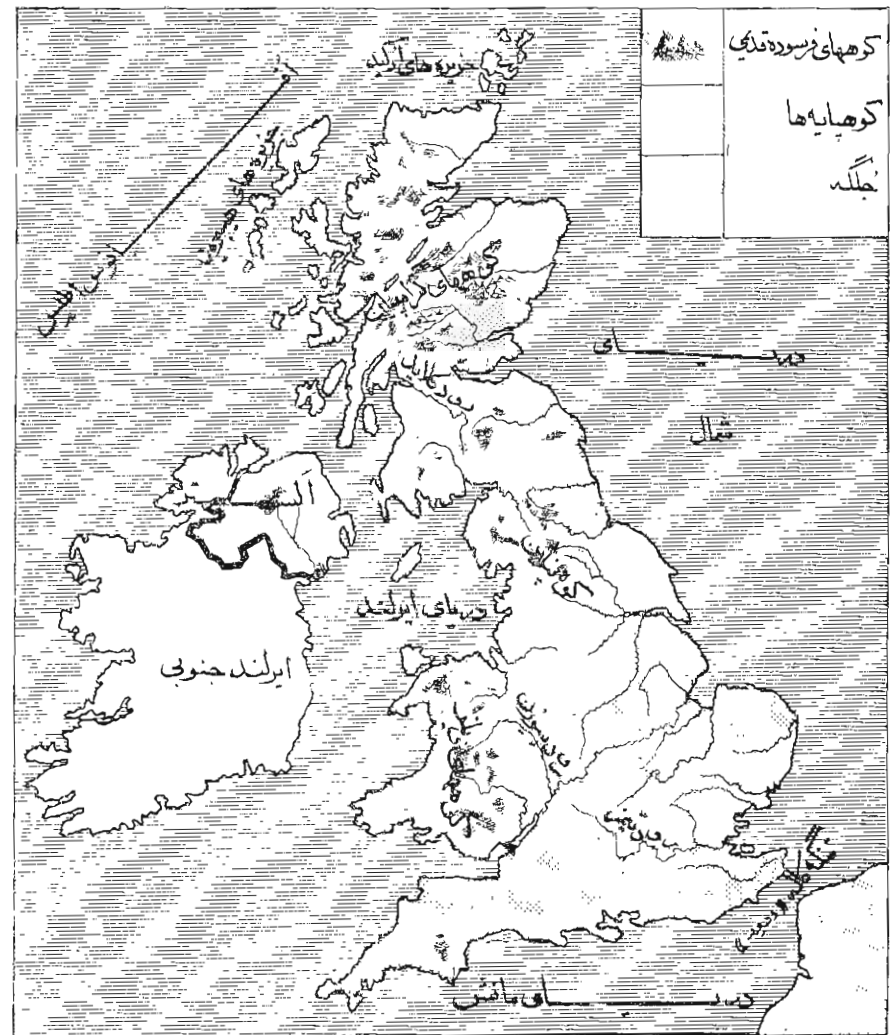
نگاهی به وضع طبیعی انگلستان:

موقع و مساحت - انگلستان که اندکی بیش از ۵۴ میلیون نفر جمعیت و ۲۴۴۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد در شمال غربی اروپا در آبهای اقیانوس اطلس بین دریاهای شمال و هانش قرار گرفته است. این کشور شامل ناحیه آلستر در شمال ایرلند^۱ و جزیره بریتانیای کبیر^۲ و جزایر بسیار دیگری است که در اطراف آن واقع شده اند.

پستی و بلندی - غیر از جنوب شرقی انگلیس که ناحیه ای آبرفتی

۱- جزیره ایرلند (Ireland) که از قرن سیزدهم میلادی به تصرف انگلیس درآمد تا اوایل قرن بیستم از متصرفات آن دولت بود ولی مردم آن جزیره که همواره از سلطه انگلستان ناراضی بودند در دوره های مختلف بخصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برای بدست آوردن استقلال گذشته خود کوششهای فراوان و انقلابهای متعدد نمودند. سرانجام در سال ۱۹۲۲ میلادی موفق گردیدند در قسمت بزرگی از جزیره ایرلند حکومت جمهوری مستقلی به نام (Eire) تشکیل دهند و اکنون فقط قسمت شمالی ایرلند به نام الستر (Ulster) جزو خاك انگلستان می باشد.

۲- جزیره بریتانیای کبیر شامل انگلند و اسکاتلند و ویلز (گال) است که با الستر مجموعاً به نام کشور پادشاهی متحد نامیده می شود.



ناهمواریهای انگلستان

کارهای کشاورزی دست کشیده و به امور صنعتی اشتغال ورزیدند و روز بروز از جمعیت دهات کاسته و بر سکنه شهرها افزوده گردید بطوری که امروز از ۵۱ میلیون نفر جمعیت انگلیس فقط ۱/۵ میلیون نفر به

کشاورزی می پردازند و بقیه از راه صنعت و بازرگانی امرار معاش می کنند. در انگلستان سرمایه داران بتدریج زمینهای کشاورزی را خریده و مالکان کوچک را از بین برده اند بطوری که از ۹۰۰۰۰۰ مالک انگلیسی بیش از ۳۰۰۰۰ آن را مالکان کوچک تشکیل نمی دهند و در هیچیک از ممالک اروپا به این نسبت مالک بزرگ وجود ندارد.

مالکان انگلیسی با سرمایه زیاد روش قدیم کشاورزی کشور خویش را زودتر از سایر ممالک تغییر داده و با بکار بردن وسایل مکانیکی و استعمال کودهای شیمیایی از زمینهای زراعتی به حداکثر محصول برمی دارند و چون دامپروری سود بیشتری دارد اکثر زمینهای قابل کشت را به گیاهان علوفه تخصیص داده اند به همین جهت سال بسال از وسعت کشتزارهای گندم و بالتبعیجه از میزان محصول آن کاسته می شود چنانکه مقدار گندم در سال ۱۹۴۴ میلادی چهار میلیون تن بوده و در سال ۱۹۶۰ به ۲/۵ میلیون تن تقلیل یافته است.

گندم حاصله بیش از سه ماه خوراک اهالی کشور را تأمین نمی کند و کمبود آن را از خارج بخصوص کانادا که انبار غله انگلستان خوانده می شود وارد می کنند.

گندم - در جلگه های شرقی انگلستان که دارای زمینهای رسوبی حاصلخیز و باران کمتر و حرارت تابستانی بیشتر می باشد کاشته می شود. **جو -** در حاشیه کشتزارهای گندم مشرق اسکاتلند کشت می گردد و بیشتر آن را برای تهیه آبجو بکار می برند ولی مقدار آن بیش از ۶ درصد نیازمندیهای داخلی انگلستان را تأمین نمی نماید.

کشت **جو سیاه** که با هوای مرطوب انگلستان سازش دارد و برای

تغذیه دامها بکار می رود توسعه بسیار یافته و نصف زمینهای اسکاتلند و $\frac{1}{4}$ زمینهای وینز را کشتزارهای آن فرا گرفته است .

سیب زمینی که در تغذیه مردم انگلستان تأثیر زیاد دارد در بیشتر نقاط آن کشور بخصوص در الستر و جنوب اسکاتلند کاشته می شود .

از میان گیاهان صنعتی کشت چغندر قند که مزارع آن بیشتر در جلگه های جنوب شرقی قرار دارد توسعه فراوان یافته و انگلستان از جهت محصول قند سالانه که مقدار آن بالغ بر ۴۰۰۰۰۰ تن می باشد .

به علت اعتدال آب و هوا کاشتن درختان میوه و کشت انواع سبزی و ایجاد باغهای گل بخصوص در نواحی جنوبی انگلستان بسیار متداول است و کشتزارهای آنها قسمت وسیعی را فرا گرفته است .^۱

در حدود ۵/۵ درصد خاک انگلستان را **جنگل** پوشانیده است و بیشتر درختان آن از نوع کاج می باشد و چون فراورده های جنگلی برای رفع نیازمندیهای آن کشور کافی نیست ناچار هر سال مقدار زیادی چوب برای تهیه کاغذ و سایر مصارف صنعتی از خارج وارد می نمایند .

دامپروری - ۶ درصد خاک انگلستان به واسطه باران فراوان و اعتدال هوا همیشه از سبزه های بلند پوشیده شده و چراگاه دامها در تمام فصول سال است و چون هزینه دامپروری کم و سودش بسیار است سال بسال توسعه بیشتری یافته و بتدریج کشتزارها را به چراگاهها تبدیل نموده اند .

۱ - آمار بعضی از محصولات کشاورزی :

گندم	۲/۶ میلیون تن	سیب زمینی	۶/۲ میلیون تن
جو	۲/۹	چغندر قند	۴/۵
جو سیاه	۲/۷		

گلهداری انگلستان از دو لحاظ اهمیت دارد یکی از جهت تعداد زیاد دامها و دیگر از حیث خوبی جنس آنها چه گلهداران انگلیسی بهترین نوع دامهای سایر کشورها را به مملکت خود آورده و با روش صحیح علمی درصد ازدیاد آنها برآمده اند .

در هر قسمت از خاک انگلستان دامها را به منظور معینی تربیت می کنند . مثلاً در **دورهام**^۱ گاوها برای تهیه گوشت پرورش می دهند و گاوان این قسمت به فریبی معروفند و در **ایر**^۲ واقع در جنوب اسکاتلند گاوان شیرده نگهداری می شود ، در نواحی **لینکلن**^۳ و **دون**^۴ و کوههای شویت انواع بسیار عالی گوسفند برای استفاده از پشم و در اسکاتلند برای تهیه شیر پرورش می یابند .

تربیت اسب بیشتر در نواحی لینکلن و یورکشر انجام می گیرد و اسبان اصیل انگلیسی از لحاظ سرعت و تناسب اندام شهرت بسزایی دارند . به علت کثرت جمعیت محصولات دامها تکافوی احتیاجات داخلی انگلستان را نمی کنند و هر سال در حدود نصف گوشت و ۸۰ درصد پنیر و کره مورد نیاز اهالی آن کشور از خارج وارد می شود .^۵ همچنین به علت

۱ - Durham ۲ - Ayr ۳ - Lincoln

۴ - Downs

۵ - آمار دامها و محصولات حیوانی انگلستان در سال ۱۹۶۱ :

گاو	۱۲ میلیون	گوشت	۱/۸ میلیون تن
گوسفند	۳۰	کره	۲۷ هزار تن
خوک (۱۹۵۵)	۷	پنیر	۱۰۷
اسب	۷۰۰ هزار	پشم	۵۹
طیور (۱۹۵۵)	۸۷ میلیون		

توسعه صنایع پارچه بافی پشم حاصله از گوسفند بیش از ^۱ نیازمندیهای کارخانههای ریسندگی آن را تأمین نمی کند .

ماهیگیری - ماهیگیری در انگلستان به علت وجود کناره های عمیق و دریا های پرماهی بخصوص در اطراف دریای شمال توسعه فراوان یافته و ماهی تنها ماده غذایی است که محصول آن بیش از احتیاجات داخلی آن کشور است .

سالانه در حدود یک میلیون تن ماهی در انگلستان صید می شود و صیادان انگلیسی برای صید ماهیهای روغن دار تا نواحی قطبی پیش می روند .

بزرگترین و مجهزترین بنادر ماهیگیری انگلستان که دارای کارخانه های کنسروسازی و تهیه و نگهداری فراورده های مختلف ماهی می باشند عبارتند از :

آبردین^۱ ، گریمسبی^۲ ، هول^۳ ، یارموث^۴ ، لوس تاف^۵

کانها

کانهای زغال سنگ - انگلستان از لحاظ معادن زغال سنگ بسیار غنی است و هیچ نقطه آن بیش از ۸۰ کیلومتر از کانهای زغال سنگ فاصله ندارد .

کانهای زغال سنگ انگلستان که با رگه های ضخیم و منظم غالباً در مجاورت هوا قرار گرفته بهره برداری آنها از قرن سیزدهم میلادی شروع گردیده و از قرن هجدهم به بعد به واسطه ازدیاد کارخانه های صنعتی

۱- Aberdeen ۲- Grimsby ۳- Hull
۴- Yarmouth ۵- Lowestoff

افزایش یافته است و در سال ۱۹۱۳ میلادی محصول سالانه آن به حد اکثر یعنی ۳۵۰ میلیون تن رسید و تا این تاریخ انگلستان از جهت میزان استخراج زغال سنگ در عالم مرتبه اول بود ولی از آن به بعد به علت تمام شدن رگه های سطحی و لزوم حفر چاههای عمیق و اشکال استخراج، مقدار محصول زغال سنگ آن کشور رو به کاهش رفت و کشورهای متحد امریکا و شوروی از آن جلو افتادند . امروز محصول سالانه زغال انگلستان قریب ۱۹۴ میلیون تن است^۱ .

زغال سنگ تنها ماده اولیه ای است که انگلستان به خارج صادر می کند و تا اوایل قرن بیستم زغال آن کشور در اکثر نقاط عالم حتی در امریکای جنوبی و خاور دور بفروش می رسید ولی در قرن اخیر به علت کم شدن محصول و رقابت کشورهای متحد امریکا ، آلمان و لهستان اکثر بازارهای فروش خود را از دست داد و صادرات آن از صد میلیون تن (در سال ۱۹۱۳) به ۲۰ میلیون تن (در سال ۱۹۶۰) تقلیل یافت . مهمترین نواحی زغال خیز از این قرار است :

- ۱ - ناحیه اسکاتلند - کانهای زغال این قسمت در اراضی بین خلیجهای کلاید و فرث بخصوص نزدیک شهر **گلاسگو**^۲ قرار گرفته است .
- ۲ - ناحیه دورهام^۳ و نورتمبرلند^۴ - معادن زغال سنگ این ناحیه در اطراف رود تاین^۵ واقع شده و قسمتی از محصول آن از طریق بندر نیو کاسل^۶ به خارج صادر می گردد .

۱- آمار سال ۱۹۶۱ . ۲- Glasgow ۳- Durham
۴- Northumberland ۵- Tyne ۶- Newcastle

۳- ناحیه یورکشر - این قسمت وسیع ترین منطقه زغالی انگلستان است و ۳۵ درصد محصول زغال سنگ کشور در آنجا بدست می آید و تماماً به مصرف کارخانه ها و شهرهای صنعتی همین ناحیه می رسد .

۴- ناحیه لانکاشر ، که محصول آن به مصرف کارخانه های صنعتی منچستر می رسد .

۵- ناحیه ویلز - زغال این ناحیه بسیار متنوع و مرغوب است و بیشتر محصول آن از بنادر سوانسی^۱ و کاردیف^۲ به خارج فرستاده می شود .

کانهای آهن که اکثر در مجاورت معادن زغال سنگ قرار گرفته در انگلستان فراوان است و مهمترین مرکز استخراج آن در نواحی کمبرلند و لینکلن واقع است . هر چند محصول سالانه آن به ۴/۵ میلیون تن می رسد^۳ معذالک نیازمندیهای صنعت این کشور را تأمین نکرده و هر سال حدود ۶ میلیون تن آهن از خارج بویژه از سوئد و فرانسه و اسپانیا و الجزایر وارد می کنند .

از سایر کانهای انگلستان سرب و مس و قلع قابل ذکر است که اولی در کوههای پناین و دیگری بیشتر در شبه جزیره کرنوال^۴ وجود دارد ولی به علت استخراج زیاد محصول آنها بسیار کاهش یافته و احتیاجات داخلی کشور را تأمین نمی کند .

۱-Swensea

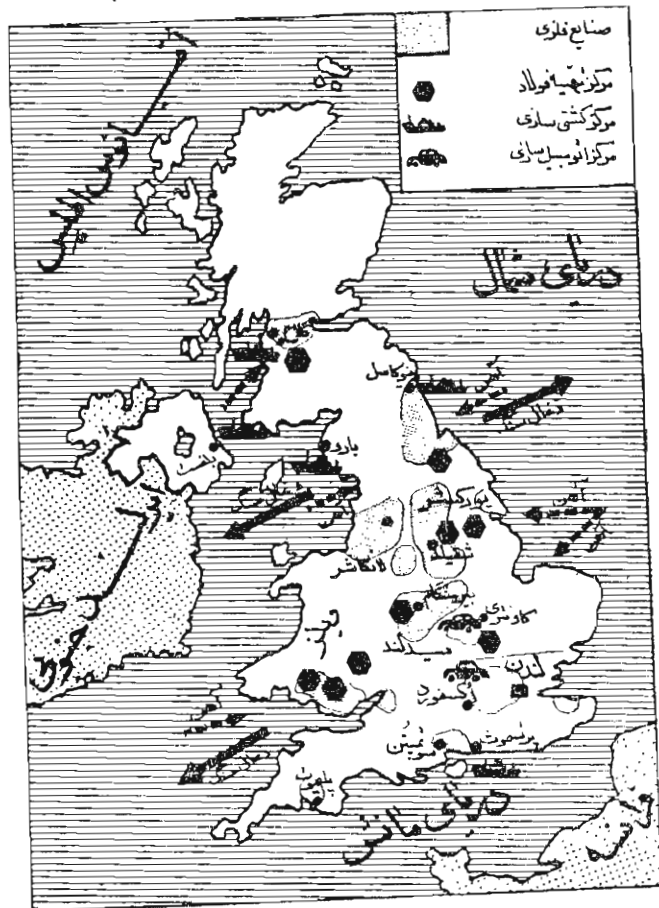
۲-Cardiff

۳- آمار سال ۱۹۶۱ .

۴-Cornwall

صنایع

صنایع انگلیس را سودهای حاصله از طریق بازرگانی براه انداخته و تحصیل مستعمرات فراوان در پنج قطعه عالم تهیه مواد اولیه



و فروش مصنوعات کارخانه های آن را تسهیل نموده است .

انگلستان از نخستین کشورهایی است که صنایع جدید در آن رشد و توسعه یافته . این فعالیت و پیشرفت از قرن هجدهم به واسطه بکار

افتادن کارخانه‌های ریسندگی و اختراع ماشین بخار توسط وات (در سال ۱۷۸۹ میلادی) و کشف طریقه ساختن چدن و کثرت کانهای زغال سنگ شروع گردید.

تا پایان قرن نوزدهم انگلستان در بیشتر رشته‌های صنعت عالم دارای مقام اول بود و گرچه به علت توسعه صنایع کشورهای متحد امریکا و شوروی و آلمان در قرن بیستم مقام خود را از دست داد ولی باز از بزرگترین کشورهای صنعتی عالم بشمار می‌رود.

صنایع انگلستان در مجاورت کانهای زغال سنگ و آهن و یابنداری که ورود مواد اولیه خارجی به آنها آسان می‌باشد تمرکز یافته است. مهمترین رشته‌های صنعت این کشور عبارتند از:

صنایع فلزی - انگلستان تا ۱۸۸۵ از لحاظ تهیه فولاد و چدن در عالم در مرتبه اول بود ولی اکنون ۲۲/۴ میلیون تن فولاد و ۱۵ میلیون تن چدن تولید می‌نماید.

کارخانه‌های ذوب آهن و تهیه فولاد و چدن بیشتر در مجاورت کانهای آهن و زغال سنگ نواحی ساحلی تأسیس گشته است و مهمترین مراکز صنایع سنگین انگلستان عبارت است از:

بنادر **گلاسگو** در اسکاتلند و **میدلسبرو** در شمال شرقی و **بارو**^۲ در ناحیه کمبرلند و سوانسی و کاردیف در ناحیه ویلز و **لینکلن** در مشرق و پاره‌ای شهرهای داخلی مانند **بیرمنگام**^۴ و **شفیلد**^۵.

در سالهای اخیر کنار خلیج **بريستول** به صنایع فلزی سنگین اختصاص

۱- آمار سال ۱۹۶۱. ۲-Middlesbrough ۳-Barrow ۴-Birmingham ۵-Sheffield

یافت و در این قسمت که سالانه در حدود ۲ میلیون تن فولاد تهیه می‌شود بزرگترین کارخانه‌های فلزکاری انگلستان و اروپا تأسیس گردیده است. صنایع تبدیلی فلزی نیز پیشرفت فراوان نموده و برای رشته‌های مختلف آن کارخانه‌های متعددی در انگلستان وجود دارد.

اتوموبیل و ماشینهای کشاورزی و آلات و ابزار الکتریکی و هواپیما بیشتر در شهرهای اطراف لندن و ماشینهای پارچه بافی در نواحی **لانکاشر**^۱ و **یورکشیر**^۲ و چاقو و آلات و ابزار دقیق فولادی در شفیلد، اسلحه در بیرمنگام، لوکوموتیور و منجسترو و بیرمنگام و نیوکاسل، ماشینهای خیاطی (زینگر) در گلاسگو ساخته می‌شود و بندر **بارو** و کنار رودهای **تاین** و **کلاید** و بندر **سوتمتن**^۳ از مراکز مهم کشتی‌سازی می‌باشند.

تا شروع جنگ دوم جهانی انگلستان اولین سازنده کشتی در عالم بود ولی از سال ۱۹۲۸ میلادی کشورهای متحد امریکا از آن جلو افتاده و اکنون از لحاظ ساختن کشتی و گنجایش آنها در مرتبه دوم قرار دارد.

صنایع بافندگی - پیدایش و پیشرفت صنایع بافندگی انگلستان بر صنایع فلزی آن مقدم بوده و اکنون هم اهمیت بیشتری دارد.

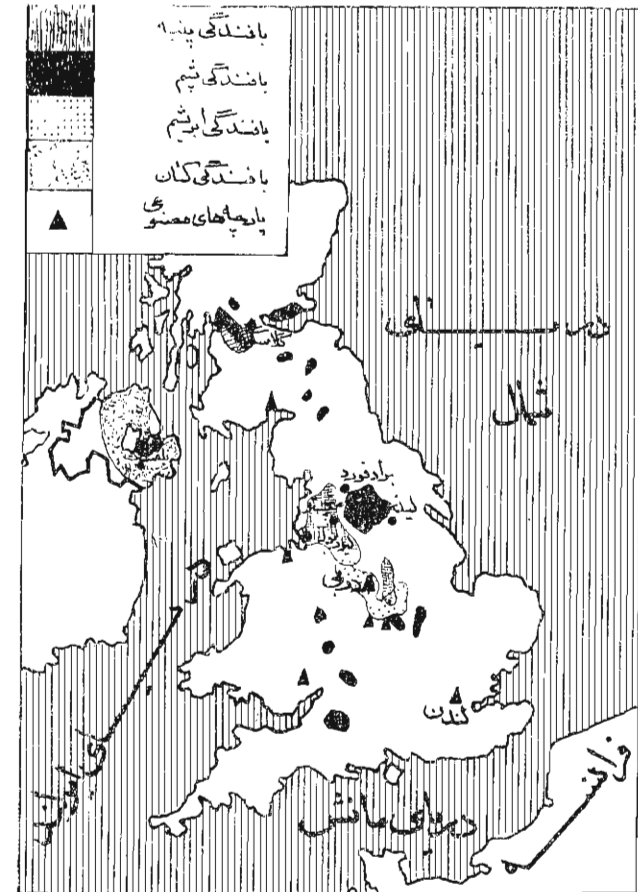
در کارخانه‌های بافندگی انگلستان در حدود یک میلیون نفر کارگر کار می‌کنند و پارچه‌های این کشور ۲۵ درصد صادرات آن را تشکیل می‌دهد.

بافتن پارچه‌های پشمی و کتان اولین صنعت مردم انگلستان بود

۱-Lancashire ۲-Yorkshire ۳-Southampton

۴- در سال ۱۹۶۱، ۹۰۰ هزار اتوموبیل سواری و ۱/۵ میلیون اتوموبیل باری در انگلستان ساخته شده است.

و از قرن هفدهم به علت بسط تجارت خارجی بافتن پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی و کتفی نیز متداول گردید. در انگلستان بشم - اصل از گوسفند بیش از $\frac{1}{5}$ مصرف کارخانه‌های ریسندگی را تأمین نمی‌کنند در نتیجه $\frac{4}{5}$ بقیه



یا تقریباً تمام مواد اولیه دیگر پارچه بافی مانند ابریشم و پنبه و کتان و کتف از خارج وارد می‌شود و هر قسمت از انگلستان به بافت یک نوع پارچه اختصاص یافته است.

صنایع پشمی - صنایع پشمی در ناحیه یورکشیر تمرکز یافته و در شهرهای این قسمت انواع و اقسام مصنوعات پشمی تهیه می‌گردد و شهرهای **لیدز** ۱ و **برادفورد** ۲ بزرگترین مراکز ریسندگی و بافندگی این ناحیه می‌باشد. ناحیه **لانکاشیر** به جهت نزدیکی به کانهای زغال سنگ و به علت مجاورت بادریاکه ورود پنبه خارجی و صدور مصنوعات پنبه‌ای را تسهیل می‌نماید به **صنایع پنبه‌ای** اختصاص یافته است و پنبه خارجی از راه بندر لیورپول برای کارخانه‌های این قسمت وارد می‌شود.

شهر **منچستر** ۳ در ناحیه لانکاشیر بزرگترین بازار فروش مصنوعات پنبه‌ای انگلستان می‌باشد و در این شهر و اطراف آن کارخانه‌های نخ تابی متمرکز شده است. دومین مرکز بافندگی پارچه‌های پنبه‌ای شهر **گلاسگو** است که در آنجا کارخانه‌های متعدد ریسندگی و بافندگی تأسیس گشته است. انگلستان از لحاظ تولید پارچه‌های پنبه‌ای در عالم در مرتبه اول قرار دارد. سایر رشته‌های صنایع پارچه بافی نیز در انگلستان پیشرفت نموده است. پارچه‌های **کتانی** بیشتر در شهرهای **بلفست** ۴ و **ابردین** ۵، پارچه‌های **کتفی** در بندر **دندی** ۶ تهیه می‌شود و کارخانه‌های پارچه‌های مصنوعی در شهرهای اطراف لندن تمرکز یافته است.

شهر **ناتینگام** ۷ بزرگترین محل کارخانه‌های **ابریشم بافی** و تولید پارچه‌های **کشاف** می‌باشد که مصنوعات آن شهر در بندر لندن برای مصرف داخلی و یا صدور به خارج بفروش می‌رسد.

- | | | |
|--------------|------------|--------------|
| ۱-Leeds | ۲-Bradford | ۳-Manchester |
| ۴-Belfast | ۵-Aberdeen | ۶-Dundee |
| ۷-Nottingham | | |

سایر صنایع نیز در انگلستان توسعه یافته ولی اهمیت آنها به پای صنایع بافندگی و فلزکاری نمی‌رسد.

کارخانه‌های صنایع غذایی بیشتر در شهرهای اطراف لندن و تصفیه خانه‌های نفت در بنادر سوانسی و گلاسگو و کارخانه‌های کائوچوسازی در شهرهای بیرمنگام و لندن وجود دارد و برای کاغذسازی و صنایع شیمیایی در نزدیک کانهای زغال سنگ کارخانه‌های متعددی تأسیس گشته است .

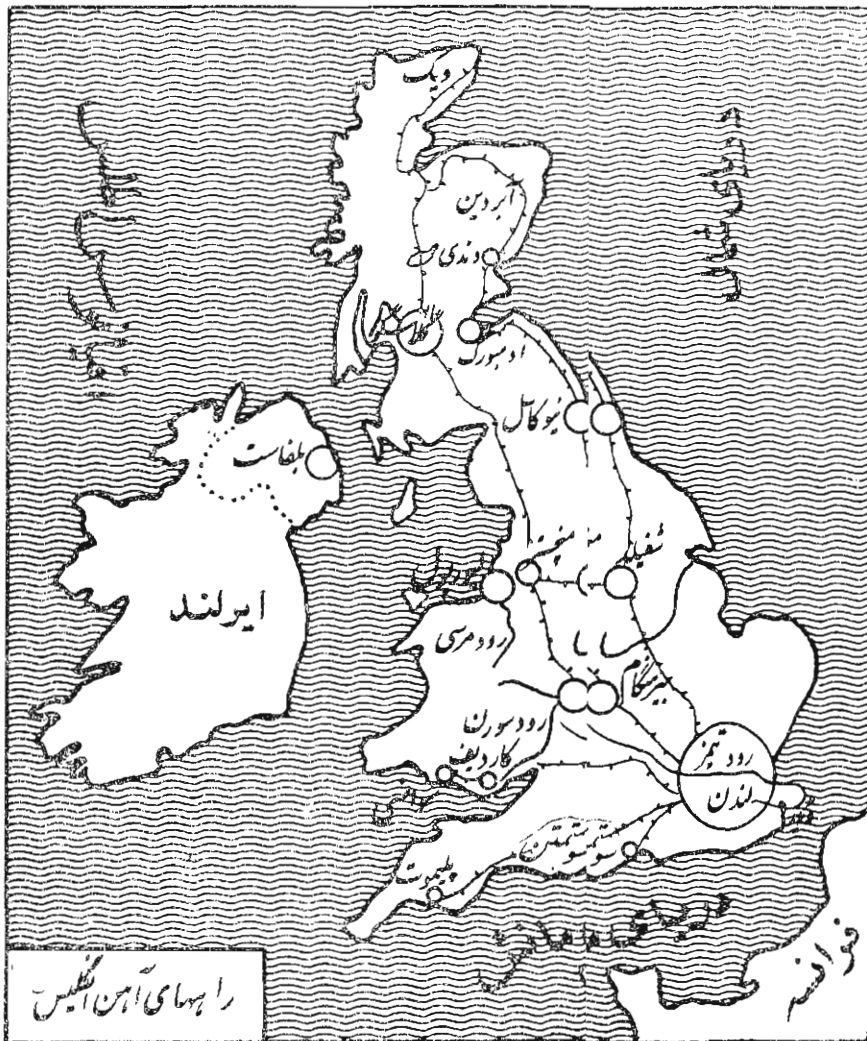
راهها و وسایل حمل و نقل

راه‌های شوسه - راه‌ها و وسایل ارتباط انگلستان با بسط امور اقتصادی و بازرگانی آن توسعه یافته است.

جاده‌های شوسه که با اصول فنی صحیح ساخته شده و با کمال دقت نگاهداری می‌شود تمام شهرها و قصبات را به یکدیگر مربوط می‌کند. و از جهت مقدار راه‌های شوسه نسبت به مساحت کشور، انگلستان در جهان در مرتبهٔ اول قرار دارد و شرکت‌های متعدد اتوبوسرانی در آن کشور تأسیس گشته که اتوبوس‌های آنها بین دو یا چند شهر رفت و آمد می‌کنند و از حیث مقدار اتوموبیل، انگلستان در اروپا مقام اول و در جهان رتبهٔ دوم را حائز است. (پس از کشورهای متحد امریکا).

طول خطوط آهن انگلستان در حدود ۴۰ هزار کیلومتر می باشد.

۱- طول راههای شوسه انگلستان بر طبق آمار ۱۹۶۱، ۲۴۵ هزار کیلومتر است.



راههای آهن انگلیس

و نسبت به مساحت پس از از بلژیک از تمام کشورهای دیگر عالم راهپای آهن بیشتر دارد و رشته‌های مهم خطوط آهن این کشور که همگی از

لندن منشعب می‌شوند عبارتند از:

۱- خط آهن لندن به شمال اسکاتلند که از طریق شهر نیوکاسل به ادینبرگ^۱ (ادینبورگ) می‌رود. سپس از شهرهای دندی و ابردین می‌گذرد و به بندر ویک^۲ ختم می‌گردد.

۲- خط دیگری از لندن به اسکاتلند منچستر را به گلاسگو متصل می‌نماید و دنباله آن در کنار خلیج مورای به رشته اولی می‌پیوندد.

۳- خط آهن لندن به بندر کاردیف که دنباله آن تا بندر سوانسی امتداد می‌یابد.

لندن همچنین به وسیله چند رشته خط آهن به بنادر جنوبی دوور^۳ و سوتمتن^۴ و پلیموت^۵ مربوط می‌شود.

راههای آبی داخلی - رودهای انگلستان که در حمل و نقل داخلی آن کشور اهمیت بسیار دارند اکثراً قابل کشتیرانی می‌باشند و به وسیله کانالهای متعدد به یکدیگر مربوط شده‌اند و مهمترین کانالهای آن کشور عبارتند از:

کانال کالدونی^۶ بین خلیجهای مورای و لرن^۷ که شمال اسکاتلند را به جزیره‌ای تبدیل نموده است دیگر کانال دریایی بین منچستر و لیورپول که شهر منچستر را به دریای ایرلند ارتباط می‌دهد.^۸

۱-Edinburgh

۲-Wick

۳-Dover

۴-Southampton

۵-Plymouth

۶-Caledonie

۷-Lorne

۸- راه آهن و راههای آبی داخلی در انگلستان ملی شده است و زیر

نظر دولت اداره می‌شود.

راههای آبی خارجی - چون حیات اقتصادی انگلستان به راههای آبی آن بستگی دارد به همین جهت در توسعه آنها کوشش فراوان نموده‌اند و به واسطه وضع قوانین و صدور فرامین مخصوص در ادوار گذشته مانند فرمان کشتیرانی در زمان کرمول مرتباً بر تعداد کشتیهای آن کشور افزوده گردیده است.

انگلستان از اواسط قرن هجدهم سیادت دریاها را بدست آورد و برای نخستین بار در قرن نوزدهم کشتیهای بخاری در آن مملکت ساخته شد و تا سال ۱۹۳۸ از لحاظ مقدار کشتی و ظرفیت آنها در عالم در مرتبه اول قرار داشت ولی از آن به بعد کشورهای متحد امریکا از انگلستان جلو افتاد.

در جنگ دوم جهانی در حدود دوهزار کشتی انگلستان از بین رفت و ظرفیت کشتیهای آن به نصف تقلیل یافت ولی پس از خاتمه جنگ با ساختن کشتیهای بسیار خسارت وارده را جبران نمود.

بر طبق آمار ۱۹۶۲ ظرفیت کشتیهای انگلستان در حدود ۲۱/۷ میلیون تن است و از این جهت در جهان در مرتبه دوم قرار دارد (پس از کشورهای متحد امریکا) چون کشتی در انگلستان بیش از احتیاجات داخلی وجود دارد به همین جهت مقداری از کشتیهای آن به نام ترامپ^۱ در دریاها سیر نموده در جستجوی بار می‌باشند و کالا و مسافر کشورهای دیگر را حمل می‌نمایند، مبلغ هنگفتی که از کرایه ترامپها حاصل می‌شود یکی از منابع بزرگ ثروت انگلستان است.

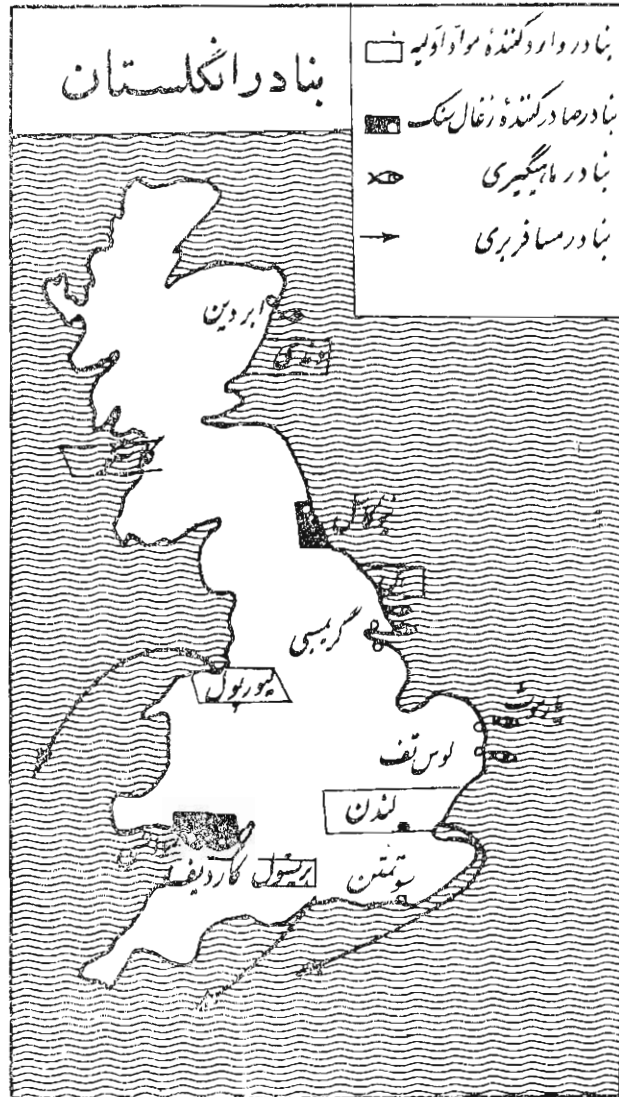
کمپانیهای مهم کشتیرانی انگلستان عبارتند از شبه جزیره و شرق^۲

۱-Tramps

۲-Peninsular and oriental

بندر لیورپول در عین حال که يك بندر بازرگانی و مسافربری می باشد، پس از لندن بزرگترین بندر انگلستان است و مواد اولیه صنعتی و غذایى بدان وارد شده و اشیای ساخته شده بخصوص پارچه از آن به خارج صادر می گردد .

1-Cunard 2-White star



مهمترین شرکت هوایی آن B.O.A.C است که هواپیماهای آن بین انگلستان و اکثر کشورهای جهان پرواز می‌کنند.

انگلستان با پنج قطعه عالم روابط بازرگانی دارد و از لحاظ میزان دادوستد پس از کشورهای متحد امریکا مهمترین مقام را در عالم داراست. قسمت بزرگی از واردات انگلیس در عوض منافع پولهایی است که مردم یا بانکهای آن کشور در اختیار کشورهای دیگر گذاشته اند و یا به مستعمرات قرض داده اند، همچنین از بابت کرایه کشتیها هر سال مقدار زیادی عاید می شود که به مصرف خرید مواد ضروری خارجی می رسد بنابراین برخلاف صورت ظاهر که رسیده های انگلیس بیش از فرستاده های آن است به علت داشتن منابع عایدی نامبرده همیشه صادرات آن بر واردات افزایش دارد.

صادرات مهم انگلستان به خارج عبارتند از: زغال سنگ و اشیای ساخته شده بخصوص پارچه، کشتی، اتوموبیل، لوکوموتیو، لوازم راه آهن، آلات و ابزار فلزی و الکتریکی، داروهای شیمیایی و سیمان که بیشتر به مستعمرات و کشورهای کشاورزی و صنعتی درجه دوم که مواد اولیه صادر می کنند فرستاده می شود و واردات عمده آن کشور را مواد اولیه غذایی بخصوص گندم، گوشت، دامهای زنده، لبنیات، قهوه، کاکائو و مواد اولیه صنعتی بویژه کائوچو، نفت، بشم، آهن و چوب تشکیل می دهد.

۴۰ درصد بازرگانی خارجی انگلستان با کشورهای مشترک المنافع و مستعمرات آن و ۶۰ درصد بقیه با کشورهای متحد امریکا و آلمان و فرانسه و آرژانتین انجام می گیرد. کشورهای متحد امریکا بیش از سایر کشورها با انگلستان روابط بازرگانی دارد و ده درصد مجموع تجارت خارجی انگلیس را به خود اختصاص داده است.

کشورهای مشترک المنافع^۱ و مستعمرات انگلیس

انگلستان در اواخر قرن نوزدهم با داشتن مستعمراتی به وسعت قریب ۳۶ میلیون کیلومتر مربع و ۴۸۰ میلیون نفوس عظیم ترین کشور مستعمراتی جهان بود و با نیروی دریایی شگرفی که در اختیار داشت علاوه بر اداره این متصرفات پهناور نفوذ سیاسی و اقتصادی بی نظیری در اقطار عالم بدست آورده بود. اغلب این مستعمرات از نظر منابع ثروت بسیار غنی بودند و سرمایه داران انگلیسی با استفاده از کارگران کم مزد این نواحی قبل از جنگ جهانی دوم ۳۸٪ گندم، ۷۸٪ طلا، و ۴۲٪ قلع جهان را تولید کرده و سود سرشاری بدست می آوردند. از اوایل قرن بیستم زمره استقلال طلبی در بعضی از مستعمرات آغاز گردید و سیاستمداران انگلیس که تجربیات تلخی از انقلابات کشورهای متحد امریکا در اواخر قرن ۱۸ بدست آورده بودند بتدریج به آن عده از مستعمرات که اکثریت ساکنان آنها پادشاهان انگلیسی تشکیل می دادند مانند کانادا، استرالیا، زلاند جدید، کشورهای متحد آفریقای جنوبی^۲ استقلال داخلی بخشیده و به آنها عنوان کشورهای مشترک المنافع دادند به این معنی که کشورهای مزبور از لحاظ امور داخلی بکلی مستقل و دارای مجالس مقننه و هیئت دولت می باشند ولی از لحاظ سیاسی و بخصوص اقتصادی با دولت انگلیس همبستگی دارند و پادشاه انگلیس را به عنوان پادشاه خود به رسمیت می شناسند. و دولت انگلیس فرماندار کلی به این کشورها اعزام می دارد

۱ - The Commonwealth Nations

۲ - کشورهای متحد آفریقای جنوبی به سبب اتخاذ سیاست تبعیض نژادی در سالهای اخیر از عضویت کشورهای مشترک المنافع برکنار گردیده است.

که وظایف ریاست عالیۀ کشور را انجام می‌دهند.

در فاصله جنگ جهانی اول و دوم جنبش استقلال‌طلبی در سایر مستعمرات نیز ظاهر گردید و پس از خاتمه جنگ دوم که حزب کارگر در انگلستان زمام امور را بدست گرفت چون از يك طرف دولت وقت با ادامه سیاست استعماری موافقت نداشت و از طرف دیگر ادامه روش حکومت استعماری در دنیا بعد از جنگ بسیار مشکل بود ابتدا کشورهای هند، پاکستان، سیلان و سپس عدۀ دیگری از مستعمرات استقلال یافته در حلقۀ کشورهای مشترك المنافع وارد شدند و چندی بعد بعضی از آنها مانند بirmانی بکلی مستقل گردیدند و برخی نیز مانند هند، پاکستان، کشور غنا، نیجریه با اتخاذ روش جمهوری ضمن ماندن در جمع کشورهای مشترك المنافع و ادامه همکاری اقتصادی با دولت انگلیس در سیاست خارجی روش مستقلی پیش گرفتند.

امروزه دولت انگلستان بر اثر صدمات و زیانهای ناشی از جنگ جهانی دوم و هم به مناسبت استقلال بعضی از مستعمرات سیادت سیاسی و اقتصادی پیشین خود را از دست داده و از نظر قدرت اقتصادی و نظامی بعد از کشورهای متحد امریکا و اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته است. کشورهای مشترك المنافع انگلیس و مستعمرات آن کشور و وضع سیاسی هر يك به شرح زیر است:

الف - کشورهای مشترك المنافع :

نام	موقع
۱- کانادا	امریکای شمالی

۲ - استرالیا	اقیانوسیه
۳ - نیوزیلند	»
۴ - هند	آسیا
۵ - پاکستان	»
۶ - سیلان	»
۷ - غنا	افریقا
۸ - نیجریه	»
۹ - تانزانیا (زنگبار - تانگانیکا)	»
۱۰ - زامبیا (رودزیای شمالی)	»
۱۱ - رودزیای جنوبی	»
۱۲ - کنیا	»
۱۳ - مالاوی (نیاسالند)	»
۱۴ - سیرالئون	»
۱۵ - گامبیا	»
۱۶ - اوگاندا	»
۱۷ - جامائیکا	دریای آنتیل
۱۸ - ترینیداد و توباگو	»
۱۹ - کشورهای متحد مالزی	آسیای جنوب شرقی
۲۰ - سنگاپور	»

۱- قسمت جنوبی مستعمرۀ رودزیا اکنون به صورت يك ناحیۀ خود-مختار اداره می‌شود و به سبب اتخاذ سیاست تبعیض نژادی مورد اعتراض کشورهای مشترك المنافع و دولتهای افریقایی قرار گرفته است.

۲۱- جزیره قبرس

۲۲- » مالت

دریای مدیترانه

» »

ب - مستعمرات :

در اروپا :

جبل الطارق .

در آفریقا :

باسوتولند ، سوازیلند و بچوانالند ، جزیره سنت هلن در اقیانوس اطلس .

در آسیا :

جزایر پریم و سوکوترا (در دریای عدن) ، بندر عدن ، تحت الحمايگی عدن ، هنگ کنگ (در کناره شرقی چین) ، جزایر مالدیو ، موریس و سیشل در اقیانوس هند .

در امریکا :

جزایر برمودا ، باهاما ، باربادوس ، و چند جزیره کوچک دیگر در دریای آنتیل ، هندوراس انگلیس (امریکای مرکزی) ، گویان انگلیس در شمال امریکای جنوبی ، جزایر فالکلند ، شتلند جنوبی ، ارکنی جنوبی ، ساندویچ جنوبی در اقیانوس اطلس جنوبی .

در اقیانوسیه :

جزایر فیجی ، جزایر جیلبرت و الیس ، جزایر گینه جدید ، سالومون ، هبرید جدید و تنگا .

فصل چهارم

آلمان

نگاهی به وضع طبیعی آلمان :

حدود و مساحت و تغییرات مرزی - آلمان از شمال به دریای بالتیک و دانمارک و دریای شمال ، از مغرب به هلند و بلژیک و لوکزامبورگ و فرانسه ، از جنوب به سویس و اتریش و از مشرق به چکسلواکی و لهستان محدود می گردد .

حدود و مساحت آلمان در قرن بیستم تغییرات زیادی نمود داشته . در سال ۱۹۱۳ میلادی وسعت آن ۵۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع بود ولی پس از شکست در جنگ جهانی اول به موجب **معاهده ورسای** قسمتی از خاک آن را کشورهای فرانسه و بلژیک و دانمارک و لهستان تصرف نمودند و چون در جنگ دوم جهانی نیز آلمان شکست خورد دول فاتح علاوه بر پس گرفتن متصرفات جدید آن کشور قسمت بزرگی از خاک آن را که در مشرق رود ادر^۲ و شعبه آن **نس**^۳ قرار داشت به لهستان دادند و پروس شرقی آلمان را هم به شوروی و لهستان واگذار نمودند ، به این ترتیب وسعت آن به ۳۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع تقلیل یافت .

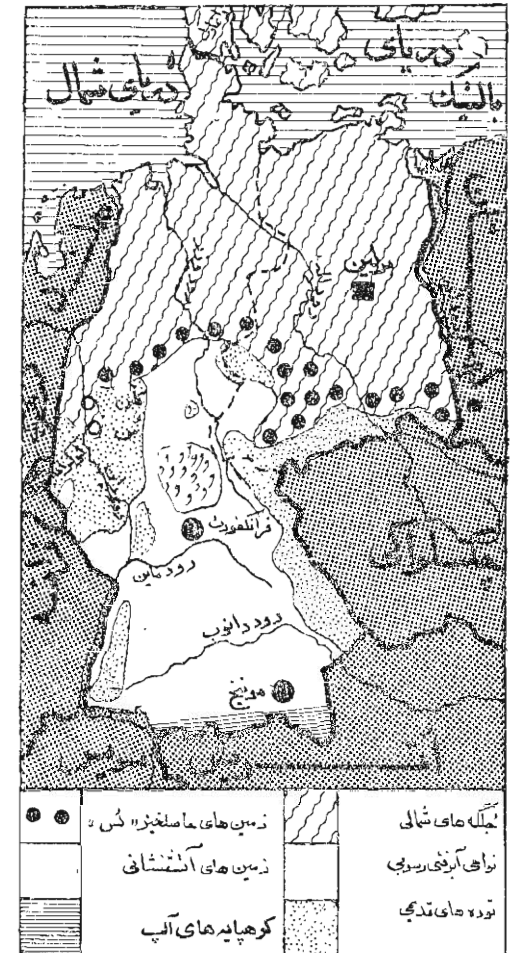
۱- Versaille

۲- Oder

۳- Neisse

بعلاوه پس از خاتمه جنگ دوم جهانی چهار کشور شوروی و

کشورهای متحد آمریکا و انگلیس و فرانسه خاک آلمان را اشغال نمودند و آن را عملاً به دو قسمت آلمان شرقی و آلمان غربی تقسیم کردند و قرار گذاشتند تا تنظیم و امضای پیمان صلح با آن کشور امور سیاسی و اقتصادی و اداری آلمان شرقی که مرکز آن را قسمت شرقی برلین^۱ قرار دادند تحت نظارت شوروی و آلمان غربی که مرکزش شهر بن^۲ انتخاب شد زیر نظر کشورهای انگلستان و کشورهای متحد آمریکا



نقشه ناهمواریهای آلمان

و فرانسه اداره شود .

جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی (بدون برلین) ۱۰۷۰۰۰۰

۱- Berlin

۲- Bonn

کیلو متر مربع مساحت و در حدود ۱۶ میلیون نفر جمعیت دارد و در جمهوری فدرال آلمان غربی با ۲۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت در حدود ۵۸ میلیون نفر زندگی می کنند .

بستی و بلندی - سراسر شمال آلمان را جلگه های رسوبی فرا گرفته که ارتفاع آنها از ۱۰۰ متر تجاوز نمی کند و مرتفعات آن کشور که در مرکز و جنوب واقع شده اند همگی جز کوهستان آلپ در جنوب از کوه های قدیمی و کم ارتفاع تشکیل یافته اند . مانند کوه های « شوارتزوالد »^۱ (جنگل سیاه) در جنوب غربی و کوه های هارتز^۲ در مرکز .

در بین کوه های آلمان فلات های مرتفعی مانند باویر^۳ و تورینگ^۴ قرار گرفته اند .

آب و هوا - آلمان به سبب شرایط طبیعی مختلف دارای آب و هوای گوناگون است . سواحل دریای شمال دارای آب و هوای ملایم و مرطوب و سایر نواحی آن کشور آب و هوای بَرّی متغیر دارد و بطور کلی هر چه از شمال به جنوب و از مغرب به مشرق پیش رویم از مقدار رطوبت کاسته شده و اختلاف درجه حرارت شدت می یابد .

رودها - بجز رود دانوب که به دریای سیاه می ریزد بقیه رود های آلمان از جنوب به شمال سیر نموده به دریاهای بالتیک و شمال منتهی می گردند .

رود دانوب به طول ۲۸۵۰ کیلومتر از کوه های جنگل سیاه سرچشمه

۱- Schwarzwald

۲- Hartz

۳- Baviere

۴- Thuring

گرفته پس از مشروب ساختن جنوب آلمان و دریافت شعبات چندی از مرتفعات این قسمت وارد خاک اتریش می شود و سپس از کشورهای مجارستان و یوگسلاوی و سرحد بلغارستان و رومانی گذشته به دریای سیاه می ریزد .

دیگر رود **ادر^۱** که از کوههای چکسلواکی جاری شده وارد لهستان می شود و پس از دریافت آب شعبه **نس** که از همین کوهستان سرچشمه می گیرد و مرز مشترک آلمان شرقی و لهستان را تشکیل می دهد به دریای بالتیک داخل می شود .

رودهای **الب^۲** و **وزر^۳** که هر دو به دریای شمال منتهی می گردد و رود بزرگ **راین^۴** که از کوههای سویس سرچشمه می گیرد و در جهت جنوب به شمال در قسمتی از مرز آلمان و فرانسه جریان می یابد و پس از مشروب ساختن آلمان غربی در خاک هلند به دریای شمال می ریزد .

کناره ها - جلگه های آلمان شمالی با سواحل پست به دریای شمال و بالتیک منتهی می گردد به همین جهت بیشتر کناره های آن کشور برای کشتیرانی مناسب نیست و اغلب بنادر بزرگ مانند **هامبورگ^۵** و **برهن^۶** در دهانه رودها و خلیجهای ساحلی با هزینه هنگفتی ساخته شده اند .

جغرافیای اقتصادی آلمان :

کشاورزی - بطور کلی به سبب شرایط طبیعی نامساعد از قبیل داشتن زمینهای پهناور غیر حاصلخیز و آب و هوای بری خشک، کشاورزی

۱- Oder	۲- Elbe	۳- Weser
۴- Rhin	۵- Hambourg	۶- Brëmen

آلمان به موازات صنعت پیشرفت نکرده است و بیش از $\frac{۱}{۳}$ سکنه آن به کارهای کشاورزی اشتغال ندارند . وسعت زمینهای قابل کشت نیز از ۴۰ درصد خاک آن کشور تجاوز نمی کند ، معذالك نباید کشاورزی آن را بی اهمیت دانست، چه دولت آلمان با بستن سدها و حفر کانالها برای آبیاری و خشک کردن باتلاقها بر وسعت زمینهای زراعتی به میزان قابل توجهی افزوده است ، بعلاوه به کمک شیمیدانهای خود کودهای شیمیایی مختلف بوجود آورده و نوع گیاهانی را که در سرزمینهای آن بهتر محصول می دهد مشخص ساخته است . همچنین با تأسیس آموزشگاههای کشاورزی و نظارت در بهبود روش کشت و برداشت محصول به بهترین وجهی کشاورزان خود را راهنمایی می نماید .

برای رسیدگی به وضع زندگی کشاورزان و متحد نمودن آنان برای همکاری در برداشت محصول بیشتر کشتزارهای آلمان به منطقه های کشاورزی تقسیم شده و در هر منطقه اداره ای از طرف دولت تأسیس یافته است .

اکنون کشاورزان آلمانی با بکار بستن روشهای جدید و استعمال کودهای شیمیایی زمینهای فقیر و کم حاصل را به زمینهای حاصلخیز مبدل کرده و به کمک ماشینهای کشاورزی به حداکثر امکان از آنها بهره برداری می کنند ، چنانچه در هر هکتار زمین ناحیه **وستفالی^۱** دو تن گندم و در هر هکتار از خاک منطقه **ساکس^۲** چهار تن سیب زمینی بدست می آورند و این بیشینه محصولی است که در کشتزارها تولید می شود .

گیاهان صنعتی و غذایی که در آلمان کاشته می شود هر چند مقدار محصولشان زیاد است ولی به علت کثرت جمعیت و توسعه صنایع کشور علاوه بر اینکه به خارج صادر نمی شود نیازمندیهای داخلی را نیز تکافو نمی کند .

گندم ، در زمینهای حاصلخیز اطراف رود راین و نواحی فرانکنی و ساکس کاشته می شود و محصول سالانه آن در حدود ۴/۵ میلیون تن است .

کشت چاودار و جو و جو سیاه در آلمان بسیار متداول است و مراکز آنها بیشتر در جلگه های کم قوت شمالی که به درد کشت گندم نمی خورد می باشد و به وسیله کودهای شیمیایی محصول زیاد از آنها برمی دارند .

آلمان از لحاظ محصول سالانه **چاودار** در مرتبه سوم (پس از شوروی و لهستان) و از حیث مقدار جو در درجه چهارم (بعد از شوروی و کشورهای متحد امریکا و کانادا) در عالم قرار دارد .

از آرد چاودار نان تهیه می کنند که به مصرف خوراک اهالی می رسد و جو سیاه برای تغذیه دامها و جو بیشتر برای تهیه آبجو بکار می رود .
سیب زمینی که به مصرف خوراک اهالی و دامها و مصارف صنعتی مانند تهیه الکل می رسد در جلگه های شمالی کاشته می شود و آلمان از جهت مقدار محصول آن در جهان حائز مقام دوم (پس از شوروی) است . در بین گیاهان صنعتی کشت **چغندر قند** و **رازک** توسعه بیشتری یافته است .

مزارع چغندر در زمینهای رسوبی حاصلخیز نزدیک کشتزارهای

گندم بخصوص در ناحیه ساکس وجود دارد و کارخانه های قندسازی هم مجاور مراکز کشت چغندر قند تمرکز یافته است و آلمان پس از شوروی بزرگترین کشور تهیه کننده چغندر قند در اروپا می باشد .

رازک که برای تهیه آبجو بکار می رود در آلمان جنوبی بویژه باویر کاشته می شود . **کتان** در نواحی بوهم و وستفالی و **شاهدانه** و **توتون** بیشتر در آلمان جنوبی کاشته می شود ، ولی محصول آنها زیاد نیست و اهمیت آنها به پایه چغندر قند و رازک نمی رسد .

در اطراف رود راین و شعبات آن تاکستانهای بزرگی وجود دارد . هر چند محصول سالانه شراب آلمان که در حدود ۴ میلیون هکتولتر می باشد چندان زیاد نیست و از این حیث به پایه کشورهای بزرگ تهیه کننده شراب مانند فرانسه و ایتالیا نمی رسد ولی شرابهای آن مرغوب و شهرت بسیار دارند .

در نواحی مختلف آلمان مانند اطراف رود راین و نواحی ساکس و تورینگ و سواحل دریای شمال باغات میوه بسیار است ولی محصول آنها کفاف مصرف داخلی آن کشور را نکرده و هر سال مقدار زیادی میوه تازه و خشک از خارج وارد می کنند .

جنگل - در حدود ۲۷ درصد خاک آلمان را جنگل فرا گرفته و در مناطق جنگلی آن که اکثر در دامنه کوهها قرار دارد کارخانه های متعدد چوب بری تأسیس گشته که هزاران کارگر در آنها به کار مشغولند و با رعایت نکات علمی از جنگلها استفاده می شود ، به علت زیادی مصرف چوب برای مصرف صنعتی بخصوص تهیه خمیر کاغذ این مقدار جنگل تکافو نکرده و هر سال مقداری چوب از خارج بویژه از سوئد و نروژ و شوروی

خریداری می‌کنند .

دامپروری - در آلمان گله‌داری و کشاورزی به يك میزان پیشرفت نموده و تربیت دامها بارعایت اصول علمی انجام می‌گیرد، ولی به علت کثرت جمعیت آلمان تعداد دامهایی که در آن کشور نگهداری می‌شود احتیاجات داخلی آن را تأمین نمی‌کند .

خوک در اکثر نقاط آلمان و گاو بیشتر در سواحل دریای شمال و دامنه‌های جبال آلپ و اسب در ناحیه **الدنبورگ** و ساکس جنوبی تربیت می‌شود و تعداد آنها رو به افزایش است ، ولی از عدهٔ گوسفندان که در نواحی غیر حاصلخیز نگاهداری می‌شود به علت کمی استفاده نسبت به دامهای دیگر سال بسال کاسته می‌شود .

ماهیگیری - ماهیگیری در رودهای داخلی آلمان و سواحل دریای شمال بخصوص دهانهٔ رودهای **الب** و **وِزر** و **امس**^۱ رونق بسیار دارد . بنادر **امدن** و **برمن** و **هامبورگ** و **کوکسهافن**^۲ بزرگترین بنادر صید ماهی و محل تمرکز کارخانه‌های کنسروسازی می‌باشد و گوشت ماهی در تغذیهٔ مردم آلمان تأثیر بسیار دارد .

کانها - آلمان از لحاظ کانهای **زغال سنگ** و **لیگنیت** بسیار غنی است. کانهای زغال سنگ که بیشتر در دامنه‌های کوههای قدیمی آن کشور وجود دارد چون اکثر دارای رگه‌های ضخیم و منظمند و با وسایل مکانیکی استخراج می‌شود بهره‌برداری از آنها بسیار زیاد است .

استخراج زغال سنگ در آلمان از قرن نوزدهم میلادی به سبب

توسعهٔ صنایع رو به ازدیاد رفت و اکنون آلمان غربی با ۱۴۰ میلیون تن محصول سالانه در جهان مرتبهٔ پنجم (پس از کشورهای متحد امریکا و چین و شوروی و انگلیس) قرار دارد و ۷۵ درصد زغال آن از معادن ناحیهٔ **رنان وستفالی**^۱ که به حوضهٔ **رور**^۲ مشهور است استخراج می‌شود و ۲۵ درصد بقیهٔ آن از کانهای نواحی **سار**^۳ و ساکس بدست می‌آید .

معادن **لیگنیت** که بهره‌برداری آنها از قرن بیستم شروع شد با رگه‌های افقی یکنواخت بطور پراکنده بخصوص در نواحی **رور** و ساکس یافت می‌شود و چون معادن آن بیشتر مجاور سطح زمین قرار گرفته استخراجش آسان است . محصول لیگنیت آلمان در جهان حائز مقام اول و با استفاده از این مادهٔ سوختنی است که این کشور می‌تواند همه ساله قسمتی از زغال سنگ خود را صادر کند .

استخراج زغال سنگ و لیگنیت در آلمان سبب پیدایش و توسعهٔ صنایع زیر گردیده است :

۱- تهیهٔ گاز و تولید برق از کانهای زغال سنگ و لیگنیت بخصوص از معادن **رور** و انتقال آن به نقاط دور دست برای مصارف صنعتی و تولید گرما و روشنایی در منازل .

۲- ساختن آبهای امونیاکی و تهیهٔ رنگ و کودهای ازته و نفت مصنوعی که برای آنها کارخانه‌های متعددی بویژه در ناحیهٔ **رور** تأسیس شده و آلمان از حیث تهیهٔ نفت مصنوعی با يك میلیون تن محصول سالانه در جهان در مرتبهٔ اول است .

۳- ایجاد صنعت كك سازی برای تهیه سوخت لازم برای کارخانه‌های ذوب فلز و تولید و پیشرفت صنایع فلزی سنگین و تبدیلی. برخلاف زغال سنگ، نفت در آلمان کمیاب است و مقدار مختصری از معادن ناحیه **هانور**^۱ استخراج می‌گردد. در آلمان از نیروی آبشارها برای تهیه برق و گرداندن ماشینها استفاده فراوان می‌شود و مراکز مهم تهیه انرژی ئیدرولیک آلمان کوههای بوهم و جنگل سیاه و فلات باویر و کنار سدهایی است که بر روی رودهای قابل کشتیرانی مانند نکار و الب ساخته‌اند.

آهن، به مقدار کافی در آلمان وجود ندارد و استخراج کانهای آن به علت عمق زیاد و بی نظمی رگه‌ها مشکل و گران تمام می‌شود و مراکز مهم استخراج آن به ترتیب اهمیت نواحی **زیگرلند**^۲ و **برونشوینگ**^۳ و باویر و تورینگ می‌باشد.

محصول آهن بیش از يك سوم احتیاجات داخلی آلمان را تأمین نمی‌کند و کمبود آن از خارج بویژه سوئد و اسپانی و فرانسه وارد می‌شود.

کانهای **نقره** و **سرب** و **روی** در کوههای هارتز فراوان است و آلمان از لحاظ تولید نقره در اروپا مرتبه اول را دارد. مس هم به مقدار کمی از کوههای هارتز بدست می‌آید.

از لحاظ مقدار **پتاس** که در تهیه کودهای کشاورزی و صنایع شیمیایی اهمیت زیاد دارد آلمان در جهان مرتبه اول را داراست و کانهای

۱- Hanovre ۲- Siegerland
۳- Braunschweig

آن در قسمت مرکزی بخصوص در اطراف شهرهای **ماگدبورگ**^۱ و **هال**^۲ وجود دارد.

صنایع

آلمان یکی از بزرگترین ممالك صنعتی جهان است و پیشرفت صنایع آن کشور که بسیار سرعت انجام گرفته پس از ایجاد وحدت سیاسی آن در اواخر قرن نوزدهم شروع گردید و در مدت کمتر از نیم قرن از ممالك بزرگ صنعتی مانند انگلستان و فرانسه جلو افتاد و دومین کشور صنعتی عالم (پس از کشورهای متحد امریکا) گردید.

هرچند آلمان به سبب شکستهای متوالی در جنگهای جهانی اول و دوم از لحاظ صنعت بسیار عقب افتاد ولی هر بار در مدت کمی مقام خود را بدست آورد و تنها در سالهای اخیر پیشرفت منظم اقتصاد شوروی آن را در اکثر رشته‌های صنعت تحت الشعاع قرار داده، معذالك باز هم آلمان در چند رشته صنعت اساسی مانند فلزکاری و صنایع شیمیایی در جهان حائز مقام دوم است و علل پیشرفت آن در صنایع عبارت است از:

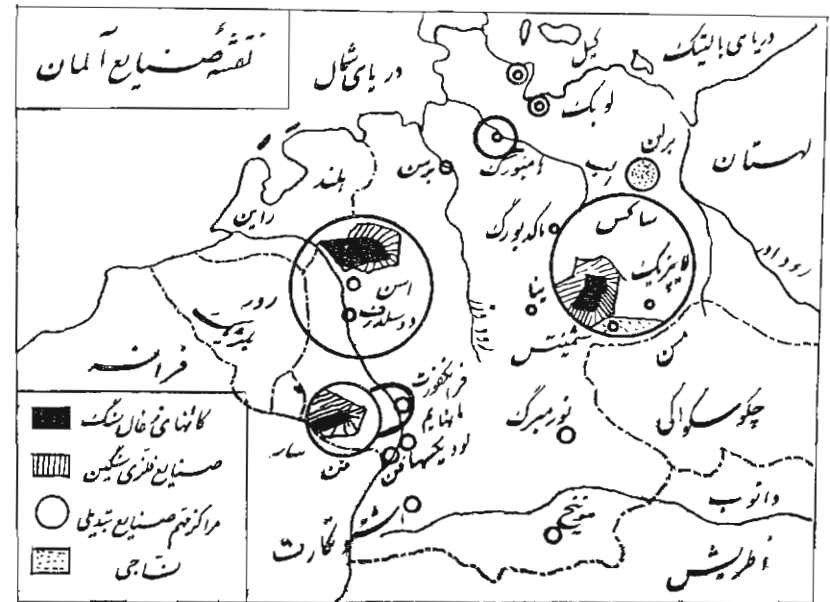
۱- وجود کانهای فراوان زغال سنگ که منبع صنایع آلمان بشمار می‌رود و آن را اساس حیات اقتصادی آلمان می‌دانند.

۲- کثرت نفوس و زیادی کارگر بخصوص کارگران خبره و مجرب و کمی مزد آنها نسبت به مزد کارگران سایر کشورهای بزرگ صنعتی اروپا و کشورهای متحد امریکا که سبب می‌گردد مصنوعات

۱- Magdebourg ۲- Halle

آلمان بهتر و ارزانتر تهیه شده و در بازارهای جهان مشتریان فراوان داشته باشد .

۳ - صفات مخصوص مردم آلمان مانند میل به پیشرفت و تفوق نسبت به دیگران و پایداری در مقابل شکست و جدیت و پشتکار نیز باعث توسعه صنایع آن کشور گردیده است .



کانه‌ها و مراکز مهم صنعتی آلمان

۴ - وجود شرکت‌های بزرگ که با سرمایه کافی مواد اولیه را ارزان و اجناس خود را به سلیقه مشتریان تهیه می‌کنند و در بازارهای جهان به بهترین قیمت بفروش می‌رسانند .

این شرکت‌ها برای بکاربردن کشفیات جدید علمی در صنایع از

دانشمندان استفاده نموده و با دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی همکاری می‌نمایند . همین توجه زیاد به علما باعث گردید که در بعضی صنایع بخصوص صناعی که فکربشری بیشتر از رموز تجارتي در آنها مؤثر است مانند صنایع شیمیایی آلمان پیشرفت فوق‌العاده نماید . بعلاوه کمک‌های مؤثر دولت در حمایت از مصنوعات داخلی در پیشرفت صنایع تأثیر فراوانی داشته است .

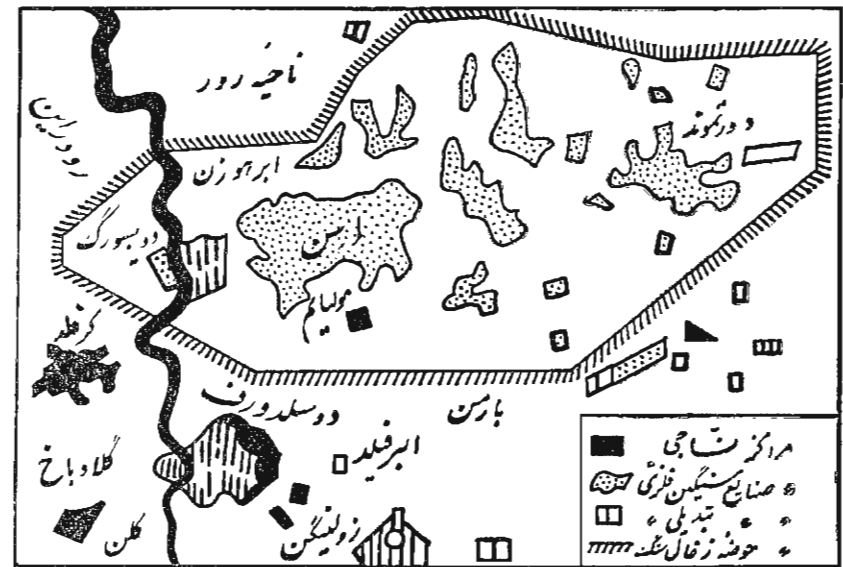
صنایع فلزی - بزرگترین مرکز صنایع سنگین فلزی آلمان ناحیه **رور** است که در حدود ۱۵ میلیون نفر جمعیت دارد و به سبب وجود کانه‌های فراوان زغال‌سنگ و آهن و سهولت ورود مواد اولیه به وسیله رودخانه قابل کشتیرانی راین در آنجا کارخانه‌های متعدد ذوب فلزات و تهیه فولاد و چدن تأسیس گشته است . شهرهای **اسن**^۱ ، **دویسبورگ**^۲ ، **مولهایم**^۳ ، **ابرهوزن**^۴ از مراکز مهم فلزکاری سنگین این قسمت می‌باشند .

ناحیه **سار** به واسطه داشتن کانه‌های زغال و بنادر **لوبک**^۵ و **برمن** به سبب سهولت ورود مواد اولیه خارجی نیز به صنایع سنگین فلزی اختصاص یافته است .

برای صنایع تبدیلی فلزی کارخانه‌های متعدد در آلمان وجود دارد و هر شهری به ساختن ماشین مخصوصی شهرت یافته است . مثلاً شهرهای **کلن**^۶ و **اشتوتگارت**^۷ مهمترین مراکز اتوموبیل سازی و

- | | | |
|---------------|-------------|------------|
| ۱- Essen | ۲- Duisburg | ۳- Mulheim |
| ۴- Oberhausen | ۵- Lubeck | ۶- Coeln |
| ۷- Stuttgart | | |

شهرهای شمنیتس^۱ و گلا دباخ^۲ بزرگترین کانون ساختن ماشینهای بافندگی و شهرهای ماگدبورگ و مانهایم مهمترین محلای تهیه ماشینهای کشاورزی می باشد. در شهر زولینگن^۳ آلات و ابزار جراحی و چاقو و در شهرهای اسن و مونیخ^۴ لوکوموتیو و لوازم راه آهن و در بنادر



مراکز مهم صنعتی و کانهای آلمان در ناحیه رور

هامبورگ و برمن و کیل^۵ و لوبک کشتی و در برلین هواپیما و دوچرخه و در شهر لایپزیگ^۶ ماشینهای چاپ ساخته می شود.

صنایع شیمیایی - آلمان تا این اواخر که کشورهای متحد امریکا از آن جلو نیفتاده بود از لحاظ صنایع شیمیایی در جهان حائز مقام اول بود. پیدایش و پیشرفت اکثر رشته های این صنعت مربوط به

- | | | |
|-------------|-------------|-------------|
| ۱- Chemnitz | ۲- Gladbach | ۳- Solingen |
| ۴- Munich | ۵- Kiel | ۶- Leipzig |

مخترعان آلمانی است که بر اثر تحقیقات آنها محصولات شیمیایی و داروهای جدید کشف گردیده است.

اکنون در کارخانه هایی که برای صنایع شیمیایی در آلمان مخصوص مجاور کانهای زغال سنگ رور تأسیس شده انواع و اقسام دارو، رنگ و کاغذ و صنایع مصنوعی، سلولز، کودهای شیمیایی و محصولات مختلف دیگر تهیه می کنند و مهمترین مراکز صنایع شیمیایی آن کشور شهرهای کلن و مانهایم و لودویگسهاfen می باشد که همگی در کنار رود راین قرار دارند.

صنایع بافندگی - پارچه بافی که صنعت قدیمی آلمان می باشد، از قرن نوزدهم در آن کشور توسعه فراوان یافت و اکنون در حدود یک میلیون نفر کارگر در کارخانه های بافندگی آن کار می کنند. هر چند در اکثر شهرهای آلمان کارخانه های ریسندگی و بافندگی دایر شده ولی در نواحی ساکس و رور تمرکز کارخانه های بافندگی بیشتر است.

شهرهای البرفلد^۱ و بارمن^۲ (در ناحیه رور) مهمترین محل بافندگی پارچه های پشمی و شهر شمنیتس (در ناحیه ساکس) که آن را منجم رور آلمان می خوانند بزرگترین مرکز تهیه پارچه های پنبه ای و شهر کرفلد^۳ (در ناحیه رور) که لیون آلمان نام دارد مهمترین محل بافندگی پارچه های ابریشمی است و پارچه های کتان^۴ در شهر دوسلدورف و پارچه های کفنی در شهرهای برلین و هامبورگ تهیه می شود.

- | | | |
|---------------|-----------|------------|
| ۱- Elberfeld | ۲- Barmen | ۳- Krefeld |
| ۴- Dusseldorf | | |

سایر رشته‌های مهم صنایع آلمان عبارتند از : **کاغذسازی** در نواحی ساکس و تورینگ ، ساختن دوربینهای عکاسی و اقسام عدسیها در شهر **ینا**^۱ ، **چینی سازی** در دو شهر **مسن**^۲ و برلین ، **آبجوسازی** در شهر **مونخ**^۳ و **قندسازی** در ناحیه ساکس .

راهها و وسائل حمل و نقل

یکی از علل عمده ترقیات سریع آلمان در امور صنعتی و بازرگانی توسعه وسایل حمل و نقل خشکی و آبی و هوایی آن است . طول خطوط آهن آلمان در حدود ۶۰ هزار کیلومتر است و بدین ترتیب نسبت به مساحت در هر صد کیلومتر مربع ۲۶٫۵ کیلومتر خط آهن دارد و از لحاظ مقدار نسبی خط آهن در مرتبه سوم جهانی قرار دارد (بعد از بلژیک و انگلستان) .

خطوط آهن آلمان مانند فرانسه از يك مركز منشعب نشده است و اكثر شهرهای صنعتی آن مانند **فرانکفورت**^۴ (کنار رود **ماین**^۵) و شهرهای **کلن** ، **هانور**^۶ ، **برلین** و **درسدن**^۷ هر يك مراکز انشعاب خطوط آهن می باشند .

تمام شهرهای آلمان به وسیله راههای آهن به یکدیگر و به کشورهای مجاور مربوط شده اند . دو رشته خط آهن بین المللی از شمال و جنوب آلمان می گذرد . رشته شمالی به نام خط آهن **سریع السیر شمال**

- | | | |
|-------------|-----------|------------|
| ۱-Iena | ۲-Meissen | ۳- Munich |
| ۴-Frankfurt | ۵- Main | ۶- Hanovre |
| ۷- Drsedn | | |

پاریس را از راه برلین به مسکو متصل می سازد و رشته جنوبی به نام خط آهن **سریع السیر مشرق** ، فرانسه را از راه مونخ به استانبول مربوط می نماید .

راههای آبی داخلی - طول راههای آبی داخلی آلمان در حدود ۱۲۰۰۰ کیلومتر است که ۲۵۰۰ کیلومتر آن را کانال تشکیل می دهد . راین ، الب ، وِزر و ادر مهمترین رودهای قابل کشتیرانی آن کشور می باشند .

رود راین به علت هموار بودن بستر و فراوانی آب و گذشتن از منطقه بزرگ صنعتی رور مهمترین راه آبی داخلی آلمان است و شهرهای واقع در کنار آن مانند کلن ، ومانهایم مانند بنادر بزرگ دریایی دارای وسایل کامل برای باراندازی و بارگیری کشتیها می باشند .

رود راین به وسیله کانال **دورتموند**^۱ به رودخانه **امس**^۲ متصل شده و بدین طریق ناحیه صنعتی اطراف رود راین به دریای شمال مربوط گشته است و کانال **لودویگ**^۳ و اشتوتگارت شعبات راین را به رود دانوب متصل می نماید . رود **امس** نیز به وسیله کانال **امس و وِزر** به رود وِزر متصل می شود و دنباله این کانال از راه هانور تا شهر ماگدبورگ کنار رود الب ادامه می یابد و باعث ارتباط رودهای نامبرده می شود .

رودخانه **الب** پس از راین مهمترین راه آبی داخلی آلمان است و منطقه صنعتی ساکس را از بندر هامبورگ با خارج ارتباط می دهد

- ۱- Dortmund ۲- Ems ۳- Ludwig

و به وسیله کانال **هاول**^۱ به شهر برلین مربوط می‌شود. بین شهر برلین و رود ادر نیز کانالی به نام **اشپره**^۲ ساخته شده و بدین ترتیب تمام رودهای آلمان به یکدیگر متصل شده‌اند.

دیگر از کانالهای مهم آلمان کانال کیل است که بین رود الب و بندر کیل احداث گردیده است و به جای آنکه کشتیها شبه جزیره ژوتلند را دور بزنند مستقیماً به وسیله این کانال از دریای شمال وارد دریای بالتیک می‌گردند.

راههای آبی خارجی - آلمان در ابتدای جنگ اول جهانی

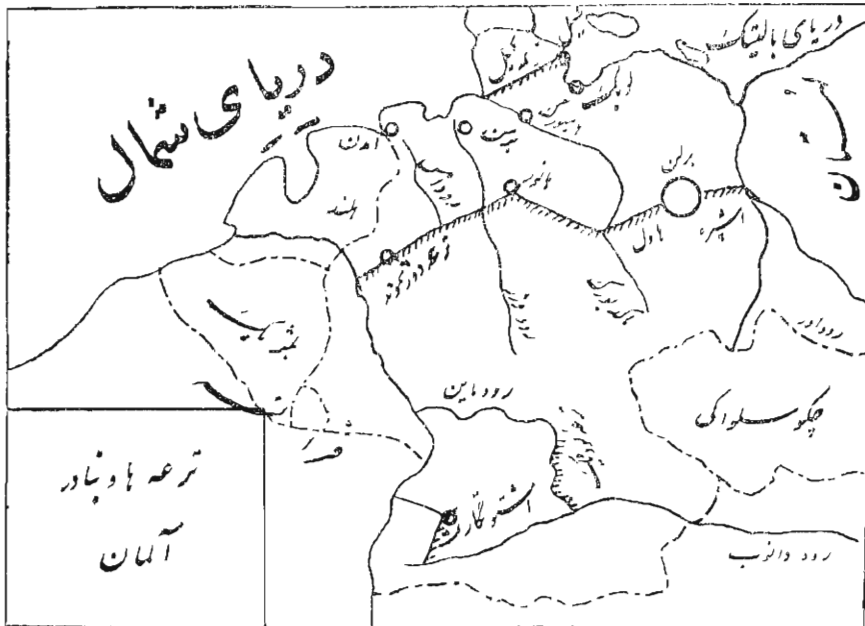
با ۴ میلیون تن میزان بارگیری کشتیها در جهان در مرتبه دوم قرار داشت (پس از انگلستان)، ولی به علت شکست در جنگ قسمت عمده کشتیهای آن را متفقین به عنوان غرامت تصاحب نمودند و مقام آن از مرتبه دوم به سیزدهم تنزل یافت، اما دیری نپایید که آلمان این شکست را با ساختن کشتیهای متعدد جبران نمود و با اینکه در جنگ دوم جهانی نیز بیشتر کشتیهای خود را از دست داد اکنون ظرفیت کشتیهای آن بیش از یک میلیون تن است.

بنادر - مهمترین بندر آلمان **هامبورگ** است که به فاصله ۸۵

کیلومتر از دریای شمال در ساحل راست رود الب ساخته شده و یکی از مراکز بزرگ صنعت و انشعاب خطوط آهن آن کشور می‌باشد. بنادر بزرگ دیگر آن عبارتند از: **امدن** در مصب رود امس و **برمن** کنار رود وزر و بنادر **کیل** و **لوبک** در سواحل دریای بالتیک.

راههای هوایی - تمام شهرهای آلمان به وسیله راههای هوایی

با یکدیگر ارتباط دارند و به وسیله خطوط منظم هوایی با شهرهای مسکو و لندن و پاریس و کشورهای متحد امریکا مربوط می‌شوند.



کانالها و بنادر آلمان

بازرگانی

پیش از جنگ اول جهانی آلمان با اکثر کشورهای عالم روابط بازرگانی داشت و از لحاظ میزان داد و ستد دومین کشور عالم بود (پس از انگلستان) ولی به علت شکست در جنگهای اول جهانی و از دست رفتن مستعمرات آن کشور تجارت آن تنزل فاحش نمود.

آلمانها با آنکه در جنگ دوم جهانی نیز شکست خوردند معذالك بزودی اثرات شکست را با کار و کوشش در کشور خود محو

کردند و هم اکنون در بازرگانی جهان نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند.

واردات عمده آلمان عبارتند از : مواد اولیه صنعتی مانند پشم ، پنبه ، کائوچو ، نفت ، کتان ، شاهدانه ، چوب ، ابریشم ، پوست و آهن ؛ و مواد غذایی مثل غلات ، لبنیات ، کاکائو و خشکبار ؛ و صادرات مهم آن را زغال سنگ و انواع ماشین و مصنوعات فلزی و شیمیایی و پارچه تشکیل می‌دهد.

فصل پنجم

ایتالیا

نگاهی به وضع طبیعی ایتالیا

حدود و مساحت - ایتالیا ۳۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و بیش از ۵۲ میلیون نفر جمعیت دارد و در اروپای جنوبی بین مدیترانه شرقی و غربی واقع می‌باشد و از شمال به سویس و اتریش و از شمال شرقی به یوگسلاوی و از مشرق به دریای آدریاتیک و ایونی و از شمال غربی به فرانسه و از مغرب به دریای تیرنی و از جنوب به دریای مدیترانه محدود می‌گردد .

ایتالیا از جزایر ساردنی^۱ و سیسیل^۲ و الب^۳ و عده‌ای جزایر آتشفشانی کوچک و قسمت شبه جزیره‌ای و ایتالیای شمالی تشکیل شده است .

پستی و بلندی - سراسر شمال ایتالیا را کوهپای آلپ^۴ به شکل قوسی احاطه کرده و آن کشور را از سویس و اتریش جدا می‌کند . در جنوب آلپ جلگه کم ارتفاع و همواری به نام جلگه پو^۵

۱ - Sardaigne

۲ - Sicile

۳ - Elbe

۴ - Alpe

۵ - Po



ناهمواریه‌های ایتالیا

وجود دارد که از رسوبات رودها پوشیده شده و حاصلخیزترین و پرجمعیت‌ترین قسمت ایتالیا است.

ایتالیای شبه‌جزیره‌ای را کوه‌های آپنین^۱ که در جهت شمال غربی

^۱ - Apennin

به جنوب شرقی از کوه‌های آلپ تا داخل جزیره سیسیل کشیده شده است. جزیره سیسیل از لحاظ طبیعی دنباله ایتالیای شبه‌جزیره‌ای است، و به وسیله تنگه مسین^۱ از آن جدا می‌شود.

مرتفعات جزیره ساردنی قدیمی و کم‌ارتفاع و خاک آن جز در جنوب غربی که از جلگه‌های رسوبی بوجود آمده برای کشاورزی مساعد نیست ولی در عوض منابع زیرزمینی آن زیاد است.

آب و هوا - ایتالیا به طول هزار و صد کیلومتر از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد یافته و به علت شرایط طبیعی مختلف، آب‌وهوای گوناگون دارد.

دامنه‌های جنوب کوهستان آلپ که در معرض وزش بادهای مرطوب دریای مدیترانه قرار دارد دارای آب و هوای ملایم است و جلگه رود پو و مرکز ایتالیای شبه‌جزیره‌ای به جهت دوری از دریا و کمی رطوبت آب و هوای بری و متغیر و سواحل و جزایر ایتالیا آب و هوای مدیترانه‌ای (زمستان ملایم و مرطوب و تابستان گرم و خشک) دارد.

بطور کلی هر چه از شمال به جنوب ایتالیا پیش رویم به علت نزدیکی به خط استوا بر مقدار حرارت افزوده می‌شود و از مغرب به مشرق از میزان رطوبت کاسته می‌گردد.

رودها - رودهای ایتالیا از دو کوهستان آلپ و آپنین سرچشمه می‌گیرد و مهمترین آنها عبارتند از:

رود پو که از کوه‌های آلپ جاری می‌شود پس از دریافت شعبات

^۱ - Messine

متعدد از آن کوهستان و مشروب ساختن ایتالیای شمالی با جریانی ملایم به طرف دریای آدریاتیک سیر می نماید و رود **آدیجه**^۱ نیز که از کوههای آلپ سرچشمه می گیرد در شمال رود پو با دلتای وسیعی به آن دریا می ریزد. دیگر رودهای **تیبیر**^۲ و **آرنو**^۳ که هر دو از کوههای آپنین جریان یافته و به دریای تیرنی داخل می شوند.

سواحل - کناره های ایتالیای شمالی پست و کم ارتفاع و برای کشتیرانی چندان مناسب نیست، ولی برخلاف، سواحل ایتالیای شبه جزیره ای و جزایر ایتالیا اکثراً بریده و برای ایجاد بندر بسیار مساعدند. خلیجهای **ژن**^۴ و **تریست**^۵ و **تارانت**^۶ بریدگیهای مهم ساحلی این کشور را تشکیل می دهند.

جغرافیای اقتصادی ایتالیا :

کشاورزی - چون بیشتر زمینهای ایتالیا از خاکهای رسوبی و آتشفشانی بوجود آمده برای کشاورزی استعداد فراوان دارند و بعضی جلگه های ساحلی هم که سابقاً به علت وجود باتلاقها قابل بهره برداری نبود در این اواخر با خشک کردن باتلاقها به زمینهای زراعتی تبدیل گردیده اند.

دولت ایتالیا در فاصله دو جنگ جهانی با سیاست مخصوص به نام «اصلاح کامل» به ساختن سدها و حفر کانالها پرداخته و با بکار بردن ماشینهای مختلف به جای وسایل قدیمی به میزان قابل ملاحظه ای فراورده های کشاورزی خود را افزایش داده است و اکنون بیش از ۸

۱- Adige

۲- Tibre

۳- Arno

۴- Gene

۵- Trieste

۶- Tarente

درصد مساحت این کشور بایر نیست و ۹۲ درصد دیگر خاک آن را جنگل و مراتع و کشتزارها پوشانده اند.

۳۵ درصد مردم ایتالیا به کارهای کشاورزی اشتغال دارند و بر حسب تنوع آب و هوا و جنس خاک محصولات گوناگونی در این مملکت بعمل می آید که در میان آنها بخصوص گندم و ذرت و برنج و نباتات مدیترانه ای (مانند زیتون و انگور و مرکبات و توت) اهمیت بیشتری دارند.

ذرت بیشتر در جلگه رود پوکشت می گردد و ایتالیا از لحاظ محصول سالانه آن در اروپا دارای مقام اول است. **گندم** در تمام قسمتهای ایتالیا کاشته می شود و محصول سالانه آن در حدود ۸ میلیون تن می باشد و از این جهت ایتالیا در جهان در مرتبه ششم قرار دارد (پس از شوروی و چین و کشورهای متحد امریکا و هندوستان و فرانسه). **برنج** در جلگه رود پو بخصوص ناحیه **پیه منته**^۲ که جنس برنج آن بسیار مرغوب است کاشته می شود و ایتالیا بزرگترین کشور تهیه کننده برنج در اروپاست.

چاودار و **جوسیه** و **سیب زمینی** نیز در نقاط کوهستانی بخصوص در دامنه کوههای آپنین کاشته می شود، ولی محصول آن چندان زیاد نیست.

۱ - از این مقدار ۱۷ درصد جنگل، ۲۳ درصد مراتع و چمنزار و بقیه را کشتزارها بوجود آورده اند.

ایتالیا را می‌توان اساساً سرزمین درختان میوه نامید ، بخصوص انگور و زیتون که از محصولات مهم کشاورزی آن بشمار می‌رود .

ناکستانهای ایتالیا در پیهمتنه و قسمت شبه جزیره‌ای و جزیره سیسیل قرار دارد و بیشتر انگور این کشور به شراب تبدیل می‌شود که ۵۰ درصد آن به خارج صادر می‌گردد . ایتالیا از جهت میزان محصول سالانه روغن زیتون در دنیا مرتبه اول را داراست و باغهای آن اکثر در قسمت جزیره سیسیل تمرکز یافته است .

مرکبات و سایر میوه‌ها مانند زردآلو و بادام و انجیر به مقدار فراوان در جنوب ایتالیا مانند **کامپانی^۱** و **کالابریا^۲** و بویژه در شمال و مشرق جزیره سیسیل بدست می‌آید و علاوه بر رفع نیازمندیهای داخلی قسمتی از فراورده‌های آنها بخصوص پرتقال و لیمو ترش به خارج صادر می‌گردد . سبزیها که در تغذیه مردم ایتالیا اهمیت بسیار دارد به مقدار زیاد در کامپانی و امیلی حاصل می‌شود .

گیاهان صنعتی - بین گیاهان صنعتی **شاهدانه** در درجه اول اهمیت می‌باشد و در ناحیه **امیلی^۳** و اطراف شهر **نابل^۴** کاشته می‌شود . کشت **چغندر قند** در نواحی **ونسی^۵** و **امیلی** معمول می‌باشد . و کارخانه‌های قندسازی هم در همین قسمت تمرکز یافته‌اند .

کتان و توتون ، در نواحی شمال و پنبه در جنوب شبه جزیره ایتالیا حاصل می‌شود ولی محصول آنها کم و تکافوی احتیاجات داخلی را نمی‌کند .

۱- Campane	۲- Calabria	۳- Emilia
۴- Naple	۵- Venetie	

در ایتالیای شمالی کشت درختان توت رواج بسیار دارد و تربیت کرم ابریشم یکی از کارهای مهم کشاورزی می‌باشد و این کشور با محصول ۴۰ هزار تن ابریشم پس از چین و ژاپن بزرگترین تولید کننده ابریشم خام عالم است .

دامپروری و ماهیگیری - پرورش گاو در مراتع کوههای آلپ و چمنزارهای جلگه پو توسعه فراوانی دارد و کارخانه‌های متعددی برای تهیه محصولات شیر در این قسمت تأسیس گشته است .

خوک ، بیشتر در نواحی شمالی و گوسفند و بز در دامنه کوههای آپنین و اسب در نواحی جنوب شبه جزیره ایتالیا و جزایر ساردنی و سیسیل پرورش داده می‌شود .

گوشت ماهی در خوراک مردم ایتالیا تأثیر زیاد دارد و در حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر از مردم این کشور به صید ماهی در رودها و دریاها و مجاور اشتغال دارند و کشتیهای ماهیگیری برای صید تا داخل اقیانوس پیش می‌روند ولی نسبت به طول سواحل به علت کمی وسایل صید ماهی پیشرفت نکرده است .

کانها

ایتالیا از لحاظ منابع زیرزمینی بخصوص مواد سوختنی بسیار فقیر است .

زغال سنگ تقریباً در ایتالیا وجود ندارد فقط مقدار مختصری لیگنیت از کانهای **ساردنی** و **تسکان** بدست می‌آید ، به همین جهت ایتالیا $\frac{۹}{۱۰}$ زغال سنگ و کک مصرفی خود را از اروپای غربی و

مرکزی و کشورهای متحد امریکا وارد می کند .

نفت هم به مقدار کم از معادن **امیلی** استخراج می گردد .

برای جبران کمبود مواد مولد حرارت و حرکت ، از گاز متان که از جلگه رسوبی پو بدست می آید و از بخارهای گرمی که از مناطق آتشفشانی فوران می کند و **زغال قرمز** نامیده می شود و همچنین از نیروی آبشارهای کوههای آلپ و آپنین استفاده فراوان می شود .

۳- برقی که در کارخانه ها و خطوط آهن شمالی مصرف می شود از رودهای نواحی **پیه منته و لمباردیا** حاصل می گردد و ایتالیا یکی از کشورهای بزرگ تولید کننده انرژی ئیدرولیک جهان است .

آهن - ۴ آهن ایتالیا در جزیره الب استخراج می گردد که تکافوی احتیاجات داخلی را نمی کند .

از فلزاتی که مقدار آنها در ایتالیا نسبتاً فراوان می باشد عبارتند از :

جیوه و مس در تسکان ، **سرب و روی** و **بکسیت** در ساردنی ، **منگنز** در **لیگوریا** .

طلا و نقره هم به مقدار کمی از جزیره ساردنی حاصل می شود . ایتالیا از جهت مواد ساختمانی مانند خاک سرخ و گرانیت قرمز و سیمان و بخصوص مرمر بسیار غنی است و مرمر آن که بیشتر از کانه های **ماسا^۲ و کارارا^۳** در کوههای آپنین و تسکان بدست می آید بسیار زیباست و به اکثر کشورهای اروپایی فرستاده می شود .

گوگرد - به علت وجود کوههای آتشفشانی ، گوگرد در ایتالیا

فراوان می باشد و محصول آن در عالم در مرتبه دوم است (پس از کشورهای متحد امریکا) .

بیشتر گوگرد ایتالیا از معادن ناحیه **مارش^۱** و اطراف ناپل و جزیره سیسیل استخراج می گردد و بندر **کاتان** واقع در جزیره سیسیل بزرگترین بازار فروش گوگرد آن کشور است .

از معادن دیگر ایتالیا **نمک معدنی و بوراکس** قابل ذکر است که از ناحیه تسکان بدست می آید .

صنایع

ایتالیا پس از آنکه در سال ۱۸۷۱ میلادی دولت واحدی تشکیل داد درصدد برآمد که صنایع خود را توسعه داده از این راه هم معیشت سکنه کثیر خود را که محصولات کشاورزی زندگی آنها را تأمین نمی کرد فراهم سازد و هم یکی از قدرتهای بزرگ کناره دریای مدیترانه گردد . بدین منظور از ابتدای قرن بیستم دولت ایتالیا يك برنامه سیاسی برای صنعتی کردن کشور تنظیم نمود که در دوران حکومت فاشیستی شدیداً تعقیب و اجرا گردید و عبارت بود از :

« ازدیاد قدرت سیاسی به وسیله افزایش جمعیت و تغذیه سکنه زیاد کشور به وسیله توسعه صنایع و تصرف زمینهای جدید با وسایلی که صنعتی شدن کشور در اختیار حکومت می گذارد . »

بنابراین پیشرفت صنایع ایتالیا علاوه بر جنبه اقتصادی يك

موضوع انسانی و سیاسی نیز بود .

ایتالیا هرچند از کشورهای صنعتی درجه اول نیست ولی به علت وضع مقررات گمرکی خاص که ورود مواد اولیه صنعتی را آسان نموده و فراوانی کارگر و کمی مزد آنها و کوششهای فراوان دولت ، صنایع آن پیشرفت زیاد نموده است .



کانونها و مراکز صنعت ایتالیا

صنایع بافندگی - در میان رشته‌های صنعت ، پارچه‌بافی چون از صنایع قدیمی ایتالیا بوده توسعه بیشتری یافته و کارخانه‌های آن اغلب

در جلگه پو تأسیس گردیده است .

از رشته‌های بافندگی تهیه پارچه‌های ابریشم مصنوعی و طبیعی اهمیت زیادیتری دارد و از این جهت ایتالیا در اروپا مقام اول را داراست و مراکز عمده کارخانه‌های آن در شهرهای تورینو^۱ ، کم^۲ ، برگامو^۳ ، پادو^۴ قرار دارد و شهر میلانو^۵ بزرگترین بازار فروش پارچه‌های ابریشمی ایتالیا است .

بافتن پارچه‌های پنبه‌ای نیز توسعه یافته و کارخانه‌های آن بیشتر در شهرهای تورینو ، نوار (در ناحیه پیه منته) و میلانو و کم (در قسمت لمباردی) و بندر جنوا «ژن» (در ناحیه لیگوریا) متمرکز گردیده است . پارچه‌های پشمی اکثراً در کارخانه‌های شهرهای بیلا^۶ ، شیو^۷ ، و پراتو^۸ (که بترتیب در نواحی پیه منته ، ونسی و تسکان قرار دارند) بافته می‌شود .

صنایع فلزی - صنایع فلزی تحت حمایت دولت توسعه بسیار یافته ولی چون آهن و مواد سوختنی داخلی کافی نیست ، بیشتر کارخانه‌های فلزکاری در بنادری که ورود مواد اولیه خارجی به آنها آسان می‌باشد یا در جلگه پو برای استفاده از نیروی آبشارها تأسیس گشته است .

مهمترین مراکز صنایع فلزی عبارتند از : تورینو و میلانو در جلگه پو که کارخانه‌های اتوموبیل‌سازی و هواپیماسازی در آنها دایر گشته بعلاوه انواع و اقسام آلات و ادوات فلزی و ماشینهای

- | | | |
|------------|------------|-------------|
| ۱ - Turino | ۲ - Come | ۳ - Bergamo |
| ۴ - Padoue | ۵ - Milano | ۶ - Biella |
| ۷ - Schio | ۸ - Prato | |

کشاورزی می‌سازند و کارخانه‌های بزرگ اتوموبیل‌سازی **فیات**^۱ در شهر تورینو قرار دارد. ماشینهای بافندگی و لوکوموتیوسازی و لوازم راه‌آهن در شهر جنوا (ژن) و اسلحه و لوازم جنگی در شمال **رم**^۲ تهیه می‌گردد.

کشتی‌سازی که یکی از صنایع قدیم ایتالیاست پیشرفت زیاد نموده و از این حیث در اروپا مقام مهمی دارد و انواع کشتیهای جنگی و تجاری در بنادر بزرگ آن مانند **جنوا** (ژن)، **نابل**^۳ (ناپلی)، **تارانت**، و **نیز**^۴ تهیه می‌شود.

صنایع شیمیایی - صنایع شیمیایی ایتالیا در سالهای اخیر توسعه یافته و در کارخانه‌های آن که بیشتر در شهرهای تورینو و میلانو و ژن و **بولنی**^۵ متمرکز گردیده است، انواع کودهای شیمیایی و اسیدها و رنگهای مختلف و دارو و ابریشم مصنوعی تهیه می‌گردد.

صنایع غذایی - صنایع غذایی ایتالیا بسیار متنوع و پراکنده است و فراورده‌های آن از منابع ثروت اهالی بشمار می‌رود.

قندسازی در مراکز کشت چغندر قند مانند **ونس** و **امیلی** و تهیه گوشت‌های نمکسود و کنسرو سبزی و میوه و ساختن لیکور و آبجو بیشتر در شهرستانهای شمالی متداول می‌باشد.

به سبب وسعت تاکستانها و فراوانی مقدار انگور، شراب‌سازی در ایتالیا پیشرفت فراوان نموده و محصول سالانه شراب آن کشور قریب ۳۵ میلیون هکتولتر می‌باشد و از این جهت در جهان در مرتبه

۱ - Fiat ۲ - Rome ۳ - Naple
۴ - Venise ۵ - Bologne

دوم است (پس از فرانسه) و بعضی شرابیهای آن از لحاظ مرغوبیت شهرت بسزایی دارند.

برای تهیه لبنیات کارخانه‌های متعددی در محل‌های پرورش دام تأسیس گشته و کره و پنیر و روغن آن به خوبی جنس معروف است.

تهیه روغن زیتون و فروش آن به خارج یکی از منابع عمده ثروت اهالی ایتالیاست و روغن زیتون بعضی از نواحی آن کشور مانند **لیگوری** و **تسکان**^۱ معروفیت جهانی دارد.

از سایر صنایع، کاوچوسازی میلان و کاغذسازی کوهپایه‌های آلپ واجد اهمیتند.

راهها و وسایل ارتباط

تا اواخر قرن نوزدهم راههای ارتباطی ایتالیا بسیار کم و علت این امر وجود کوههای مرتفع و نبودن وحدت سیاسی بین نواحی مختلف آن کشور بود.

از ابتدای قرن بیستم دولت ایتالیا برای رفع احتیاجات اقتصادی و تسهیل جهانگردی و بسط اقتدار سیاسی به توسعه راههای حمل و نقل بخصوص راههای آهن پرداخت.

طول خطوط آهن ایتالیا در حدود ۲۴ هزار کیلومتر است که بیشتر در قسمتهای شمالی متمرکز شده است و دنباله آنها به خطوط آهن فرانسه و سویس و اتریش و یوگسلاوی می‌پیوندد. شهرهای میلانو و **بولنی** در قسمت شبه جزیره‌ای از مراکز مهم انشعاب خطوط آهن

۱ - Toscan

این کشور می باشد .

از میلانو يك رشته خط آهن به طرف مشرق کشیده شده که از بندر ونیز گذشته داخل خاک یوگسلاوی می گردد این خط از سمت مغرب به شهر تورینو امتداد می یابد و در آنجا به دو شعبه تقسیم شده یکی از طریق بندر نیس^۱ و دیگری از گذرگاههای آلپ به خطوط آهن فرانسه متصل می گردد .

از شهر میلانو نیز دو رشته خط آهن به طرف جنوب ساخته شده که يك رشته در بندر ژن به خط آهن کنار دریای تیرنی متصل می گردد و رشته دوم از راه بولنی به طرف بندر ریمینی^۲ پیش می رود و در آنجا به راه آهن کناره دریای آدریاتیک می پیوندد .

راه دیگری از شهر بولنی و از طریق فلورانس^۳ شهر رم را به خطوط آهن شمالی ارتباط می دهد .

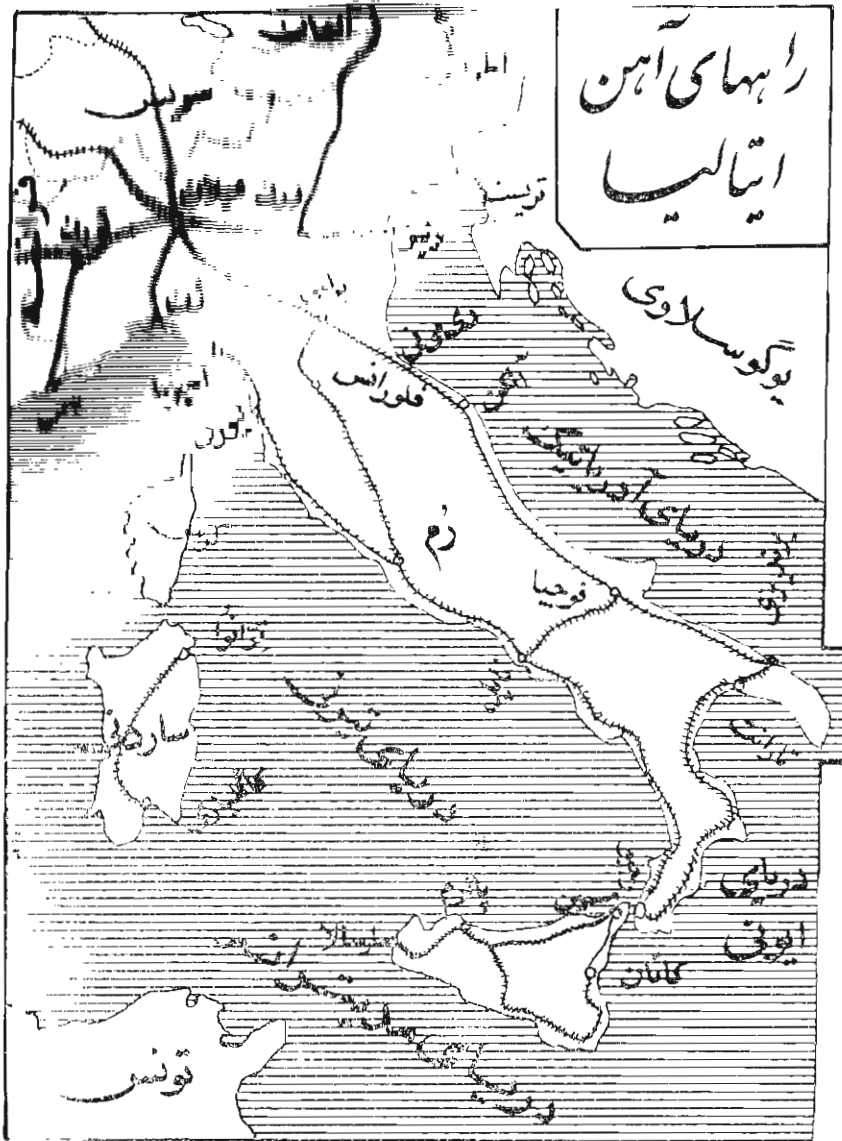
خط کناره دریای تیرنی از بندر ژن شروع شده و از بندر ناپل گذشته به بندر رجیو^۴ کناره تنگه مسین ختم می گردد .

راه آهن کناره دریای آدریاتیک از بندر ریمینی به طرف جنوب ساخته شده و از طریق بنادر آنکن^۵ و تارانت تا بندر رجیو امتداد می یابد .

خط آهن بین شهر فوجیا^۶ و بندر ناپل باعث ارتباط دو خط کناره ای شبه جزیره ایتالیا می گردد .

در جزیره سیسیل چند رشته خط آهن بنادر مهم آن مانند مسین

- | | | |
|-----------|-----------|-------------|
| ۱- Nice | ۲- Rimini | ۳- Florence |
| ۴- Reggio | ۵- Ancone | ۶- Foggia |



راههای آهن ایتالیا

و پالرم^۱ و کاتان^۲ و مارسالا^۳ را به هم متصل می سازد .

در جزیره ساردنی يك رشته خط آهن بندر ترانوا^۴ در شمال ، این جزیره را به بندر کالیاری^۵ در جنوب آن متصل می نماید .

راههای آبی داخلی - رودخانه پو بزرگترین راه آبی داخلی ایتالیاست و مهمترین وسیله صدور مصنوعات شهرهای صنعتی کنار آن به خارج می باشد و به وسیله چند کانال بعضی شعبات این رود را به یکدیگر مربوط ساخته اند . قسمت سفلی رودهای آدیژ و تیبر و آرنو قابل کشتیرانی است .

راههای آبی خارجی - مردم ایتالیا به علت موقعیت طبیعی و قرار گرفتن این کشور در دریای مدیترانه از قدیم الایام دریانورد بوده اند و بنادر آن محل توقف کشتیها و مرکز مبادلات تجارتي بشمار می رفته است . ایتالاییها در ازمنه گذشته برای سیاحت و یا تجارت در دریاها پیش رفته و بسیاری از نقاط مجهول جهان را کشف نموده اند .

اکنون هم ایتالیا یکی از کشورهای بزرگ دریایی است و بازرگانی خارجی آن بیشتر از راه دریا و به وسیله کشتیهای آن انجام می گیرد .

راههای هوایی - راههای هوایی ایتالیا در سالهای اخیر توسعه یافته و خطوط هوایی آن باعث اتصال شهرهای داخلی و بنادر و ارتباط آنها با کشورهای خارج می گردد .

بازرگانی

تجارت خارجی ایتالیا در سالهای اخیر رونق بسیار یافته و از این

۱ - Palerme

۲ - Catan

۳ - Marsala

۴ - Tarranova

۵ - Cagliari

جهت نهمین کشور عالم بشمار می رود و بایشتر ممالک دنیا مبادلات بازرگانی دارد .

واردات عمده ایتالیا عبارتند از : غلات^۱ و زغال سنگ و نفت و مواد اولیه صنعتی بخصوص آهن و پنبه و کائوچو و ۵ درصد صادرات آن اشیای ساخته شده بویژه پارچه و بقیه را محصولات کشاورزی و غذای مانند میوه و سبزی و کنسرو و شراب و روغن زیتون و پاره ای مواد اولیه مثل گوگرد تشکیل می دهد . تجارت آن در مرتبه اول با کشورهای آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان و آرژانتین سپس با سایر کشورها ، جهان می باشد .

چون میزان صادرات ایتالیا کمتر از واردات آن است این کشور کسر بودجه خود را از عایدات غیر مستقیم مانند حق عبور کالا به کشورهای اروپای مرکزی که به دریا راه ندارند (حق ترانزیت) و پوها^۲ مسافران خارجی برای مشاهده آثار تاریخی و سیاحت و گردش در شهرهای زیبای آن کشور مانند ونیز و فلورانس و همچنین برای دیدار پاپ و ... واتیکن از لحاظ مذهبی خرج می کنند و یا پولهایی که مهاجران ایتالیایی از سایر کشورها برای خانواده های خود می فرستند تأمین می نمایند .

۱ - با و - و - و آنکه ایتالیا یکی از کشورهای بزرگ تولید کننده گندم

است ولی به علت اثرات جمعیت محصول آن تکافوی احتیاجات داخلی را نمی دهد و بناچار هر سال صادرات گندم از خارج وارد می کند .

در بعضی سالها چندین هزار زلزله در آنجا اتفاق می افتد. گاهی چندصد زلزله در يك مكان رخ می دهد و خسارات و تلفات زیاد وارد می نماید.

آب وهوا و رودها و کناره ها - به علت بریدگیهای زیاد ساحلی رطوبت دریاهاى مجاور تقسمتهای مرکزی جزایر ژاپن تأثیر نموده و بارانهای فراوان تولید می کند. ارتفاع باران سالانه خشکترین نقاط ژاپن از ۷۵ سانتیمتر کمتر نیست، در شمال غربی ژاپن که در معرض وزش بادهای مرطوب زمستانی دریای ژاپن قرار دارد، و در جنوب شرقی که بادهای تابستانی اقیانوس آرام می وزد، میزان باران سالانه از ۱/۷ متر تجاوز می کند.

بطور کلی هر چه از شمال به جنوب پیش رویم به جهت نزدیکی به خط استوا آب وهواى جزایر ژاپن گرمتر می شود چنانچه آب وهواى جزیره هکایدو سرد و جزیره هنشو ملایم و جزایر شیکوکو و کیوشو آب و هوای گرم و مرطوب دارد.

به علت بارندگی فراوان رودهای متعدد در ژاپن جریان دارد ولی به جهت کمی عرض جزایر آن کشور سیلابی و کوتاهند. سواحل ژاپن بسیار بریده و به واسطه عمق کافی برای ایجاد بندر و کشتیرانی مساعدند و ارتباط اغلب نقاط آن کشور از راه دریا انجام می گیرد.

جغرافیای اقتصادی ژاپن :

کشاورزی - پیش از آنکه زندگانی صنعتی در ژاپن شروع شود

ژاپن

نگاهی به وضع طبیعی ژاپن

حدود و مساحت - ژاپن از جزایر متعدد آتشفشانی تشکیل شده است که اهم آنها عبارت است از :

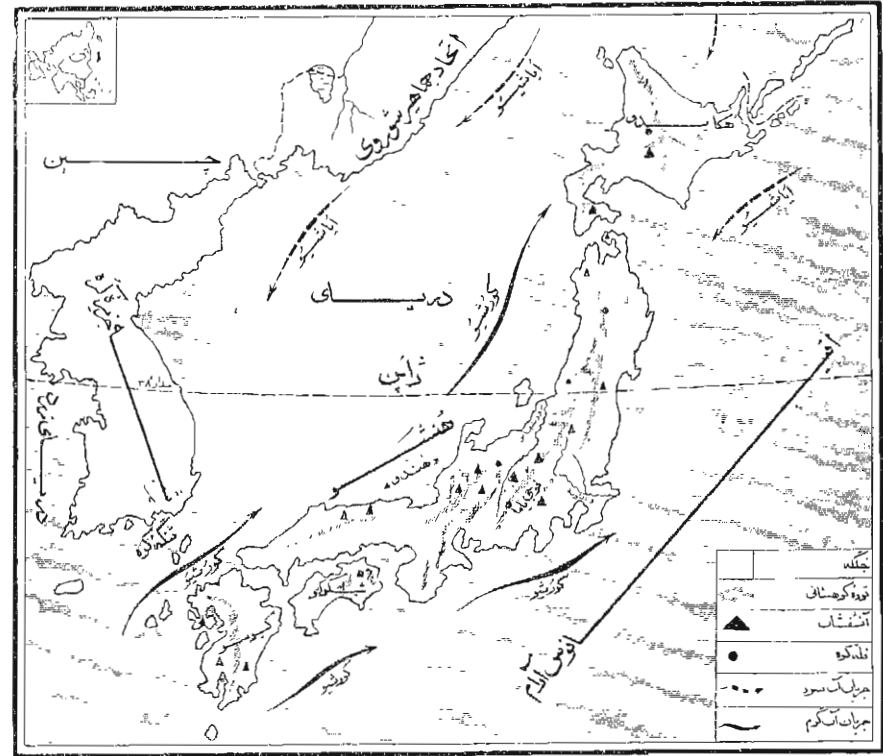
هکایدو^۱ در شمال، هنشو^۲ در مرکز، شیکوکو^۳ و کیوشو^۴ در جنوب.

ژاپن ۳۶۸۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۹۷ میلیون نفر جمعیت دارد. از شمال به دریای اختسک، از مغرب به دریای ژاپن، از جنوب به دریای چین و از مشرق به اقیانوس آرام محدود می گردد.

پستی و بلندی - دو رشته کوهستان آتشفشانی از شمال به جنوب به موازات یکدیگر در تمام جزایر ژاپن کشیده شده و قسمت بزرگی از خاک این کشور را فرا گرفته است.

در بین دو رشته کوهستان ژاپن دره باریک و طولی واقع شده که در آن دریاچه های متعدد بوجود آمده است.

زلزله در جزایر ژاپن بخصوص سواحل اقیانوس آرام بسیار است و



ناهمواریهای ژاپن

بیشتر اهالی آن به امور کشاورزی اشتغال داشتند ، امروز هم با وجود پیشرفت صنایع جدید ، کشاورزی از ارکان مهم حیات اقتصادی آن کشور بشمار می رود .

با وجودی که بیش از ۲۰ درصد خاک ژاپن برای کشاورزی مساعد نیست ولی به علت داشتن خاکهای آتشفشانی حاصلخیز و استعمال

کودهای شیمیایی کشاورزان زحمتکش آن کشور حداکثر استفاده را از زمینهای خود کرده و محصول بسیاری از آن بدست می آورند .
بر اثر کمی وسعت کشتزارها محصولهای کشاورزی برای جمعیت زیاد ژاپن کافی نیست و این کشور ناگزیر کمبود آنها را از خارج وارد می کند .

به سبب کثرت متولدان هر سال در حدود یک میلیون نفر بر جمعیت ژاپن افزوده می شود و بطور متوسط در هر کیلومتر مربع از خاک آن ۲۴۰ نفر زندگانی می کنند . پراکندگی نفوس در همه جا یکسان نیست ، نقاط کوهستانی تقریباً خالی از جمعیت است و در جلگه ها که مرکز کشاورزی و صنعت می باشد جمعیت زیادی متراکم است ، چنانچه شهر توکیو^۱ پایتخت ژاپن با حومه قریب ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد و در هریک از شهرهای یوکوهاما^۲ ، کوبه^۳ ، کیوتو^۴ ، ناگویا^۵ ، ازاکا^۶ از یک تا سه میلیون نفر زندگی می کنند . چون جزایر کوهستانی ژاپن استعداد تأمین زندگانی جمعیت کثیر آن را ندارد هر سال عده ای از مردم آن کشور به خارج مهاجرت می کنند .

خرده مالک در ژاپن فراوان است و بیشتر خانواده های روستایی مالک زمینهای مزروعی خود می باشند و تمام افراد خانواده ها در کشت و برداشت محصول شرکت می کنند .

چون برنج خوراک اصلی مردم ژاپن می باشد ، نصف زمینهای

- | | | |
|----------|-------------|----------|
| ۱- Tokyo | ۲- Yokohama | ۳- Kobe |
| ۴- Kyoto | ۵- Magoya | ۶- Osaka |

کشاورزی برای کشت آن بکار می‌رود. نواحی جنوبی و مرکزی کشور تا حوالی توکیو مهمترین مرکز کشتزارهای برنج است و زمینها تا ارتفاع ۷۰۰ متر به کشت برنج اختصاص یافته است. از توکیو به طرف شمال به جهت عدم مساعدت آب و هوا جز در پاره‌ای نقاط برنج کاشته نمی‌شود.

محصول سالانه برنج ژاپن در حدود ۱۵/۵ میلیون تن است و از این جهت سومین کشور عالم می‌باشد (پس از چین و هندوستان)، ولی به علت کثرت سکنه، این مقدار بیش از ۹۰ درصد احتیاجات داخلی را تکافو نمی‌کند.

غیر از جزیره هکایدو و شمال جزیره هنشو در سایر نواحی ژاپن کشت برنج و سایر غلات بطور تناوب انجام می‌گیرد یعنی پس از برداشت محصول برنج در مزارع آن نباتات دیگر بخصوص **گندم** و **جو** و **ارزن** کاشته می‌شود ولی مقدار آنها نیز کافی نیست و نیازمندیهای داخلی را تأمین نمی‌کند.

سبزی و مرکبات - سبزیها بخصوص سیب زمینی و باقلا و **لوبیای قرمز** در ژاپن بسیار کشت می‌گردد و در تغذیه مردم آن کشور تأثیر بسزایی دارد و از این راه تا حدی کمبود غلات جبران می‌شود. کشت مرکبات بخصوص نارنگی توسعه فراوان دارد و قسمتی از محصول آن به صورت کنسرو به خارج صادر می‌گردد.

گیاهان صنعتی - به علت کمی وسعت زمین بجز **چای** و درخت **توت** کشت سایر نباتات صنعتی توسعه نیافته است.

چای یکی از محصولات مهم ژاپن می‌باشد و مقدار زیادی از آن پس از رفع احتیاجات داخلی به خارج صادر می‌گردد. محصول چای در حدود ۵۰ میلیون کیلوست، و از این حیث ژاپن در عالم در مرتبه پنجم قرار دارد (پس از کشورهای: چین، هندوستان، سیلان و اندونزی).

درخت توت در شمال و جنوب ژاپن بسیار کم و کشت آن به ژاپن مرکزی اختصاص دارد. $\frac{۲۲}{۳۳}$ کشاورزان آنجا به تربیت کرم ابریشم اشتغال دارند و از جهت تهیه ابریشم خام ژاپن با محصول سالانه ۳۰۰ میلیون کیلوگرم مقام اول را در جهان حائز است.

نیشکر در جزایر جنوبی و **چغندر قند** در نواحی شمال و پنبه در قسمتهای مرکزی و توتون در اکثر نقاط بغیر از جزیره هکایدو کاشته می‌شود ولی محصول آنها برای مصرف داخلی کافی نیست.

جنگل - ۵۰ درصد، خاک ژاپن را جنگل فرا گرفته که از چوبهای آن برای ساختن منازل و تهیه کاغذ و کبریت و سایر مصارف صنعتی استفاده فراوان می‌نمایند. درخت **کافور** که محصول آن در انحصار دولت و یکی از صادرات مهم ژاپن است در جنگلهای آن کشور فراوان است.

دامپروری و ماهیگیری - دامپروری بر اثر تعلیم بودا مبنی بر اینکه باید از کشتار دامها و خوردن گوشت آنها اجتناب نمود، و کمی مراعات، توسعه نیافته و در عوض چون ماهی یکی از منابع مهم تغذیه اهالی است صید آن رواج بسیار دارد. در حدود دوهیلمیون نفر از مردم آن کشور در سواحل و نقاط دور دست به صید ماهی اشتغال دارند، و سالانه در حدود ۳ تا ۴ میلیون تن ماهی صید می‌کنند و در کناره‌های

جزایر شیکوکو و کیوشو مروارید و مرجان فراوان نیز بدست می آید .
کانها - ژاپن از لحاظ منابع کانی بجز مس و گوگرد ضعیف است .
 مقدار مختصری از معدن **آکیتا**^۱ و **نیگاتا**^۲ در شمال غربی جزیره
 هنشو بدست می آید و کارخانه های تصفیه نفت هم مجاور مراکز استخراج
 نفت تأسیس گشته اند ولی محصول آن بیش از ۶ درصد احتیاجات داخلی
 را تأمین نمی کند .

زغال سنگ در مغرب جزیره کیوشو و جنوب جزیره هکایدو و
 شمال هنشو استخراج می گردد و محصول آن ۵۰ میلیون تن می باشد
 که از این حیث ژاپن در آسیا مرتبه اول و در جهان در درجه هفتم قرار
 دارد (پس از کشورهای متحد امریکا ، شوروی ، انگلستان ، آلمان ،
 لهستان و فرانسه) ولی مقدار آن برای رفع نیازمندیهای داخلی کافی
 نیست .

کمی مواد سوختنی در ژاپن به وسیله استفاده از **زغال سفید**
 که کوههای ژاپن برای تهیه آن بسیار مساعد است ، جبران می شود و
 تقریباً تمام خطوط آهن و بیشتر کارخانه های ریسندگی آن کشور با
 نیروی حاصله از نیروی آبشارها کار می کند و ژاپن سومین تهیه کننده
 انرژی هیدرولیک جهان (پس از کشورهای متحد امریکا و کانادا)
 می باشد .

مس در جزایر شیکوکو و هنشو بخصوص در شمال شهر توکیو
 استخراج می شود و محصول آن برای مصرف داخلی ژاپن کفایت می کند
 ولی مقدار آهن ، سرب ، روی ، منگنز و بوکسیت که بیشتر از جزیره

هنشو حاصل می شود احتیاجات صنعتی آن کشور را تأمین نکرده و کمبود
 آنها را از خارج وارد می نمایند .

گوگرد به سبب وجود کوههای آتشفشانی در ژاپن فراوان
 می باشد و از این جهت در عالم در مرتبه سوم قرار دارد (پس از
 کشورهای متحد امریکا و ایتالیا) و بیشتر از جزایر هنشو و هکایدو بدست
 می آید .

صنایع - صنایع ژاپن بر دو قسم است : **صنایع بومی** و **صنایع جدید** .
 صنایع بومی عبارت است از ساختن ظرف چینی و برنز و تهیه لاک
 و پارچه های پشمی و ابریشمی و قالی و حصیر و بادبزنها و زیبا و
 قلابدوزی روی پارچه و غیره که قبل از انقلاب اقتصادی ژاپن در
 اواخر قرن نوزدهم توسعه بسیار داشته و پس از آن نیز با سبک جدید
 تکمیل گردیده است و فراورده های آن قسمت بزرگی از صادرات ژاپن
 را تشکیل می دهد .

صنایع جدید کارخانه های از سال ۱۸۷۰ به وسیله دولت متداول
 گردید و به کمک سرمایه داران داخلی بسرعت پیشرفت نموده و اکنون
 ژاپن یکی از کشورهای بزرگ صنعتی عالم است .

صنایع کارخانه های ژاپن مولود قدرتهای ملوک الطوائفی آن کشور
 می باشد ، یعنی کمپانیهای بزرگ محدودی که اشراف قدیمی تشکیل
 داده اند بیشتر صنایع آن را بوجود آورده و بر آنها حکمفرمایی
 می کنند ، مثلاً کمپانی بزرگ **میتسوئی**^۱ اکثر صنایع استخراجی و
 فلزکاری و ریسندگی را در اختیار دارد و کمپانی **میتسوبیشی**^۲ بر بیشتر

صنایع شیمیایی و شرکت‌های دریایی نظارت می‌کند .

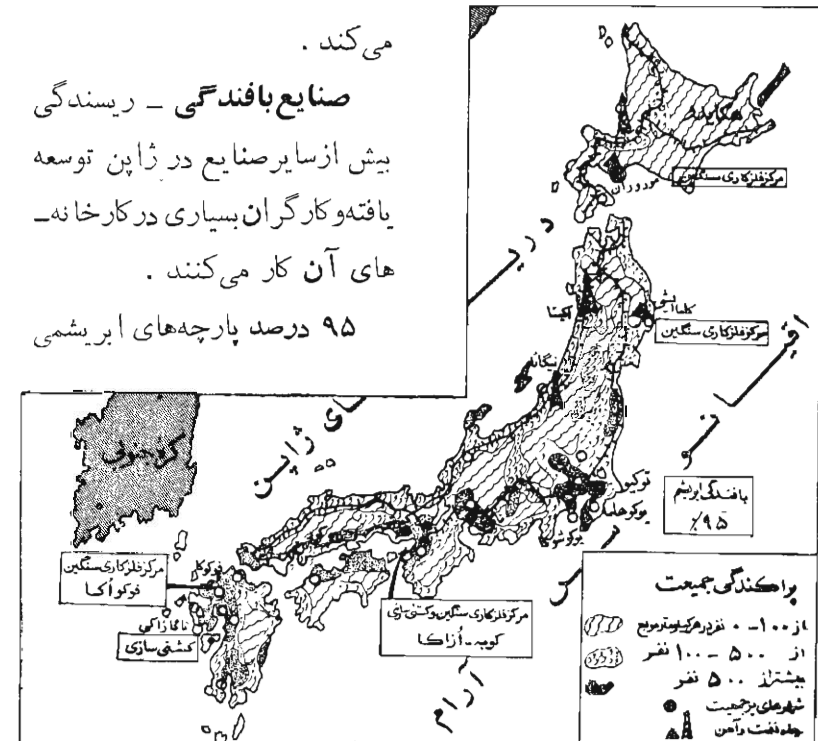
این کمپانی‌های بزرگ با سرمایه کافی در مدت کوتاهی موفق گردیده‌اند که تمام تشکیلات علمی اروپایی و آمریکایی را به کشور خود وارد نمایند و چون کارگران ژاپنی که تعداد آنها از زن و مرد به شش میلیون نفر می‌رسد و روزانه ۱۲ ساعت با مزد کمی که نصف مزد کارگران امریکاست کار می‌کنند ، محصولات ژاپن با بهای ارزان تهیه شده و در بازارهای جهان با اجناس ممالک بزرگ صنعتی رقابت

می‌کند .

صنایع بافندگی - ریسندگی

بیش از سایر صنایع در ژاپن توسعه یافته و کارگران بسیاری در کارخانه‌های آن کار می‌کنند .

۹۵ درصد پارچه‌های ابریشمی



پراکندگی جمعیت و اقتصاد در ژاپن

در کارخانه‌های یوکوهاما تهیه می‌شود و این بندر ، بزرگترین محل صدور آن است .

مدتها ژاپن بزرگترین تهیه کننده پارچه‌های ابریشمی در جهان بود ولی اکنون در عالم مقام دوم را حائز است (پس از کشورهای متحد امریکا) .

پارچه‌بافی پنبه‌ای نیز پیشرفت فراوان نموده و از این لحاظ ژاپن در مرتبه سوم در دنیا قرار گرفته است (پس از انگلستان و کشورهای متحد امریکا) و شهرهای **ناگويا** و **کوبه** و به خصوص **ازاکا** که منچستر ژاپن نامیده می‌شود ، مهمترین مرکز تهیه پارچه‌های پنبه‌ای می‌باشد .

صدور پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی که $\frac{2}{3}$ فرستاده‌های ژاپن را تشکیل می‌دهد یکی از منابع بزرگ ثروت آن کشور است .

چون محصول پنبه ژاپن مصرف کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی آن را تأمین نمی‌کند لذا هر سال در حدود نیم میلیون تن پنبه از خارج مخصوصاً از کشورهای متحد امریکا و در درجه دوم از چین و هندوستان خریداری می‌شود .

بافتن پارچه‌های پشمی سابقاً در ژاپن معمول نبود و از سال ۱۹۳۵ میلادی به بعد متداول گردیده و هنوز مانند بافت پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای پیشرفت ننموده است . پشم مورد نیاز این صنعت از استرالیا خریداری می‌شود و از طریق بنادر یوکوهاما و کوبه وارد ژاپن شده و برای مصرف کارخانه‌های ریسندگی فرستاده می‌شود .

به واسطه پیشرفت صنایع شیمیایی تهیه ابریشم مصنوعی و ریسندگی

آن نیز توسعه فراوان دارد و از این حیث ژاپن پس از کشورهای متحد آمریکا قرار گرفته است .

صنایع فلزی - برای رشته‌های مختلف صنایع فلزی بخصوص کشتی‌سازی و هواپیما سازی که توسعه بسیار یافته کارخانه‌های متعدد در ژاپن دایر گردیده است .

اولین کارخانه ذوب آهن در سال ۱۹۰۱ میلادی به وسیله دولت در جزیره کیوشو نزدیک کانهای زغال سنگ تأسیس شد و اکنون هم ۸۰ درصد چدن و ۶۰ درصد فولاد ژاپن در شهر **فوکوکا**^۱ واقع در این جزیره بدست می‌آید ، در شهر **موروران**^۲ واقع در جنوب جزیره هکایدو و در شهر **کاماایشی**^۳ در شمال شرقی ، مجاور کانهای زغال سنگ نیز کارخانه‌هایی برای گداختن فلزات وجود دارد که در درجه دوم اهمیت هستند . بنادر **ناگازاکی**^۴ و کوبه و ازاکا مهمترین مراکز تهیه کشتیهای بازرگانی می‌باشند و کشتیهای جنگی که در اختیار دولت است بیشتر در بنادر **کوره**^۵ و **یوکوشوکا**^۶ ساخته می‌شود . شهر ناگویا بزرگترین محل هواپیما سازی و لوکوموتیو سازی ژاپن می‌باشد و در شهرهای توکیو ، ازاکا ، موروران انواع و اقسام اتوموبیل و ماشینهای مختلف و دو چرخه و لوازم راه آهن و اسلحه ساخته می‌شود .

صنایع غذایی - صنعت قند سازی در ژاپن پیشرفت نموده و کارخانه‌های آن بیشتر در قسمت شمالی آن کشور مجاور کشتزارهای چغندر قند تمرکز یافته است .

۱ - Fukuoka	۲ - Muroran	۳ - Kamaishi
۴ - Nagasaki	۵ - Kure	۶ - Yokoshuka

فراوانی مرکبات بخصوص نارنگی سبب ایجاد صنعت بزرگ کنسرو سازی در ژاپن گردیده و هر سال مقدار زیادی نارنگی به صورت کنسرو در قوطیهای سربسته به خارج فرستاده می‌شود .

چون ماهی بیش از مصرف داخلی صید می‌شود قسمتی از آن در کنسرو سازی و بقیه برای تهیه ماهیهای خشک و نمکسود و سایر محصولات مربوط به ماهی بکار می‌رود .

برای سایر صنایع بخصوص کبریت سازی، کاغذ سازی، ساعت سازی و ساختن دارو و رنگها و لوازم الکتریکی و تهیه اسباب بازیهای گوناگون کارخانه‌های متعددی در شهرهای بزرگ تأسیس شده که محصول آن از صادرات مهم ژاپن است .

وسایل حمل و نقل - راههای ژاپن همراه با پیشرفت امور اقتصادی توسعه بسیار یافته است .

در اواخر قرن نوزدهم اولین خط آهن به طول ۲۸ کیلومتر بین شهرهای یوکوهاما و توکیو ساخته شد ، پس از آن سرعت کشیدن خطوط آن در ژاپن پیشرفت نمود . اکنون طول خط آهن آن کشور در حدود ۲۴۰۰۰ کیلومتر می‌باشد که بیشتر در امتداد کوههای ساحلی از شمال به جنوب کشیده شده و شهرها و بنادر را به یکدیگر مربوط می‌سازد .

اکثر رودخانه‌های ژاپن به علت کوتاهی و شیب فراوان برای کشتیرانی مساعد نیستند ولی در عوض حمل و نقل در دریاچه‌های داخلی اهمیت زیاد دارد .

قسمت عمده بازرگانی خارجی و داخلی ژاپن از راه دریا انجام

می‌گیرد و حیات اقتصادی آن به راه‌های دریایی بستگی دارد، ظرفیت کشتیهای ژاپن در سال ۱۹۳۰ میلادی شش میلیون تن و از این حیث سومین کشور جهان (پس از کشورهای متحد آمریکا و انگلستان) بود ولی به علت شکست در جنگ دوم جهانی قسمت عمده کشتیهای خود را از دست داد و اکنون گنجایش کشتیهای آن از ۳ میلیون تن تجاوز نمی‌کند.

بازرگانی

با بسط صنایع در ظرف نیم قرن اخیر به بازرگانی خارجی ژاپن صد برابر افزوده گردیده است، مخصوصاً بین دو جنگ جهانی اول و دوم دایره بازرگانی آن، توسعه فراوان یافت. فراورده‌های صنعتی این کشور که با بهای ارزان بدست می‌آید با جلب مشتری فراوان امروزه رقیب بزرگی برای محصولات صنعتی کشورهای دیگر بشمار می‌آید.

واردات مهم ژاپن عبارتند از: مواد اولیه صنعتی مانند پنبه، پشم، نفت، کائوچو، آهن؛ و مواد غذایی، مثل: برنج، گندم و قند؛ و صادرات عمده آن را اشیای ساخته شده فلزی و پارچه و کنسرو و آبجو و چای و ابریشم تشکیل می‌دهد.

تجارت خارجی ژاپن تقریباً به چند بندر بزرگ ناکازاکی و کوبه و ازاکا، مخصوص تجارت کشورهای آسیا؛ و یوکوهاما برای بازرگانی با قطعه آمریکا، منحصر گردیده است.

ژاپن در اواخر قرن نوزدهم به واسطه افزایش جمعیت درصدد

تهیه مهاجر نشین و مستعمرات برآمد و در نتیجه چند رشته جنگ و اعمال نفوذ سیاسی قسمتی از خاک چین و برخی از جزایر اقیانوس آرام را تصرف نمود و در جنگ دوم جهانی آهنگ فتح هندوستان و تمام چین را کرد و می‌خواست امپراطوری عظیمی شامل نصف جهان تشکیل دهد ولی به علت انفجار اولین بمب اتمی در شهر هیروشیما^۱ و شکست در جنگ علاوه بر اینکه به مقصد خود توفیق نیافت تمام مستعمرات سابق خویش را با قسمتی از خاک خود به نفع دول فاتح از دست داد.

نگاهی به وضع طبیعی چین :

حدود و مساحت - خاک چین که قسمت بزرگی از آسیای مرکزی و شرقی را فرا گرفته در حدود ۱۰ میلیون کیلو متر مربع وسعت دارد و در آن ۷۵۰ میلیون نفر زندگی می کنند . چین پر جمعیت ترین کشور عالم است . این کشور از شمال به مغولستان و شوروی ، از مغرب به ترکستان شوروی و هندوستان ، از جنوب به هندوچین و بیرمانی و هندوستان ، و از مشرق به کره و خلیجها و دریا های کنار اقیانوس آرام محدود می شود و شامل پنج قسمت : چین اصلی ، منچوری ، مغولستان ، ترکستان شرقی (سین کیانگ) و تبت است .

الف - چین اصلی :

چین اصلی به سه قسمت شمالی و مرکزی و جنوبی تقسیم می شود که هر قسمت دارای خصوصیات جداگانه ای به شرح زیر است :

۱ - ناحیه شمالی در مشرق از جلگه وسیعی تشکیل شده است و در مغرب آن فلاتهای متعدد وجود دارد که به صحرای مغولستان

منتهی می گردد ؛ قسمتی از چین شمالی از خاک نرم حاصلخیز زرد رنگی که قطر آن در بعضی نقاط به ۶۰۰ متر می رسد پوشیده شده است .

این ناحیه به نام زمین زرد معروف می باشد و رودخانه ای که از آن عبور می کند چون آبش به رنگ زرد درمی آید به نام **هوآننگهوا**^۱ (رود زرد) معروف است .

رود زرد که در جلگه همواری جریان دارد ، غالباً در موقع طغیان تغییر مسیر داده باعث خرابی و خسارت فراوان می شود .

۲ - ناحیه مرکزی که به نام بهشت خوانده می شود دارای جمعیت بسیار است و از جلگه های رسوبی بسیار حاصلخیزی که به وسیله **یانگ تسه کیانگ**^۲ مشروب می شود ، تشکیل یافته است .

قسمتی از زمینهای چین مرکزی از رسوبات قرمز رنگی پوشیده شده که به نام **حوضه سرخ** معروف می باشد و حاصلخیزی آن در چین ضرب المثل است و از کشتزارهای آن سالی چهار بار محصول برمی دارند .

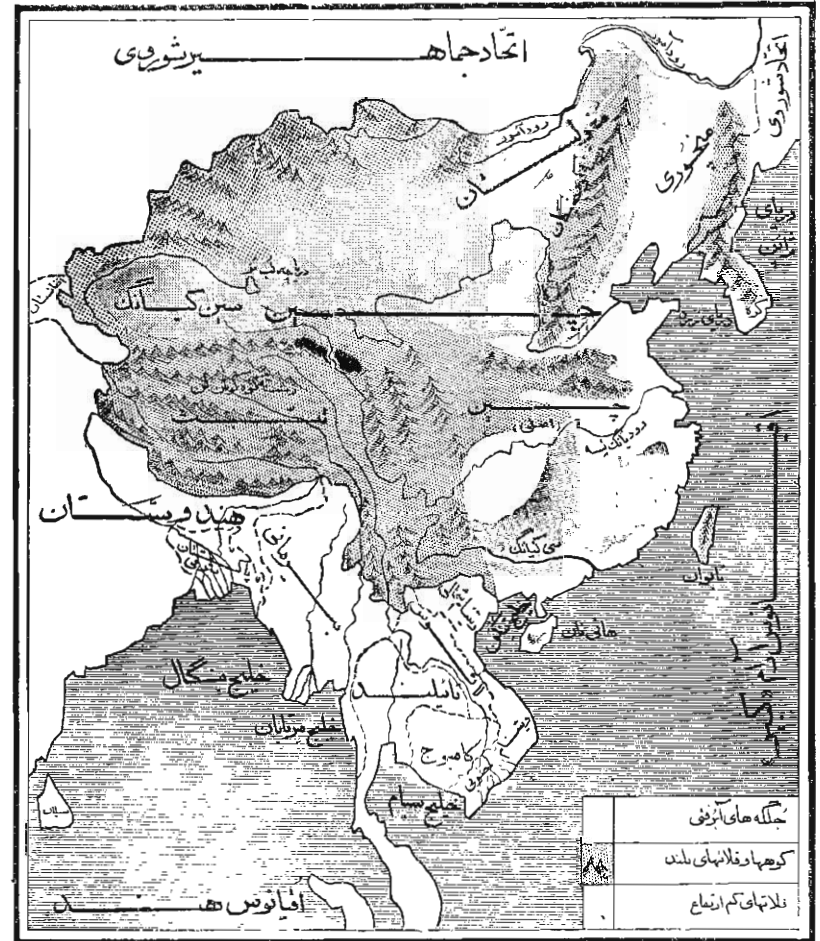
۳ - چین جنوبی ناحیه ای است کوهستانی و مهمترین کوههای آن **یون نان**^۳ و **نانشان**^۴ می باشد .

دامنه مرتفعات چین جنوبی از جنگلهای بلوط و شاه بلوط و درخت کافور و خیزران پوشیده شده و **سی کیانگ**^۵ این قسمت را مشروب می نماید .

آب وهوا^۱ - چین اصلی به علت شرایط طبیعی مختلف آب و

۱ - Hoangho ۲ - Yang-Tsé-Kiang ۳ - Yun - Nan
۴ - Nanshan ۵ - Si - Kiang

هوای گوناگون دارد ، ناحیه شمالی آن دارای آب و هوای برّی شدید است و زمستانهای آن به علت وزش بادهای سیری فوق العاده



ناهمواربهای چین

سرد و خشک و تابستانهایش بر اثر جریان بادهای موسمی اقیانوس

آرام ، گرم و مرطوب است . چون فصل باران ناحیه شمالی تاستان است ، این امر موجب حاصلخیزی فراوان آن گردیده است ، آب و هوای ناحیه مرکزی ملایم و باران آن در فصول تاستان و زمستان می بارد . این قسمت از چین بر اثر آب و هوای مساعد و باران کافی همراه با پشتکار کشاورزان چینی ، یکی از پر نعمت ترین مناطقی جهان را از نظر کشاورزی بوجود آورده است ، در ناحیه جنوبی زمستانها ملایم و تابستانها گرم و بارندگی فراوان است بطور کلی هر چه از شمال به جنوب پیش رویم به جهت نزدیکی به خط استوا بر مقدار حرارت افزوده می شود و از مشرق به مغرب بر اثر دوری از اقیانوس از میزان رطوبت کاسته می گردد .

سواحل - کناره های چین اصلی در شمال پست و مستقیم و باتلاقی و برای کشتیرانی مساعد نمی باشد ولی بعکس در جنوب کناره ها سنگی و مرتفع و دارای بریدگیهای بسیار است به همین جهت برای ایجاد بندر و امر دریانوردی مناسب می باشد.

جغرافیای اقتصادی چین اصلی :

کشاورزی - چین اصلی سرزمینی است کشاورزی و زندگی مردم آن کشور بیشتر از راه کشاورزی تأمین می گردد . زمینهای آن به قطعات کوچک تقسیم شده و در هر قطعه خانواده ای به کشت اشتغال دارد . $\frac{2}{3}$ مردم چین روستایی و بزرگروند . چون به علت عقاید دینی نگاهداری حیوانات اهلی در چین رواج ندارد و از دامها برای کارهای کشاورزی تقریباً استفاده نمی شود ، بزرگران چین زمینهای زراعتی

خود را بیشتر مانند باغ بیل می‌زنند و در مزارع بزرگ از تراکتور و ماشینهای کشاورزی استفاده می‌نمایند. هر قسمت از زمینهای مزروعی چین به کشت گیاه مخصوصی که در آن شرایط طبیعی محصول بیشتری می‌دهد اختصاص یافته و کشاورزان چینی از زمینهای خود در سال چند مرتبه محصول برمی‌دارند. مثلاً پس از برداشت محصول گندم و برنج در جای آن شلغم و لوبیا که زمستان محصول می‌دهد می‌کارند. محصولات مهم کشاورزی چین اصلی که فراورده‌های آنها اقلام بزرگی را تشکیل می‌دهد عبارتند از: برنج، نیشکر، پنبه، جو، ارزن، دانه‌های روغنی و ابریشم.

از میان غلات، کشت برنج در مرتبه اول اهمیت قرار گرفته و نصف زمینهای مزروعی چین مرکزی و جنوبی به کشت آن اختصاص یافته است؛ محصول برنج سالانه چین اصلی در حدود ۴۷ میلیون تن می‌باشد که قسمتی از آن علاوه بر رفع احتیاجات داخلی به خارج فرستاده می‌شود.

گندم که محصول سالانه آن نزدیک ۲۵ میلیون تن است بیشتر در ناحیه شمالی بخصوص در اطراف رود هواآنگو کاشته می‌شود و کشت ذرت و ارزن نیز با آن همراه است.

چای که محصول سالانه آن بین ۴۰۰ تا ۳۵۰ میلیون کیلوست و پنبه با محصول سالانه ۲ میلیون تن بیشتر در ناحیه مرکزی بخصوص در دره رود یانگ تسه کاشته می‌شود.

کشت مرکبات و سبزیها نیز در ناحیه جنوبی و مرکزی توسعه یافته است.

کاشتن درختان توت که برگ آن برای تغذیه کرم ابریشم بکار می‌رود، در ناحیه جنوبی اهمیت بسیار دارد؛ و هردهقان در منزل خود که از چوب خیزران ساخته اتاقی به تربیت کرم ابریشم اختصاص داده است.

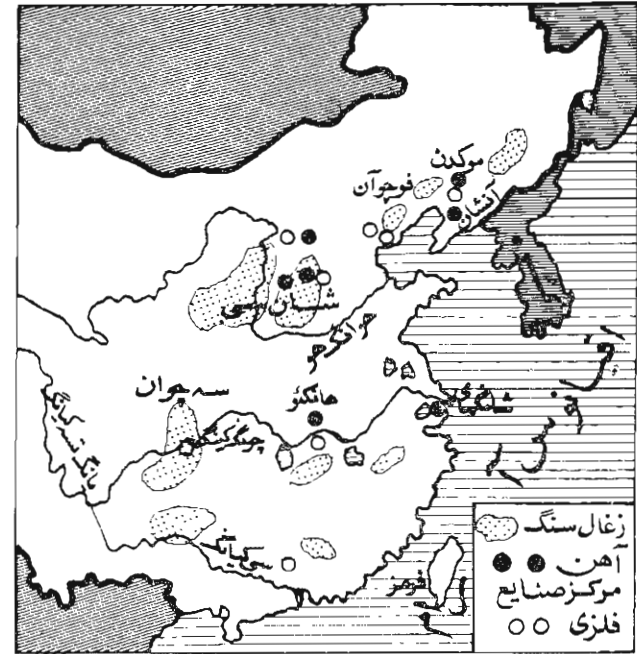
$\frac{1}{4}$ ابریشم خام عالم در ناحیه جنوبی چین بخصوص در دره سی کیانگ تهیه می‌شود و ساکنان دره این رود سالی چند مرتبه پیله ابریشم بدست می‌آورند. محصول سالانه پیله چین اصلی در حدود ۲۰۰ میلیون کیلوگرم است.

چین اصلی از لحاظ محصول برنج و ارزن و چای در عالم در مرتبه اول و از جهت مقدار گندم و جو و ذرت و توتون و ابریشم و دانه‌های روغنی ردیف دوم (گندم و جو پس از شوروی ذرت و توتون بعد از کشورهای متحد امریکا و ابریشم پس از ژاپن و دانه‌های روغنی پس از آرژانتین) و از جهت مقدار نیشکر و پنبه در درجه سوم در دنیا قرار گرفته است (نیشکر پس از کوبا و هندوستان، و پنبه بعد از کشورهای متحد امریکا و شوروی).

۶ درصد مساحت چین اصلی را جنگل فرا گرفته و مناطق مهم جنگلی آن دامنه مرطوب کوههای **نانشان** و **یون نان** و **تسین لینگ** (در جنوب ناحیه شمالی) می‌باشد که از جنگلهای انبوهی مستور شده است. در چین از چوب جنگل چندان بهره‌برداری نمی‌شود. از خیزران که در نزارها به حد وفور می‌روید به اشکال مختلف استفاده می‌کنند. چنینها پیرو دین بودا هستند و چون خوردن گوشت دامها مطابق عقاید دین بودا ممنوع است، تربیت حیوانات اهلی جز نگهداری

خوك و پرندگان اهلی توسعه نیافته است.

كانها وصنایع - چین اصلی از لحاظ منابع زیرزمینی بسیار غنی است بطوری که می تواند زغال سنگ مصرفی تمام عالم را از کانهای زغال خود برای مدت هزار سال تأمین کند ولی چون صنایع آن تا این اواخر



كانها و مراکز صنعتی چین اصلی

پیشرفت نکرده بود ، اغلب كانها دست نخورده مانده و از میزان ذخایر آنها اطلاع صحیحی در دست نیست .

مهمترین كانهای چین اصلی عبارتند از : زغال سنگ ، آهن ، قلع ، انتیموان ، تنگستن و بیسموت ؛ که به مقدار فراوان وجود دارد و سرب و روی و طلا و نقره و نمک و گوگرد که در درجه دوم

وزش بادهای صحرائی استرالیا کمتر است . بر اثر بارندگی فراوان رودهای متعددی در جزایر اندونزی جریان دارد ولی به علت کوهستانی بودن جزایر سیلابی و درموقع فرود آمدن از کوهها مقدار زیادی خاکهای آتشفشانی همراه خود به کنار دریا برده و دلتاهای حاصلخیزی تشکیل می دهند .

سواحل - کناره های جزایر اندونزی به علت کوهستانی بودن ، سنگی و دارای بریدگیهای بسیار و عمق کافی است و کشتیها بهسولت می توانند به بنادر آن نزدیک شوند و شهرهای مهم در سواحل قرار گرفته اند .

جغرافیای اقتصادی اندونزی :

کشاورزی - جزایر اندونزی به جهت داشتن خاکهای آتشفشانی و بارندگی فراوان حاصلخیز و دارای انواع و اقسام محصولات منطقه استوایی است . قسمت بزرگی از نواحی پست این جزایر از جنگلهای انبوه مستور و نقاط خیلی مرتفع از علفزارهای بلند « ساوان » پوشیده شده است .

۸۵ درصد زمینهای جزیره جاوه را کشتزارها فرا گرفته است ولی در سایر جزایر اندونزی وسعت زمینهای قابل کشت از ۲ درصد تجاوز نمی کند .

محصولات اندونزی بر دو قسم است : محصولات بومی ، مانند : برنج ، ذرت ، ادویه ، نیل ، قهوه و میوه های مناطق گرم و دیگر محصولات جدید ، مانند : نیشکر ، کائوچو ، نارگیل ، چای و گننه گنه که کشت

آنها در قرن اخیر به سرمایه شرکتهای بزرگ صادراتی معمول و توسعه یافته است.

برنج که مهمترین محصول بومی است و برای مصرف داخلی بکار می رود در جزیره جاوه و مادورا کاشته می شود و پس از برداشت محصول به جای آن ذرت و سبزیهای مختلف که به مصرف داخلی می رسند کشت می گردد.

جزایر اندونزی مخصوصاً مجمع الجزایر ملوک به کثرت ادویه (فلفل، زنجبیل، دارچین، میخک و...) معروف است و اندونزی اولین تهیه کننده ادویه عالم است.

کشت قهوه نیز در جزایر اندونزی بخصوص جاوه که $\frac{4}{5}$ محصول از آنجا بدست می آید، رواج دارد؛ و سابقاً توسعه بیشتری داشته است. بطور کلی پس از کشت محصولات جدید محصولات بومی رونق خود را از دست داده و در درجه دوم اهمیت قرار گرفته اند.

در بین محصولات جدید کشت نیشکر و درخت کائوچو توسعه بیشتری دارد و ۶۰ درصد زمینهای مزروعی به کشت آنها اختصاص یافته است.

کشت نیشکر بیشتر در جزیره جاوه متداول است و اندونزی از لحاظ تهیه قند نیشکر با محصول سالانه یک میلیون تن در عالم مرتبه دوم را حائز است (پس از کوبا). کشتزارهای درخت کائوچو (هوآ) که نهالهای اولیه آن را از برزیل آورده و تکثیر نموده اند بیشتر در جزیره سوماترا تمرکز یافته است و اندونزی دومین تهیه کننده کائوچوی طبیعی در عالم می باشد (پس از مالاکا). کشت چای

در جزیره جاوه و سوماترا توسعه بسیار یافته و اندونزی را به سومین جای در جهان مرتبه چهارم را دارد (پس از چین، هندوستان و ...).

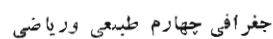


پراکنندگی جمعیت و اقتصاد اندونزی

در سوماترا کاشتن درخت نارگیل و نوعی نخل که از آن روغن بدست می آورند پیشرفت بسیار کرده است. اندونزی یکی از تهیه کنندگان بزرگ روغن نباتی عالم محسوب می گردد.

درخت گندگنه که نهال آن را ابتدا از کشور پرو واقع در آمریکای جنوبی آورده و در جزیره جاوه کاشته و تکثیر نموده اند نتیجه آن درخشانی داده بطوری که اکنون ۹۵ درصد پوست گندگنه عالم از آن بدست می آید.

گله داری مانند کشاورزی پیشرفت نکرده و فراورده های دامی بیشتر به مصرف داخلی می رسد. ماهیگیری بیش از گله داری در



- ۱۴۶ -

کانها وصنایع - در بین کانهای اندونزی نفت و قلع در درجهٔ اول اهمیت قرار گرفته است. نفت بیشتر از جزایر جاوه و سوماترا و کالیمانتان و جزایر کوچک مجاور مادورا استخراج می‌شود و از ۸ میلیون تن محصول نفت اندونزی ۷ میلیون تن از کانهای این جزایر حاصل می‌گردد. $\frac{1}{5}$ قلع عالم از معادن جزایر واقع بین سوماترا و کالیمانتان بدست می‌آید و اندونزی سومین کشور تولید کنندهٔ جهان است (پس از مالزی و بولیوی).

کانهای دیگر اندونزی عبارتند از : بوکیت ، زغال سنگ ، طلا و آهن که در میان آنها بوکیت اهمیت بیشتری دارد .

صنایع اندوختنی بغیر از قند سازی و روغنکشی پیشرفت نکرده است ، مثلاً کارخانه‌های بافندگی آن بیش از بیست درصد پارچه مورد نیاز اهالی را نمی‌توانند تهیه کنند .

راه‌ها و بازرگانی - طول خطوط آهن اندونزی ۷۵۵۰ کیلومتر است که ۵۵۰۰ کیلومتر آن در جزیره جاوه و بقیه در جزیره سوماترا و مجمع‌الجزایر سولاووزی کشیده شده است. تجارت اندونزی از راه دریا انجام می‌گیرد و مهمترین بنادر آن عبارتند از: **سورابایا، سمارانگ،** صادرات عمده اندونزی به خارج عبارتند از: نفت، قلع، کائوچو، ادویه، گننه‌گنه، روغن نخل، قهوه و چوبهای جنگلی؛ و واردات عمده آن را اشیای ساخته شده فلزی و پارچه و داروهای شیمیایی تشکیل می‌دهند.

پایان